احکام و مسائل

سجـدۀ تـلاوت



مؤلف:

حسام الدین عبادی جوزجانی

فاضل و متخصص فقه و فتوی دارالعلوم دیوبند



پسند فرمودۀ علامه محدث حضرت

مولانا مفتی ابوالقاسم نعمانی (حفظه الله تعالی)

محدث ومدیر دارالعلوم دیوبند، هند



تقریظ مفتی اعظم حضرت

مولانا مفتی حبیب الرحمن خیر آبادی صاحب

رئیس دارالافتاء واستاد تخصص فقه و فتوی دارالعلوم دیوبند



احکام و مسائل سجدهٔ تلاوت

✦ مؤلف: حسام الدین عبادی جوزجانی

✦ ناشر: انتشارات آفاق ـ هرات

✦ شمار: ۱۰۰۰ جلد

✦ قیمت: افغانی

✦ نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۹۹

شماره تماس مؤلف: ۰۰۹۳-۰۷۴۴۴۶۱۸۲۳+

ایمیل: hosamuddinebady@gmail.com

مرکز پخش:

ـ هرات، شهرنو، پایحصار، کوچه گدام، فروشگاه انتشارات آفاق.

تلفن: ۰۷۹۹۱۵۹۱۷۱ ـ ۰۷۹۹۳۲۳۱۶۳

- **مزار شریف**، مارکیت مجیدی، منزل اول، **کتاب وقرطاسیه فروشی حاجی عبدالقیوم**

- **کابل**، مقابل کوچه پخته فروشی، احمدی پلازا، منزل اول، دست راست، دوکان نمبر (۱) **انتشارات حاجی سردار خان**



اهداء:

اجر معنوی این اثرا را تقدیم می‌کنم به والدین محتـرم و مشفقم، اساتید و مشایخ گرانقدرم و زادگاه علمـی‌ام «دارالعلوم دیوبند».

حسام الدین عبادی جوزجانی

فهرست

تقریظ حضرت مولانا مفتی حبیب الرحمن صاحب ..../۱۱
کلمات دعائیه از حضرت مفتی ابو القاسم نعمانی ..../۱۳
تقریظ حضرت مولانا حبیب الرحمن اعظمی ..../۱٤
تقریظ حضرت مولانا مفتی زین الاسلام صاحب الٰه آبادی ..../۱۵
تقریظ حضرت مولانا خالد سیف الله رحمانی ..../۱۷
تقریظ حضرت مولانا مفتی عبداللطیف طالقانی صاحب ..../۱۹
تقریظ حضرت مولانا مفتی محمد نعمان صاحب سیتاپوری ..../۲۲
پیش گفتار ..../۲۵
احکام و مسائل سجدهٔ تلاوت ..../۲۹
سجده یکی از مهم ترین عبادات الله متعال است ..../۲۹
حکمت سجدهٔ تلاوت ..../۳۰

هدف و حکمت سجدهٔ تلاوت .... /٣٢
آیات سجده و تعداد آنها .... /٣٣
جاهای آیات سجدهٔ تلاوت .... /٣٣
بیان جاهای سجده .... /٣٦
آیهٔ سجدهٔ سوره نحل .... /٣٧
آیهٔ سجده سورهٔ بنی اسرائیل .... /٣٧
آیهٔ سجدهٔ سورهٔ نمل .... /٣٧
سجدهٔ سورهٔ ص .... /٣٨
سجدهٔ تلاوت سورهٔ حم سجده .... /٣٨
حکم سجدهٔ تلاوت .... /٤١
دو دلیل سنت بودن سجدهٔ تلاوت .... /٤٢
سجدهٔ تلاوت بر چه شخصی واجب می‌شود و اسباب آن چیست؟ .... /٤٤
اهلیت سجدهٔ تلاوت و شرایط آن .... /٤٥
شرایط صحیح شدن سجدهٔ تلاوت .... /٤٥
بدون وضو سجدهٔ تلاوت جایز نیست .... /٤٦
نیت سجدهٔ تلاوت .... /٤٩
طریقهٔ سجدهٔ تلاوت .... /٤٩
رکن اصلی سجدهٔ تلاوت .... /٥٠
در سجدهٔ تلاوت هر دو تکبیر نیز سنت اند، نه رکن .... /٥١
گذاشتن پیشانی در سجدهٔ تلاوت و چیزی نخواندن .... /٥١
حکم قیام قبل و بعداز سجدهٔ تلاوت .... /٥٢

دلیل قیامِ قبل از سجدهٔ تلاوت و بعد از آن ..../٥٢
حکم بلند کردن دست در تکبیر سجدهٔ تلاوت ..../٥٤
حکم تشهد و سلام در سجدهٔ تلاوت ..../٥٤
حکم تسبیحات و دیگر اذکار در سجدهٔ تلاوت ..../٥٤
اذکار دیگر سجدهٔ تلاوت ..../٥٥
در صورت وجوب سجدهٔ تلاوت خارج از نماز، باید دعاهای ذیل خوانده شود ..../٥٧
مجموعهٔ تسبیحات و دعاها ..../٥٧
حکم سجده در اوقات مکروهه ..../٥٨
حکم سجدهٔ تلاوت بعد از نماز فجر و عصر ..../٥٩
آنچه سجدهٔ تلاوت را فاسد می‌کند ..../٥٩
حکم سجدهٔ تلاوت در محاذات زن ..../٦٠
حکم سجدهٔ تلاوت بالای قرآن شریف ..../٦٠
حکم تکرار تلاوت آیهٔ سجده در گوشه‌های مختلف خانه ..../٦٠
کل مسجد در حکم یک خانه است ..../٦١
حکم تعدد و تکرار یک آیهٔ سجده در گوشه‌های مختلف منزل ..../٦١
حکم تکرار آیهٔ سجده بالای موتر و موتر سائیکل وغیره ..../٦٢
قبل از سوار شدن به موتر یا سواری آیهٔ سجده را خواند، بعد از آن سوار شده قبل از حرکت دوباره خواند ..../٦٣
حکم تکرار آیهٔ سجده حین بافتن رخت/پارچه ..../٦٤
حکم تکرار آیهٔ سجده در یک مجلس در ضمن تسبیح و تهلیل و.. ..../٦٥

حکم تکرار آیهٔ سجده در ماه مبارک رمضان هنگام دورِ حفّاظ قرآن کریم با یکدیگر ..../۶۵
حکم مکرر خواندن آیهٔ سجده هنگام درس ..../۶۶
بعد از تلاوت آیهٔ سجده در خارج از نماز سجده فورًا واجب نیست ..../۶۷
سجدهٔ تلاوت قضا نمی‌شود ..../۶۷
اگر سجدهٔ تلاوت را هیچگاه ادا نکند گنهکار می‌شود ..../۶۸
اگر سجدهٔ تلاوت فوری متعذر باشد، پس چه باید کرد؟ ..../۶۸
حکم سجدهٔ تلاوت بعد از نماز در پیشگاه مردم ..../۶۹
اطلاع دادن سجدهٔ تلاوت قبل از تکبیر تحریمه در تراویح ..../۶۹
حکم شنیدن آیهٔ سجده از طریق میکرافون/ بلندگو ..../۷۰
حکم شنیدن آیهٔ سجده از رادیو و تلویزیون ..../۷۰
حکم شنیدن آیهٔ سجده از ضبط، ریکاردَر و کاست ..../۷۰
حکم شنیدن آیهٔ سجده از پرنده‌ها ..../۷۱
حکم انعکاس آیهٔ سجده ..../۷۱
شنیدن آیهٔ سجده از شخصی که خواب است ..../۷۱
حکم تلاوت آیهٔ سجده در حالت خواب ..../۷۳
حکم خواندن و شنیدن آیهٔ سجده توسط حائضه، نفساء، کافر، نابالغ ومجنون ..../۷۳
حکم شنیدن آیهٔ سجده از کافر، بچه و دختر نابالغ، دیوانه، حائضه و نفساء ..../۷۴
حکم خواندن و یا شنیدن آیهٔ سجده برای شخص جنب ..../۷۵

خواندن آیهٔ سجده در حالت نشه ..../۷٦
حکم مریضی که قدرت سجده را ندارد ..../۷۷
حکم تکمیل آیهٔ سجده توسط چندین شخص ..../۷۸
صورت‌های تکرار وجوب سجدهٔ تلاوت ..../۷۸
در حین تکرار آیهٔ سجده مجلس سامع تبدیل شد ..../۸۰
درحین تکرار آیهٔ سجده جای تلاوت کننده بار بار تبدیل شد ..../۸۱
در یک جای نشسته چندین آیهٔ سجده را تلاوت کردن ..../۸۱
یک آیهٔ سجده را از چند نفر شنید و خودش نیز خواند حکمش چیست؟ .../۸۲
آیا مکان سجده با نشست و برخاست تبدیل می‌شود؟ ..../۸۲
حکم تکرار آیهٔ سجده در مکان قبلی ..../۸۳
آیا تنها بسبب ترجمه آیهٔ سجده، سجدهٔ تلاوت نیز لازم می‌شود؟ ..../۸۳
حکم خواندن ترجمه بعد از تلاوت آیهٔ سجده ..../۸٤
حکم تلاوت آیهٔ سجده در مجالس خواص ..../۸٤
حکم ادای سجده‌های تلاوت پس از ختم کل قرآن کریم ..../۸٥
اگر بر شخصی سجده‌های متعددی واجب باشد ولی تعـدادش معلـوم نباشـد، چگونه سجدهٔ تلاوت را بجا آورد؟ ..../۸٥
آیا تلاوت کننده از جانب شنونده سجدهٔ تلاوت را ادا کرده می‌تواند؟ ..../۸٦
آیهٔ سجده را به طور سری در دل بخواند چه حکم دارد؟ ..../۸۷
حکم نوشتن آیهٔ سجده با قلم یا کمپیوتر ..../۸۷
حکم خواندن آیهٔ سجده به طور هجا ..../۸۷
چه مقدار آیهٔ سجده، سبب وجوب سجدهٔ تلاوت می‌شود؟................../۸۸

حکم آیه‌ای که پس از آیهٔ سجده، کلمهٔ سجده نوشته شده است ..../۸۹
حکم خواندن کلمات سجده در ضمن اشعار و غیره ..../۸۹
حکم سجدهٔ تلاوت در نماز ..../۹۰
در هر نمازی که آیهٔ سجده خوانده شد، باید در همان نماز سجدهٔ تلاوت ادا گردد ..../۹۱
در نماز آیهٔ سجده را خواند، ولی فورًا سجده نکرد، چه حکم دارد؟ ..../۹۱
سجدهٔ تلاوت چگونه در رکوع و سجدهٔ نماز ادا می‌شود؟ ..../۹۳
امام آیهٔ سجده را در نماز تلاوت کرد، اما نیت سجده را در رکوع نکرد پس چه باید کرد؟ ..../۹۳
حکم نیتِ سجده در رکوع ..../۹٤
مقتدی آیهٔ سجده را خوانده به امام تذکر داد و امام تذکر را گرفت یک سجده واجب می‌شود یا دو؟ ..../۹٥
اگر مقتدی به آواز بلند آیهٔ سجده را بخواند چه حکم دارد؟................../۹٦
حکم شخصی که خارج از نماز آیهٔ سجده را از امام شنید ..../۹۷
حکم نمازگزاری که آیهٔ سجده را شنید ..../۹۸
امام باید در نمازهای سرّی آیهٔ سجده را نخواند ..../۹۸
حکم تلاوت آیهٔ سجده در نماز جمعه و عیدین ..../۱۰۰
حکم خواندن آیهٔ سجده در نمازهای حرمین شریفین ..../۱۰۰
حکم سجده کردن قبل از آیهٔ سجده ..../۱۰۱
آیهٔ سجده را خوانده در همانجا نماز را شروع کرد و در نماز نیز همان آیهٔ سجده را خواند ..../۱۰۱

آیهٔ سجده را خارج از نماز خوانده سجده کرد، دوباره در نماز همان آیهٔ را تکرار کرد ..../۱۰۲

حکم تکرار آیهٔ سجده در نماز ..../۱۰۲

خواندن مکرر آیهٔ سجده در نماز ..../۱۰۳

حکم تکرار آیهٔ سجده بعد از ادای سجده ..../۱۰۳

حکم ترک کردن آیه‌های سجده در نماز یا خارج از نماز، هنگام تلاوت چیست؟ ..../۱۰۳

حکم تخصیص آیات سجده در نمازها ..../۱۰۴

منفرد در نماز از شخصی آیهٔ سجده را شنید، سپس خودش در نماز همان آیهٔ سجده را خواند و سجده کرد ..../۱۰۵

اگر قبل از سجدهٔ تلاوت نماز فاسد شود، چه باید کرد؟ ..../۱۰۶

اگر بعد از سجدهٔ تلاوت نماز فاسد شود، دوباره سجده واجب نیست ...../۱۰۶

اگر زن در نماز قبل از سجدهٔ تلاوت حیض دید در این صورت حکمش چیست؟ ..../۱۰۷

مراجع و مصادر.../۱۰۸

تقریظ

مفتی اعظم حضرت مولانا
مفتی حبیب الرحمن خیرآبادی صاحب (مدظله العالی)
رئیس دارالافتاء واستاد تخصص فقه وفتوی دارالعلوم دیوبند

الحمد لله ربّ العٰلمین والصلاة والسلام علیٰ سیّد الأنبیاء والمرسلین وعلی آله وصحبه أجمعین. أما بعد!

بابِ سجدۀ تلاوت در منابع فقه و فتوی خیلی ارزشمند است، تعداد صورت‌های مسائل این باب، بیش از حد و بسیار دقیق می‌باشد، نیازمندی‌شان هم در این خصوص بیشتر است؛ اما با وجود آن، برخی اهلِ علم از مسائل سجدۀ تلاوت آگاهی دقیق ندارند.

الله متعال مولانا مفتی حسام الدین عبادی جوزجانی را جزای خیر دهد که در این موضوع قلم برداشت و پس از تلاش و عرق‌ریزی‌ها جزئیاتِ بی‌شمارِ این باب را جمع‌آوری نمود و تقریباً تمام مسائلی که در این باب پیش‌بینی شده بود را گردآوری کرده است، و هر آنچه را که به رشتۀ تحریر در آورده با حواله مستند می‌باشد.

کاوش و زحمت ایشان قابلِ تقدیر است، مزید بر آن مفتی نعمان «سیتاپوری» معینِ مفتی دار الافتاء دارالعلوم دیوبند نیز این اثر را بازنگری نموده است. لذا

می‌توان گفت این «مجموعه» به دلیل وفورِ مسایل و نُدرَتش، و بـه اعتبـار توثیـق و معتبر بودن قابل اعتماد گردیده، و در ذات خود یک اثرِ معتبر قرار گرفته است.

از صمیم قلب دعاگو هستم، الله متعال زحمتش را قبولِ بارگاهِ خویش گرداند، و این آثر را برای هر دو: دانشجویان و دانشمندان، سـودمند و باعـثِ هـدایت قـرار دهد، و مؤلفِ موصوف را پاداشِ خیر نصیب کند، و این اثـر را سـبب نجـاتِ وی قرار دهد، آمین ثم آمین.

(مفتی) حبیب الرحمن (صاحب) عفا الله عنه

مفتی دارالعلوم دیوبند۳/ جمادی الثانی۱۴۴۱هـ.

کلمات دعائیه

از علامه محدث حضرت

مولانا مفتی ابوالقاسم نعمانی (حفظه الله تعالی)

محدث و مدیر دار العلوم دیوبند، هند

مسودۀ رسالۀ موسوم به «احکام و مسائل سجدۀ تلاوت»، به دسترسم قرار دارد؛ گردآورندۀ این رساله، عزیزم مولوی حسام الدین عبادی جوزجانی می‌باشد که دانشجوی خیلی با استعداد و باذوق است. بدلیل عدم فرصت، نتوانستم رساله را بخوانم، اما اینکه کار این رساله زیر نظر استادان گرامی انجام یافته و چندین نفر از استادان بزرگ نسبت به این رساله اطمینان داده‌اند، برای معتمد و مستند بودنش کفایت می‌کند.،

الله متعال ترتیب دهنده را پاداش نیک دهد و این رساله را برای عام و خاص نافع بگرداند، و نیز گردآورنده را فرصت‌ها و مواقع خدماتِ بیشتر عنایت کند، آمین.

ابوالقاسم نعمانی غفرله

مهتمم دارالعلوم دیوبند

۱۴۴۰/۸/۲۱هـ مطابق ۲۰۱۹/٤/۲۷ع

تقریظ

محدِّث ناقد علامه
مولانا مفتی حبیب الرحمن صاحب (دامت برکاتهم العالیه)
استاد حدیث و مدیر سابق ماهنامه دار العلوم دیوبند

نحمده ونصلی علی رسوله الکریم. أما بعد:

اثر ترتیب دادۀ عزیزم مولوی مفتی حسام الدین جوزجانی ـ سلمه الله ـ به عنوان «احکام و مسائل سجدۀ تلاوت» در باب خویش یک کتاب موثق و قابل اعتبار است. مؤلف موصوف با ژرف‌نگری کامل این اثر را ترتیب داده و تلاش فراوان نموده تا با مهمترین منابع فقهی، کتاب را مفیدتر بسازد، کـه آن را خوانندگان گرامی هنگام مطالعه به گونۀ بهتر درک خواهند کرد.

برای اثبات ارزش و مفید بودن کتاب همین بس است که در آن احکـام و مسائل سجدۀ تلاوت کاملاً مدلل و مفصل بیان گردیده، و تحت عنـوان هـر مسئله چند حواله ذکر شده است، نیز در حواله‌ها عموما منابع عربی را مأخذ قرار داده است و در پهلوی آن عبارت‌های اصل کتاب عربی نیز نقل گردیـده تا هیچگونه تشنگی باقی نماند. بنده دعاگو هستم کـه اثـر علمـی موصـوفِ عزیـز، شـرف قبولیـت حاصـل کنـد، واللـه متعـال ایشـان را بـرای چنـین فعالیت‌های علمی و دینی توفیق بیشتر عنایت کند.

(حضرت مولانا) حبیب الرحمن اعظمی
خادم الطلبه دار العلوم دیوبند ۱۹/شعبان ۱٤٤٠ه

تقریظ

حضرت مولانا مفتی زین الاسلام صاحب الٰه آبادی (دامت برکاتهم)

مفتی دار العلوم دیوبند

نحمده ونصلي على رسوله الکریم: در سوره‌های کلام با عظمت پروردگار، چهارده آیه وجود دارد که با تلاوت آنها برخواننده و شنونده ادای یک سجده واجب می‌گردد؛ اینها آیات سجده نامیده می‌شوند و این سجده را سجدهٔ تلاوت می‌گویند. این سجده اگرچه به تنهایی ادا می‌شود یعنی بدون قیام، رکوع و تشهد، ولی باز هم برای ادای این سجده موجودیت شرطهای نماز لازمی است. مثلا پاکی لباس و بدن، با وضو بودن، ستر عورت، استقبال قبله و... که توسط آن انفرادیت وخصوصیت و اهمیت این سجده عیان می‌گردد. این سجده نظر به وجوبش، احکام و مسائل ویژهٔ خود را دارد؛ و نظر به خواننده، و شنوندهٔ آن، جزئیات بی‌شماری به میان می‌آید، بدین لحاظ مجموعهٔ «احکام و مسائل سجدهٔ تلاوت» در این موضوع کتابی عمده و جامع قرار گرفته که تألیف حسام الدین عبادی می‌باشد.

عزیز محترم مولانا مفتی حسام الدین ـ سلمه الله ـ زاده الله شرفاً و علماً، فاضل با استعداد و باکمال دارالعلوم دیوبند و فارغ التحصیل شعبهٔ تکمیل افتاء می‌باشد. جای مسرّت است که ایشان سلسلهٔ تصنیفی خویش را از موضوع سجدهٔ تلاوت آغاز نموده است، و باتلاش فراوان از منابع فقه و فتوی

جزئیات بی‌شمار این باب را جستجو نموده و جمع آوری کرده است و در ضمن آن، بنابر اوضاع فعلی جهان جزئیات جدیدی که در دسترسش قرارگرفته را در پرتو عبارت‌های فقهی تطبیق داده و احکام آنها را خیلی واضح و روشن درج نموده است. بدین‌سان این رساله مشتمل بر بیش از صد عنوان آماده گردیده و ویژگی این رساله اینست که مؤلفِ موصوف هر مسئله را مدلل با تصریحِ حواله‌ها و منابع نگاشته است و در بعضی بخش‌ها بیش از یک حواله درج نموده و تمام حواله‌ها برگرفته از منابع معتبر و مستند فقه و فتاوی می‌باشد، پروردگار تلاش‌هایش را به بارگاه خویش قبول گرداند.

امر دیگری که باعث مسرّت و خوشی است، اینکه مسائل و جزئیات فقهی و حواله‌های منابع را معاون مفتی دار الافتاء دارالعلوم دیوبند حضرت مفتی محمد نعمان سیتاپوری صاحب بازنگری نموده است، پیشنهادات و اصلاحات ایشان بر اعتماد این اثر افزوده و افادیتش را بیشتر نموده است. این اثر برای عموم مسلمانان و برای اهل علم و دانش بسیار مفید و کارگر است و برای حفّاظ کرام نعمت بزرگی است.

الله متعال نفع این اثر را عام و تام گرداند و به تلاش‌های همهٔ ایشان پاداش نیک دهد، و به بارگاه خویش شرف قبولیت بخشد.. «ربنا تقبل منا إنک أنت السمیع العلیم، وصلی الله تعالیٰ علیٰ خیر خلقه محمد وعلی آله وصحبه أجمعین».

فقط خاکپائی درویشان

زین الاسلام قاسمی الٰه آبادی / مفتی دارالعلوم دیوبند

تقریظ

فقیه العصر حضرت
مولانا خالد سیف الله رحماني صاحب (دامت فیوضه)
رئیس معهد العالی حیدر آباد و امین عام مجمع فقه اسلامی هندوستان

در قرآن کریم آمده است که هدف اساسی از آفرینش بشریت عبادت خالق کائنات است و معنای عبادت عِجز و انکساری است؛ بدین لحاظ خیلی از افعال مظهر عاجزی می‌باشد، مانند قیام دست بسته، رکوع و... لیکن اوج کمال بندگی در سجده است که انسان گرامی‌ترین عضو بدنش را که پیشانی است به بارگاه پرودگار قرار می‌دهد، آنهم به گونه‌ای که دست و پایش همه به بارگاه ربانی پهن می‌باشد.

همین است که قیام و رکوع را در خارج از نماز به گونهٔ مستقل جایز نگفته، لیکن بیرون از نماز تنها سجده کردن جایز می‌باشد؛ از آن جمله یکی سجدهٔ تلاوت است که بر تلاوت کننده و شنونده واجب می‌گردد، و دیگر سجدهٔ شکر است که نزدِ قائلین جواز، مستحب می‌باشد و از جملهٔ قائلین شاگردان ممتاز امام صاحب أبوحنیفه رحمه‌الله یعنی امام أبویوسف و امام محمد رحمهماالله نیز شامل هستند.

سجدهٔ تلاوت دارای مسائل بی‌شمار است و فقهای کرام در آثار خویش پیرامون این موضوع باب مستقلی بسته‌اند و به زبان اردو نیز در این موضوع کتاب‌های متعددی به قید قلم آورده شده، یکی از حلقات این زنجیره تألیف

مولاناحسام الدین جوزجانی (فاضل دارالعلوم دیوبند از جوزجانِ افغانستان) که بزبان اردو «سجدهٔ تلاوت کے احکام و مسائل» و ترجمهٔ آن به زبان فارسی «احکام و مسائل سجدهٔ تلاوت» مسمی گردیده، می‌باشد.

در این کتاب آیات سجده و اختلافاتی که پیرامون آن وجود دارد؛ روش سجدهٔ تلاوت و شروط آن؛ مسائل که مربوط گوش دهنده می‌شود و مسائلی که مربوط هر دو یعنی تلاوت کننده و شنونده می‌شود و احکام سجدهٔ تلاوت در نماز را از مراجع معتبر و مؤثق و مستند، به زبان عام فهم ذکر گردیده، ضمن این ابواب بر مسائل جدید و معاصر نیز روشنی انداخته شده.

مؤلف فاضلی جوان است و قدمهای نخستین خویش را در میدان تحقیق گذاشته است، دعا می‌کنم الله متعال ایشان را در این میدان جذبهٔ پیشرفت عطا کند. وبالله التوفیق وهو المستعان.

خالد سیف الله رحمانی (مدظله العالی)
امین عام مجمع الفقه الإسلامي، الهند
نزیل هرات ، أفغانستان
۲۷/ شوال المکرم /۱٤٤۰ هـ ق

تقریظ

حضرت مولانا مفتی عبداللطیف معتصم طالقانی حفظه الله تعالی
استاذ حدیث و مسئول بخش تخصص فی الأدب العربی جامعه فاروقیه کراچی (فاز جدید)

الحمدلله رب العالمین، والصلاة والسلام علی سید الأنبیاء والمرسلین وعلی آله وصحبه أجمعین، أما بعد:

هرگاه به یک بُعد از ابعاد شریعت اسلامی جهت حلّ مشکلات و جبران نواقص دینی مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم که شریعت مطهره باکمال طمأنینه و اعتماد، جوابگو و حلّال مشکلات ماست و برای یک لحظه‌ی کوتاه از جزئی‌ترین مورد شرعی تخلف نورزیده و باقناعت کلی پاسخ گفته است؛ آنگاه باورمان نسبت به دین‌مان مستحکم‌تر و اعتقادمان به شریعت اسلامی بیش‌ازپیش قوی‌تر می‌گردد. حقا که خداوند کریم بزرگ‌ترین لطف و احسان خود را بر بندهٔ مسلمان خود ارزانی نموده که به دینش مشرف ساخته و پیرو آن گردانیده است؛ لهذا برخود باکمال افتخار می‌بالیم که معتقد و پیروِ دین اسلام هستیم و از مزایای شریعت برخوردار، و در چوکات آن با آرامش قلبی زندگی می‌کنیم، لله الحمد.

پس به‌طور فشرده باید بدانیم که شریعت ما را در خصوص خود بی‌سرنوشت نگذاشته و هیچ گوشه‌ای از زندگی بدون رهنمودی باقی نمانده

است، بلکه نور آن راهنمایی به‌صورت محسوس و ملموس بر قرار است. چنانچه یکی از ابعاد مهم تعبّدی، موجودیت آیه‌های سجده در قرآن کریم است که برگاه، تلاوت کننده به آن می‌رسد، باید جبین بندگی به بارگاه احدیت بساید و از عجز و تقصیر خود اظهار تذلل نماید و شکر خداوند کریم را بجا آورد که با نور توحید آشنا ساخته و مسیر زندگی‌اش را مشخص و نعمت عظیم اسلام را برایش مرحمت نموده است.

سجده‌های تلاوت بخشی از مسائل فقهی دین مبین اسلام است که در کتب فقه با جایگاه خاصی گنجانیده شده که عند الضرورة به آن مراجعه شده و مورد استفاده قرار بگیرد؛ اما در عصری که ما زندگی می‌کنیم، عصر تخصص‌ها است همه کارها بر اساس تخصص پیش می‌رود و مردم به‌طور عموم در تمام معاملات به‌سوی متخصصین مراجعه می‌کنند؛ بر اساس تختصص متخصصین که موضوعات را نیز تختصصی نمودند، بسیاری از علمای کرام نظر به نیازمندی‌های زمان، مسائل فقهی را نیز باب بندی جدید نموده به خدمت خوانندگان قرار دادند.

مسائل سجده‌های تلاوت هم بسیار اهم بوده و در عین حال هر مسلمانی که شیفته‌ی تلاوت قرآن کریم می‌باشد به آن نیاز جدی دارد؛ لهذا نیاز بود که مسائل این موضوع جمع‌آوری شده و به زبان ساده و عام فهمِ دری خدمت مسلمانان قرارداده شود که خوشبختانه برادر مخلص، مستعد و جوان دانشمندمان حضرت مولانا مفتی حسام الدین صاحب فارغ التحصیل و متخصص دارالعلوم دیوبند این عمل نیک و علمی را تحت نظارت اساتید بزرگ دارالعلوم دیوبند و علمای معروف آن مرز و بوم انجام داده‌اند.

طوریکه از تقریظها و تصدیقات‌شان هویدا می‌شود و جناب حضرت مفتی صاحب در این خصوص بندهٔ حقیر را نیز در جریان گذاشتند و در خصوص آن با بنده مشوره‌ها نمودند، چنانچه کتاب‌شان را از اول تا آخر حرف به حرف خواندم، لله الحمد که کتاب در موضوع خود جامع و مفید است و این کوشش پُر ثمرِ جناب حضرت مفتی صاحب گرامی لایق صد تقدیر است، و آنچه که در کمال و جمال و اهمیت این کتاب می‌افزاید، تصدیقات و تقریظ‌های اساتید برجسته و نامدار دارالعلوم دیوبند است که در حقیقت دیباچهٔ زیبای این کتاب پُر محتوی است، و همین کلمات زیبا و تقریظ‌های این بزرگواران جهت تأئید و صحه گذاریِ این کتاب کافی بود، اما جناب حضرت مفتی حسام الدین صاحب اصرار پَی‌هم ورزیدند که تا در خصوص این اثر علمیِ مفید ،کلمات بی‌ربطی را به قید قلم بسپارم؛ چنانچه ناچار خامه بر دست گرفتم و به حکم جناب مفتی صاحب جامهٔ عمل پوشانیدم.

خداوند کریم این مساعی مبارکه را باعث افادهٔ همگان بگرداند و برای مؤلف محترم اجر جزیل و پاداش بی‌حساب مرحمت نماید. اللهم آمین.

نیازمند دعا / عبداللطیف معتصم طالقانی

استاذ حدیث و مسئول بخش تخصص فی الأدب العربی جامعه فاروقیه

کراچی (فاز جدید)

۲۰۲۰/۹/۱۵ - ۲۸/۱/۱۴۴۲

کلمات تصدیق و تأیید

حضرت مولانا مفتی محمد نعمان صاحب سیتاپوری دامت برکاتهم
معاونِ مفتی دارالافتاء دارالعلوم دیوبند

نحمده ونصلي على رسوله الكريم، أما بعد!

در قرآن کریم ۱٤ آیه است که بـا تـلاوت و یاشـنیدن آنهـا بـر خواننـده و شنونده طبق شرایط، سجده واجب می‌گردد، و این سجده را سـجدۀ تـلاوت می‌گویند، یعنی: سجدۀ واجب شده به سبب خواندن و یا شنیدن آیۀ سجده. و این آیه‌های قرآن کریم در سوره‌های مختلف می‌باشـد ودر مصـحف‌هـای مطبوعه به‌خاطر سهولت قارئین بالای آیه‌های سجده علامت‌گذاری نیز شده است. البته به‌طور عموم، مردم از احکـام و مسـائل سـجدۀ تـلاوت آگـاهی ندارند؛ در حالیکه نیازشان در ایـن مسـائل بیشـتر اسـت؛ خصوصـاً در مـاه مبارک رمضان که عوام و خواص قرآن کریم را به کثرت تلاوت می‌کننـد و در نماز تراویح نیز با صورت‌هـای مختلـف متعلـق بـه سـجدۀ تـلاوت مواجـه می‌شوند. و بعضی جزئیات سجدۀ تلاوت آنهایی‌اند که در کتب عربیِ فقه و فتاوی صـراحتاً موجـود نیسـت و اکـابر مـا آن‌هـا را در فتـاوای‌شـان واضـح فرموده‌اند، یا بعضی مسائل جدید سجدۀ تلاوت مختلف فیه می باشـند کـه تعین قول راجح و مفتی به ضروری است؛ به همین خاطر نیاز بود که در زبان اردو به شیوه‌ی آسان و عام فهـم مسـائل و احکـام ضـروری سـجدۀ تـلاوت جمع‌آوری شود تا برای عامة الناس عمل کردن بـه احکـام و مسـائل سـجدۀ

تلاوت آسان گردد. راقم الحروف هر سال طلبهٔ تمرین افتاء را برای خواندن و نوشتن در موضوع فقه و فتاوی ترغیب می‌دهد و این را نیـز مـی‌گویـد کـه در آینده نیز با این فن وابستگی داشته باشید تا اینکه مناسـبت فقـه و فتـاوی کـه امسال به شما حاصل گردیده، باقی بماند و در آن ترقیِ بیشتر شود. و طریقه آسان آن اینست که هر روز فقه مطالعه شود، اگرچه اندک باشـد و در مسـائل دینی در کنار تحقیق، سلسلهٔ نوشتاری نیز ادامه داده شـود. ایـن سـخن‌هـای بنده به دل مفتی حسام الدین عبادی جوزجـانی (فاضـل دارالعلـوم دیوبنـد) نشست، موصوف روزی آمد و گفت می‌خواهم دربارهٔ یک مسـئله رسـاله‌ای بنویسم، شما موضوع را تعیین کرده برای طرزکاری آن نیز رهنمایی فرمائید.

احقر برای موصوف عرض کـردم کـه دربـارهٔ «احکـام و مسـائل سـجدهٔ تلاوت» نیاز به نوشتن است و این عنوان نیز آسان است؛ لهذا اگر شما به این موضوع بنویسید بهتر خواهد شد؛ سپس عرض کردم که در تألیف رسـاله در قدم نخست مقصود خـود شـما هسـتید، دیگـران بـه درجـهٔ ثـانوی مقصـود می‌باشند، یعنی: در اصل شما حاصل کردن مناسـبت بـا احکـام و مسـائل و صلاحیت فقهی را نیت کنید و به درجهٔ ثانوی فایدهٔ خوانندگان مقصود باشد. در تألیف رساله طرز کار آن چنین باشد که شما تا یک، یک و نـیم مـاه بـاب سجدهٔ تلاوت را از کتاب‌های عربی که متعلق به فقـه و فتـاوی باشـد و قابـل دسترسی نیز باشد را بخوانید، و در حین مطالعه مسائل ضروری را بـا حوالـه یادداشت کنید، و هر مسئله را خوب دانسته بخوانید، سپس همینگونه فتاوای اردو را نیز مطالعه کنید و در مرحلهٔ سوم به ترتیـب دادن مسـائلِ جمـع شـده بپردازید، و حسب نیاز به اساتید خود رجوع کنید؛ چنانچه موصـوف همـین طور کرد، و ماشاءالله زحمتکش و بـا ذوق اسـت و در مـزاجش یـک‌سـویی،

متانت و سنجیدگی دارد؛ سپس موصوف کار بازنگری رساله را به ذمهٔ احقر سپرد. احقر محنت، شوق و ذوق و دل‌چسپی موصوف را دیده، با وجود زیاد بودن مصروفیت‌ها به نیت حوصله افزایی موصوف به توکل الله رب العزت به خاطر بازنگری آماده شدم.

احقر رسالهٔ موصوف را از اول تا آخر با فکرِ آرام خواندم و درجاهای مختلف اصلاحات لازم را نیز آوردم و مشوره‌های متعددی دادم . موصوف با پیشانی باز قبول کردند. این را شنیده مسرّت و خوشی‌ام بیشتر شد که موصوف این اثر را به فارسی نیز ترجمه کرده است، و ترجمهٔ فارسی آن را جناب مولانا مفتی عبداللطیف طالقانی صاحب مدظله، استاد حدیث و مسئول بخش تخصص فی الأدب العربی جامعه فاروقیه کراچی (فاز جدید) بازنگری کرده است.

دعا می‌کنم که الله متعال اولین کاوش موصوف را به بارگاه اقدس خود شرف قبولیت عطا فرماید و ذریعهٔ رضا و خوشنودی خود بگرداند و در آخرت ذریعهٔ سرخ رویی بگرداند و در آینده نیز توفیق بیشتر خدمات فقهی عطا بفرماید و این رساله را برای مردم نیز بیشتر نافع بگرداند! آمین یارب العالمین، وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد وآله وأصحابه أجمعین، والحمد لله رب العالمین.

و کتبه

محمد نعمان سیتا پوری غفرله

خادم افتا، دارالعلوم دیوبند

٢٦ محرم الحرام، سنه: ١٤٤٢هـ، ١٥

ستمبر، سنه: ٢٠٢٠ء، به روز: سه شنبه

پیش گفتار

الحمد لله ربّ العٰلمین والصلاة والسلام علیٰ سیّد الأنبیاء والمرسلین وعلی آله وصحبه أجمعین، أما بعد:

پروردگار بزرگ و برتر با مهرو احسانش مَنِ کم ظرف را توفیق بخشید تا در مسائل و احکام سجدۀ تلاوت اندکی قلم فرسایی نمایم؛ این نخستین اثر بندۀ ناچیز است که به مرحمت پرودگار و توجه استادان مشفق، به معرض وجود می‌آید.

داستان نگارش این اثر طوری است که سال گذشته ۱٤۳۹-٤۰ هـ ق هنگامی که در محیط پرکیف دار الافتاء دارالعلوم دیوبند مصروف مشق و تمرین فقه و فتاوی بودم، در قلبم انگیزه‌ای پیدا شد که برای استفادۀ بهتر از این فرصت طلایی باید سال تعلیمی را در برّرسی یک مسئله فقهی سپری نمایم، و مسئله را با تمام جوانبش در معرض تحقیق قراردهم. انگیزه‌ای بسیار خوب بود اما دانشم ظرفیت و جوابگویی این مسئلۀ دینی را نداشت؛ جناب مفتی نعمان سیتاپوری صاحب دامت فیوضهم (معاون مفتی دارالافتاء دارالعلوم دیوبند) که استاد و مربی ما در خصوص تمرین فتوی بودند، به حضور ایشان این شوقِ خویش را اظهار نمودم؛ چونکه الله رب العزت به طور خاص در وجود مفتی صاحب ویژگی کوچک نوازی را ودیعت گذاشته است، ایشان نه تنها تشجیع نمودند، بلکه افزودند که «من نیاز می‌بینم، اگردر باب سجدۀ تلاوت خدمتی صورت گیرد خیلی بهتر خواهد شد، پس

شما برای انجام این هدف تمام منابع معتبر فقه حنفی را بالاستیعاب مطالعه نمائید».

سخنان مشوقانۀ مفتی صاحب را شنیدم و ارادهام مستحکم‌ترشد، چون موضوع را مفتی صاحب تعیین نموده بود، و راهنمایی‌های بیش‌بهای‌شان موجب تشجیع و گشایش راه من قرار می‌گرفت. من هم به نام خدا به صحرا نوردیِ دشت جنون قدم گذاشتم، اگرچه در این راستا با خیلی دشواری‌ها مواجه شدم لکن مشوره‌ها و رهنمودهای مفتی صاحب در این راه کار خِضر را انجام داد. آنچه را جمع می‌کردم گاه گاه به خدمت ایشان قرار می‌دادم، و با نگاه عمیق‌شان اشتباهاتش را تصحیح می‌نمودند و با مشوره‌های‌شان راهنمایی می‌کردند.

به دستور مفتی صاحب باب سجدۀ تلاوت را در منابع مختلف فقه حنفی همچون: شامی، البحر الرائق، بدائع الصنائع، مجمع الأنهر، هدایه، جوهره، کنز و... بالاستیعاب با دقت مطالعه و مرور نمودم؛ در ضمن آن، به فتاوای اکابرین نیز مراجعه کردم، المهم جنبه‌های گوناگون این باب مورد بررسی قرار گرفت و الحمد لله مشکلاتی که در این راه حائل بود برطرف، و بعضی مسائل جدیده‌ای که بسیار مهم بود به دسترس ما قرار گرفت، بالآخره آهسته آهسته این سفر به پایان رسید و مسوّدۀ کتاب آماده شد، آن را خدمت حضرت مفتی صاحب تقدیم کردم، الله متعال مفتی صاحب را پاداش نیک دهد، نمی‌توانم با هیچ کلماتی سپاس‌گزاری کنم؛ ایشان با تمام مشغولیت‌هایی که داشتند، سه شبانه روز وقت خود را برای بازنگری این رساله تخصیص دادند، از شروع تا آخر تمامش را با دقت خواندند، جاهای زیادی را عوض و اصلاح نمودنده و اسلوب زبانی و بیانی آن را نیز تصحیح

نموده و آماده چاپ ساختند. چنانچه به فضل پروردگار بزرگ و برتر ایـن اثـر که مشتمل بر بیش از صد عنوان است آماده گردید و در محتویات آن تحقیق آیات سجده، شروط سجدهٔ تلاوت، مسائل مختلفـی کـه ارتبـاط بـه سـجدهٔ تلاوت دارد شامل می‌باشد. مسائل جدید و معاصر را نیز افـزودم، امیـدوارم که این اثر برای کسانی که در بخش فقه و فتوی مشغول خدمت هستند، مفید و کارآمد ثابت گردد.

در آخر، نمی‌دانم با کدام الفاظ اظهار سپاس‌گزاری و منت شناسی اسـتاد محترم حضرت مفتـی نعمـان سـیتاپوری صـاحب را نمـایم کـه بـا شـفقت بی‌اندازه، توجه، تلاش و تشویقات ایشان این رساله به پایهٔ اکمال رسید وگرنه من کجا و این گلدسته کجا!! بدون شک در این اثر هرچه است، مرهون منت استادم است، الله رب العزت ایشان را بهترین پـاداش نصـیب کنـد، و سـایهٔ شفقت‌شان را تا حیات بر ما قائم بدارد.

همچنین ممنون بزرگان و استادان خویش هستم که هر یک استاد محتـرم مفتی ابو القاسم نعمانی صاحب (مهتمم دارالعلوم دیوبنـد)، اسـتاد مشـفقم حضرت مفتی حبیب الرحمن صـاحب خیرآبـادی (مفتـی اعظـم دارالافتـاء دارالعلوم دیوبند)، حضرت مولانـامفتی حبیـب الـرحمن صـاحب اعظمـی (استاد حدیث و تفسـیر دارالعلـوم دیوبنـد)، حضـرت مفتـی زیـن الاسـلام صاحب اله آبادی (مفتی دارالافتاء دارالعلوم دیوبند) و حضرت مولانا خالـد سیف الله رحمانی صاحب (امین عام مجمع فقه اسلامی هنـد) ــ أدام اللـه فیوضهم أجمعین ـ بر این اثر نظر کردند و با تقریظ و کلمات دعائیهٔشان مـنِ ناچیز را بی‌اندازه حوصله بخشیدند و برمن منّت گذاشتند.

دعاگو هستم که الله متعال خطاهای منِ مرتّبِ ناچیز را درگذر نماید و با فضل و کرم خویش این رساله را برای بندگان خدا و طالبان علوم نبوی مفید و کارا بسازد، آمین.

وصلى الله على النبي الكريم وعلى آله وأصحابه أجمعين.

حسام الدین عبادی

فاضل و متخصص فقه و فتوی دارالعلوم دیوبند

۱٤٤۱/۵/۲۰هـ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

احکام و مسائل سجدۀ تلاوت

سجده یکی از مهم ترین عبادات الله متعال است:

تقریباً از این امر هر مسلمان آگاهی دارد که الله متعال، ابو البشر آدم علیه السلام را آفرید و بخاطر اظهار برتری‌اش بر مخلوقات دیگر، تمام مخلوقات را حکم نمود تا به او سجده نمایند، همه گان سجده کردند، فقط شیطان لعین از سجده انکار ورزید و به سبب انکار از سجده، الله متعال برای همیشه او را راندۀ درگاهش کرد و ملعون و مردود شد.

نزد الله متعال از تمام عبادت‌ها سجدۀ بندگانش بیشتر مورد پسند است. سجده وسیلۀ قرب به آن ذات بی‌عیب است، و رحمت و شفقت آن ذات را به سوی بنده متوجه می‌سازد. خداوند کریم خوش می‌شود که بنده‌اش به او سجده کند و با سجده گناه‌های انسان مورد عفو قرار می‌گیرد، و در جملۀ عمل‌ها آخرین حد بندگی اینست که بنده جبین، پیشانی، و بینی خود را بر زمین بگذارد و به خاک بمالد و گواهی دهد که مستحق هر نوع تعظیم و پاکی و مرتبۀ بلند فقط الله تعالی است. و تا آخرین حدِ عاجزی خود رسیده جبین عقیده به بارگاه خدا بساید و بر مقام شرف بندگی خود مهر بگذارد.

بدین سبب هنگامی که انسان برای الله متعال سجده می‌کند، شیطان می‌گرید و تأسف می‌خورد که از انکار سجده، خود را مستحق جهنم گردانیده است. چنانچه حضرت رسالت مآبﷺ ارشاد فرمودند که انسان هنگام تلاوت قرآن کریم به آیهٔ سجده رسید و سجده می‌کند، شیطان به یک جانب رفته گریه‌کنان می‌گوید که وای بر بربادی باد من! که برای انسان حکم سجده داده شد و او سجده کرد، و مستحق جنت شد و برای من نیز حکم سجده داده شد، ولی من انکار کردم و برایم جهنم را قرار گاه متعین نمود».[1]

حکمت سجدهٔ تلاوت:

روشی را که رسول خداﷺ مسنون قرار دادند اینست، زمانی که شخصی آیه‌ای را تلاوت نماید که در آن حکم سجده است، یا ثواب سجده ذکر شده است ویا در مورد کسانی که از سجده انکار نمودند و عیدی بیان شده است؛ در آن هنگام با درنظر داشت عظمت کلام پروردگار عالم، باید سجده کند، و این کارِ خیر را با سبقت تمام انجام بدهد.

فائده: آیه‌های سجده دارای پنج نوع مضمون می‌باشند:

۱ـ برای انسان‌ها حالت فرشتگان بیان شده که آنها بندگان مطیع و فرمانبردار هستند ـ از بجا آوردن بندگی انکار نمی‌کنند ـ هر وقت پاکی خدا

۱ـ عن أبي هريرة، قال: قال رسول اللهﷺ: «إذا قرأ آدم السجدة فسجد، اعتزل الشيطان يبكي، يقول: ياويله وفي رواية أبي كريب: يا ويلي أمر ابن آدم بالسجود فسجد فله الجنة وأمرت بالسجود فأبيت فلي النار». (صحيح مسلم، كتاب الإيمان، باب بيان اطلاق اسم الكفر على من ترك الصلاة، رقم الحديث: ٨١). (غنية المتملي ص٤٢٩ مطبع مجتبائي دهلي/ درسعادت ص٤٩٨).

را بیان می‌کنند، سجده می‌کنند، از پروردگار می‌ترسند و هر حکمی کـه داده است را بجا می‌آورند. (اعراف: ۲۰۶، نحل:۵۰).[۱]

۲ـ ذره ذرهٔ آسمان و زمین به پیشگاه خداوند سـجده کنـان اسـت، لـیکن انسان‌های زیادی هستند که انکار می‌کنند؛ به همین خاطر بـر آن‌هـا عـذاب سرازیر شد. (رعد:۱۵، حج:۱۸).[۲]

۳ـ انبیاء علیهم السلام و مؤمنین، خداوند را سجده می‌کنند و می‌گریند و باشنیدن آیه‌هـای اللـه متعـال، خشـوع آنهـا اضـافه مـی‌شـود. (بنـی اسـرائیل:۱۰۹، مریم:۵۸، السجده:۱۵).[۳]

٤ـ کفار از سجده انکار می‌ورزند. (الفرقان:٦۰، الانشقاق:۲۱).[۱]

۱ـ ﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَرَبِّكَ لَايَستَكبِرُونَ عَن عِبَادَتِه وَيُسَبِّحُونَه وَلَه يَسجُدُونَ﴾. (اعراف:۲۰٦) ﴿وَلِلهِ يَسجدُ مَافِي السَّموتِ وَمَا فِي الأَرضِ مِن دَآبَّةٍ والمَلٰئِكَة وَهُم لايَستَكبِرون ﴿٤٩﴾ يَخافُونَ رَبَّهُم مِن فَوقِهِم وَيَفعَلُونَ مَايُؤمَرُونَ﴾. (نحل:٤٩-۵۰).

۲ـ ﴿ولله يسجُدُ مَن فى السَّموتِ وَالأَرضِ طوعًا وَّكَرهًا وَظِلٰلُهُم بِالغُدُوِّ وَالاٰصَالِ﴾. (رعد:۱۵) ﴿اَلَم تَرَ اَنَّ اللهَ يَسجُدُلَه مَن فِي السموتِ وَمَن فِي الأَرضِ وَالشَّمسُ وَالقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالجِبَالُ والشَّجَرُ وَالدَّوابُّ وَكَثِيرٌمِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيهِ العَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللهُ فَمَالَه مِن مُكرِمٍ اِنَّ اللهَ يَفعَلُ مَايَشَاءُ﴾ (الحج:۸۱).

۳ـ ﴿قُلْ اٰمِنُوْا بِه اَوْلَاتُؤمِنُوْا اِنَّ الَّذِينَ اُوْتُوالعِلمَ مِن قَبلِه اِذَا يُتلى عَلَيْهِم يَخِرُّونَ لِلأَذقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ ويَقُولُونَ سُبحٰنَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلأَذقَانِ يَبكُونَ وَيَزِيدُهُم خُشُوعًا﴾. (بنی اسرائیل: ۱۰۹). ﴿أُولٰئِكَ الَّذِينَ اَنعَمَ اللهُ عَلَيهِم مِّنَ النَّبِيِّنَ مِنْ ذُرِّيَّةِ اٰدَمَ وَمِمَّن حَمَلنَا معَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ اِبرٰهِيمَ وَاِسرائِيلَ وَمِمَّن هَدَينَاوَاجتَبَيْنَا اِذَا تُتلى عَلَيهِم اٰياتُ الرَّحمٰن خَرُّوا سُجَّدًا وَّبُكِيًّا﴾. (مریم:۵۸) ﴿اِنَّمَا يُؤمِنُ بِاٰيٰاتِنَا الَّذِينَ اِذَاذُكِّرُوْا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَّسَبَّحُوْابِحَمدِرَبِّهِمْ وَهُم لَايَستَكبِرُونَ﴾ (سجده:۱۵).

۵ـ فقط برای الله سجده کن و با نهادن جبین عقیده برزمین، قربتِ الله را حاصل کن. (النمل:۲٦، حم السجده:۳۸، النجم:٦۲، العلق:۱۹).[۲]

و در سورهٔ «ص» آزمون داود عليه السلام ذکر است؛ زمانیکه او سجده نمود و رجوع کرد، پس الله متعال لغزش او را بخشید. و در سورهٔ الحج آیهٔ ۷۷ به مؤمنین خطاب است که رکوع و سجده کنید، و عبادت رب خود را ادا نمایید و کارهای نیک انجام دهید تا کامیاب شوید.

هدف و حکمت سجدهٔ تلاوت:

یکی از اهداف وحکمت‌های سجدهٔ تلاوت باید بجاآوریِ حکم خدا و پیمودن روش نیکان باشد. در نظر گرفتن عظمت کلام، یک ادب عادی است که تنها مخصوص آیهٔ سجده نیست. (به همین سبب) در آیه‌هایی که سجدهٔ فرشتگان و انکار ابلیس برای آدم عليه السلام ذکر شده است، در آن حکم سجده نیست. زیرا سجدهٔ تلاوت بندگی الله متعال است و سجدهٔ فرشتگان بخاطر اظهار انقیاد بوده است. پس سجده کردن در آن آیه‌ها خلاف موضوعِ آیات است.

۱ـ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسجُدُوا لِلرَّحمنِ قَالُوا وَمَا الرَّحمنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُم نُفُوْرًا﴾ (الفرقان:٦٠) ﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيهِمُ القُرانُ لا يَسْجُدُونَ﴾ (انشقاق:۲۱).

۲ـ ﴿أَلَّا يَسجُدُوْا لِلهِ الَّذِى يُخرِجُ الخَبْءَ فِى السَّموتِ وَالأَرْضِ وَيَعلَمُ مَا تُخفُونَ وَمَا تُعلِنُونَ ۝ اَللهُ لَآ إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظِيمِ﴾ (نمل: ۲۵ـ ۲٦) ﴿وَمِنْ آيَاتِه الَّيلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمسُ وَالقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلقَمَرِ وَاسجُدُوْا لِلهِ الَّذِى خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُم إِيَّاه تَعبُدُونَ ۝ فَإِنِ استَكبَرُوا فَالَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ يُسَبِّحُوْنَ لَه بِالَّيلِ وَالنَّهَارِ وَهُم لَا يَسْئَمُونَ﴾ (حم سجده:۲۵-۲٦) ﴿فَاسْجُدُوا لله وَاعبُدُوا﴾ (نجم:٦۲) ﴿كَلَّا لَا تُطِعهُ وَاسجُد وَاقتَرِب﴾ (علق:۱۹).

نوت: مضمون حکمت سجدهٔ تلاوت مِن و عَن از «رحمة الله الواسعة» تألیف حضرت مولانامفتی سعید احمد صاحب پالن پوری دامت برکاتهم (۴۶۸/۳ـ۴۶۹) گرفته شده است.

آیات سجده و تعداد آنها:

در قرآن کریم مجموعاً چهارده آیه است که آیات سجده گفته می‌شوند؛ از آن جمله چهارِ آن در نصف اول قرآن کریم و متباقیِ آن در نصف دوم است. (برخلاف امام مالک رحمه الله که نزد آنها در قرآن یازده آیهٔ سجده است، چونکه آنها آیه‌های سجدهٔ سوره‌های: نجم، انشقاق و عَلَق را آیهٔ سجده نمی‌پندارند).

جاهای آیات سجدهٔ تلاوت:

آیات سجده‌ای که در قرآن کریم واردند، کلمه‌هایی هستند که دلالت بر معنای سجده می‌کنندو آنها را حرف سجده گویند[1]، و برای واجب شدن سجدهٔ تلاوت، خواندن آن کلمه توسط قاری و یا شنیدن سامع ضروری می‌باشد، در ذیل به شکل جدول تمام آیات سجده با وضاحت کلمهٔ سجده ذکر شده است: (كمال الدراية وجمع الرواية والدراية من شروح ملتقى الأبحر ۸۶/۲ چاپ دار الكتب العلمية؛ عمدة الرعاية على شرح الوقاية ۲۹۰/۲ چاپ دار الكتب العلمية).

۱ـ قوله: مع حرف السجدة: المراد بالحرف: الكلمة التي فيها حروف السجدة فلوتلا أكثرمن غير كلمة السجدة لاتجب.(حاشية الطحطاوي على الدر ج۲ص۵۴۰ ط دارالكتب العلمية بيروت)

شماره	جزء	نام وشماره سوره	آیهٔ سجده وشماره آن
١	٩	اعراف: ٧	إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ **يَسْجُدُونَ** (٢٠٦)
٢	١٣	رعد: ١٣	**وَلِلَّهِ يَسْجُدُ** مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (١٥)
٣	١٤	نحل: ٤	**وَلِلَّهِ يَسْجُدُ** مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾ (٤٩)
٤	١٥	بنی اسرائیل: ١٧	قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ **سُجَّدًا** ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿١٠٩﴾ (١٠٧)
٥	١٦	مریم: ١٩	أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا **سُجَّدًا** وَبُكِيًّا ﴿٥٨﴾ (٥٨)

٦	۱۷	حج: ۲۲	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ **يَسْجُدُ لَهُ** مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿۱۸﴾ (۱۸)
۷	۱۹	فرقان: ۲۵	وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ **اسْجُدُوا** لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا (٦٠)
۸	۱۹ – ۲۰	نمل: ۲۷	أَلَّا **يَسْجُدُوا** لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿۲۵﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۲٦﴾ (۲٦)
۹	۲۱	سجده: ۳۲	إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿۱۵﴾ (۱۵)
۱۰	۲۳	ص: ۳۸	قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ **وَخَرَّ رَاكِعًا** وَأَنَابَ ﴿۲۴﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ

عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٢٥﴾ (٢٤)			
وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ **وَاسْجُدُوا لِلَّهِ** الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾ (٣٨)	فصلت: ٤١	٢٤ ، ٢٥	۱۱
فَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ وَاعْبُدُوْا (۶۲)	نجم: ۵۳	۲۷	۱۲
وَ اِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا **يَسْجُدُوْنَ** (۲۱)	انشقاق: ٨٤	۳۰	۱۳
كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَ **اسْجُدْ** وَ اقْتَرِبْ (۱۹)	علق: ٩٦	۳۰	١٤

بیان جاهای سجده:

آیهٔ‌هایی که در فوق ذکر شد، در بعضی جاها دو آیـه ذکـر شـده، صـرف بخاطر اظهار این امر که سجده بعد از خواندن آیهٔ دوم صورت گیرد، نه بعـد از خواندن آیهٔ اول؛ بخاطریکه یا در حرف آن آیه‌ها اخـتلاف اسـت و احـوط همین است که با خواندن آیهٔ دوم سجده صورت بگیرد تـا کـه بطـور حتمـی سجدهٔ تلاوت ادا شود، یا که تکمیل مضمون در آیهٔ دوم است.

در ذیل تفصیل آن را ذکر خواهیم کرد:

آیهٔ سجدهٔ سوره نحل:

در آیهٔ سورهٔ نحل سجدهٔ تلاوت، بعداز خواندن آیهٔ ۵۰ ادا شود؛ زیرا کـه در آیهٔ کریمه سجده تمام حیوانات و سجدهٔ اطاعت و فرمانبرداری فرشـته‌هـا ذکر است و این مضمون در آیهٔ ۵۰ کامل می‌شود.[1]

تذکر۱: در فتاوای عالمگیری (۱۳۲/۱) به حوالهٔ عینی سـجده در آیـهٔ ٤٩ نقل شده است؛ لیکن در عینی شرح کنز صراحت آن را پیدا نکردیم، و نـه در دیگر کتاب‌ها؛ بلکه در تمام کتاب‌ها برآیـهٔ: ۵۰ سـجده تحریـر شـده اسـت. (غاية البيان، مخطوطه۱۱۹/۱، ب)

تذکر۲: بعضی اهل علم این مسئله را اختلافی قـرار داده انـد؛ لـیکن در کتاب معتبری تذکرهٔ اختلاف را نیافتیم.

آیهٔ سجده سورهٔ بنی اسرائیل:

در سورهٔ بنی اسرائیل در آیهٔ: ۱۰۹ سجده کردن اولی است؛ اگرچه در آیـهٔ ۱۰۷ نیز سجده جایز است؛ زیرا که مضمون در آیهٔ: ۱۰۹ مکمل می‌شود.

آیهٔ سجدهٔ سورهٔ نمل:

در سوره نمل آیهٔ ﴿أَلَّا يَسْجُدُوا﴾ دو قرائت است:

یکی: با تخفیف، دوم: با تشدید. نزد قراء معروف مثل امام کسائی، قرائت تخفیف اولی است، آنها قائل به سجده در آیهٔ ۲۵ هستند، و نـزد کسـانی کـه قرائت تشدید است، قائل به سـجده در آیـهٔ ٢٦ هسـتند. احنـاف چونکـه بـه

۱ـ لأن تمام الكلام بما يقع والسجود عند تمام الكلام أولى (غاية البيان، مخطوطة، ۱: ۱۱۹، ب).

قرائت امام حفص رحمه الله عمل می‌کنند؛ به همین خاطر قائل به سجده درآیهٔ ۲۶ هستند.[۱]

سجدهٔ سورهٔ ص:

در کدام آیهٔ سورهٔ ص سجده شود؟ در این باره اختلاف است؛ علامه زیلعی رحمه الله می‌فرمایند که نزد ما در آیهٔ ۲۴ سجده شود؛ ولی بعضی علما می‌فرمایند که در آیهٔ ۲۵ سجده شود.[۲]

علامه شامی رحمه الله و... می‌فرمایند که در آیهٔ ۲۵ باید سجده شود، بهتر و احوط همین است.[۳]

سجدهٔ تلاوت سورهٔ حم سجده:

میان حضرات صحابهٔ کرام رضی الله عنهم در این باره اختلاف است؛ نزد حضرت علی رضی الله عنه سجده در آیهٔ ۳۷ است و این قول از حضرت عبدالله بن

۱ـ السجود في سورة النمل عند قوله تعالى ﴿رَبِّ العَرشِ العَظِيم﴾ على قرأة العامة بتشديد (ألا). وعند قوله تعالى: ﴿أَلا يَسْجُدُوا﴾ على قراءة الكسائي بالتخفيف. (ردالمحتار، باب سجود التلاوة، ۵۷۵/۲ ط: ذكريا ديوبند).

۲ـ وفي ص عند قوله تعالى: ﴿وخَرَّ رَاكِعاً وَأَنَاب﴾ (ص: ۲۴) عندنا، وعند بعضهم عند قوله تعالى: ﴿حُسنَ مَآب﴾ (تبيين الحقائق، كتاب الصلاة، باب سجود التلاوة، ۲۰۸/۱ مكتبه امداديه ملتان).

۳ـ وفي ص عند ﴿وحُسنَ مَآب﴾ (۲۵) وهو أولى من قول الزيلعي عند ﴿وأَنَاب﴾. (ردالمحتار، كتاب الصلاة، باب سجود التلاوة، ۵۷۶/۲ ط: زكريا ديوبند؛ حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح صفحه: ۴۸۲ مطبع فخريه ديوبند؛ إمداد الفتاح ص: ۴۹۹-۵۰۰ ط: مكتبه اتحاد ديوبند).

مسعود﵁[1] و حضرت عبدالله بن عمر﵄ نیز مروی است. ولی نزد حضرت عبدالله بن عباس﵄ و حضرت وائل بن حجر﵁ سجده در آیهٔ

١ـ رد المحتار میں بہ حوالہ امداد الفتاح اور امداد الفتاح میں بہ حوالہ البحر الرائق اور البحر الرائق میں بہ حوالہ بدائع الصنائع حضرت عبد الله بن مسعود﵁ کا یہی مسلک نقل کیا گیا ہے۔ اور مستدرک حاکم اور شرح معانی الآثار میں بھی ایسا ہی ہے؛ لیکن علامہ سرخسی﵀ نے مبسوط میں حضرت عبد الله بن مسعود﵁ کا مسلک، حضرت عبد الله بن عباس﵄ کے موافق نقل کیا ہے اور حضرت عبد الله بن عباس﵄ کا کوئی تذکرہ نہیں کیا۔ ممکن ہے کہ حضرت عبد الله بن مسعود﵁ کی ایک روایت یہ بھی ہو؛ لیکن تا دم تحریر مجھے کسی کتاب میں یہ روایت نہیں ملی ۔ اور یہ بھی ممکن ہے کہ مبسوط میں ناسخ کی تحریف ہو، یعنی: عباس کی جگہ مسعود ہوگیا ہو، والله تعالی اعلم (محمد نعمان سیتاپوری غفرلہ).

ويختلفون في التي في حم السجدة في موضعها فقال علي﵁ آخر الآية الأولى عند قوله ﴿إِن كُنتُم إِيَّاهُ تَعبُدُون﴾ وبه أخذ الشافعي﵁ وقال ابن مسعود﵁ عند آخر الآية الثانية عند قوله تعالى ﴿وَهُم لَايَسأَمُون﴾ وبه أخذنا لأنه أقرب إلى الاحتياط فإنها إن كانت عند الآية الثانية لم يجز تعجيلها وإن كانت عند الأولى جاز تأخيرها إلى الآية الثانية (المبسوط للسرخسي باب السجده، ٧/٢ ط: دار المعرفت بيروت).

وفي حم السجدة عند ﴿وَهُمْ لَا يَسْئَمُوْنَ﴾ (فصلت:٣٨) وهو المروي عن ابن عباس و وائل بن حجر﵃؛ وعند الشافعي عند ﴿إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ﴾ (فصلت:٣٧) وهو مذهب علي ومروي عن ابن مسعود و ابن عمر﵃، ورجحنا الأول للاحتياط عند اختلاف مذاهب الصحابة؛ لأنها لو وجبت عند ﴿تَعْبُدُوْنَ﴾ فالتأخيرُ إلى ﴿لَايَسْئَمُونَ﴾ لا يضر بخلاف العكس؛ لأنها تكون قبل وجود سبب الوجوب، فتوجب نقصانًا في الصلاة لو كانت صلاتيةً، ولا نقص فيما قلناه أصلاً. (رد المحتار، كتاب الصلاة، باب سجود التلاوة، ٥٧٦/٢، ط: مكتبهٔ زكريا ديوبند).

وفي إمدادالفتاح: عندقوله تعالي: ﴿ومن آياته الليل و... إلى قوله: إن كنتم إياه تعبدون . فإن استكبروا فالذين عند ربك يسبحون له بالليل والنهار وهم لا يسئمون﴾ (فصلت:٣٨/٣٧) وهذا على مذهبنا، وهو المروي عن ابن عباس و وائل بن حجر﵃، وعندالشافعي﵀ عند قوله تعالى: ﴿إن كنتم إياه تعبدون﴾ (فصلت: ٣٧) وهومذهب علي، ومروي عن ابن مسعود وابن عمر﵃، ورجح أئمتنا الأول أخذا بالإحتياط عند اختلاف مذاهب الصحابة﵃ فإن السجدة لو وجبت عند قوله

تعالى: ﴿تعبدون﴾ (فصلت: ٣٧) فالتأخير إلى قوله تعالى: ﴿لايسئمون﴾ (فصلت:٣٨) لايضر، ويخرج عن الواجب، ولو وجبت عند قوله تعالى: ﴿لايسئمون﴾ (فصلت:٣٨) لكانت السجدة المؤداة قبله حاصلة قبل وجوبها ووجود سبب وجوبها؛ فيوجب نقصانا في الصلاة لوكانت صلاتية، ولانقص فيما قلناه أصلا، وهذا هوأمارة التبحر في الفقه كذافي البحر عن البدائع انتهى ففيما قلته قبله كذلك في ص وإلا يلزمنا التناقض، وهذا هوالوجه الذي وعدنابه (لماذكره قبل قليل من قوله لمانذكره) (إمدادالفتاح ص٥٠٠ط: مكتبه اتحاد ديوبند) وفي البدائع: ولنا: أن السجود مرة بالأمر، ومرة بذكر استكبار الكفار؛ فيجب علينا مخالفتهم، ومرة عند ذكرخشوع المطيعين؛ فيجب علينا متابعتهم، وهذه المعاني تتم عند قوله: ﴿وهم لايسأمون﴾ فصلت:٣٨ فكان السجود عنده أولى؛ ولأن فيما ذهب إليه أصحابنا أخذا بالإحتياط عند اختلاف مذاهب الصحابة رضي الله عنهم فإن السجدة لو وجبت عند قوله: ﴿تعبدون﴾ (فصلت: ٣٧) فالتأخير إلى قوله: ﴿لايسئمون﴾ (فصلت:٣٨) لايضر، ويخرج عن الواجب، ولو وجبت عند قوله: ﴿لايسئمون﴾ (فصلت:٣٨) لكانت السجدة المؤداة قبله حاصلة قبل وجوبها ووجود سبب وجوبها؛ فيوجب نقصانا في الصلاة، ولم يؤد الثانية، فيصير المصلي تاركا ما هو واجب في الصلاة؛ فيصير النقص متمكنًا في الصلاة من وجهين، ولا نقص فيما قلناه ألبتة، وهذا هو أمارة التبحر في الفقه. والله الموفق. (بدائع الصنائع ٨/٢ بيروت).

وفي إعلاء السنن: عن ابن عباس رضي الله عنهما: «أنه كان يسجد بآخر الآيتين من حم السجدة، وكان أبو عبد الرحمن يعني ابن مسعود يسجد بالأولى منهما» أخرجه الحاكم في المستدرك وقال: صحيح الإسناد، أقره عليه الذهبي، وأخرجه الطحاوي عن مجاهد عنه، أنه قال: أسجد بآخر الآيتين. وفي آثارالسنن: إسناده صحيح. قوله: (عن ابن عباس) قلت: ومذهبنا في ذلك مذهب ابن عباس، لما فيه من الإحتياط عند اختلاف أقوال الصحابة....وبمثل قولنا قال أبو وائل، وابن سيرين، ومجاهد، وقتادة، كمارواه الطحاوي في معاني الآثار له بأسانيد صحاح وحسان (٢١٤٨/٥، ٢١٤٩) وفي شرح معاني الآثار: فيه اختلاف، فقال: بعضهم موضعه ﴿تعبدون﴾ وقال بعضهم، موضعه ﴿فإن استكبروا فالذين عندربك يسبحون له بالليل والنهار وهم لايسئمون﴾. وكان أبوحنيفة، وأبويوسف، ومحمد رحمهم الله يذهبون إلي هذا المذهب الأخير. واختلف المتقدمون في ذلك، عن ابن عباس رضي الله عنهما أنه كان يسجدفي الآية الآخرة من حم تنزيل. عن مجاهد، قال: سألت ابن عباس رضي الله عنهما عن السجدة التي في (حم) قال: أسجد بآخر الآيتين. (شرح معاني الآثار٣٥٩/١ بيروت عالم الكتب).

۳۸ است. و نـزد امـام شـافعی رحمه‌الله قـول اول راجـح اسـت، و ائمـه احنـاف: حضرت امـام ابوحنیفـه رحمه‌الله، حضـرت امـام ابویوسـف رحمه‌الله و حضـرت امـام محمد رحمه‌الله هرسهٔشان، متفقاً قول دوم را اختیار فرموده اند.، سـبب آن اینسـت که اگر سجدهٔ تلاوت در آیهٔ ۳۷ واجب باشد و اضافه بر آن یک آیه خوانـده و سجده شود، در این حرجی نیست. و اگر در آیهٔ ۳۸ سجده واجب شود، پس در آیهٔ ۳۷ قبل از وجوب سجده می‌شود که درست نیست.

حکم سجدهٔ تلاوت:

نزد أئمه احناف سجدهٔ تلاوت واجب اسـت[1]، یعنـی: اگـر شخصـی آیـهٔ سجده را بخواند یا بشنود، بر او سجده واجب می‌شود. ونزد ائمهٔ ثلاثه، یعنی نـزد حضـرت امـام مالـک رحمه‌الله، حضـرت امـام شـافعی رحمه‌الله و حضـرت امـام احمد رحمه‌الله سجدهٔ تلاوت سنت است.[2]

١ـ وكان أبوحنيفة، وأبويوسف، ومحمد رحمهم‌الله يذهبون في السجود إلى خلاف ذلك، ويقولون: هـي واجبة. (شرح معاني الآثار ٣٥٥/١) وفي إعلاءالسنن: قولـه: عـن أبـي هريـرة... إلـخ. اسـتدل بـه أصحابنا على وجوب سجدة التلاوة، فكان في الحديث دليل على كون ابن آدم مـأمورا بالسـجود، ومطلق الأمر للوجوب، وعن عثمان، وعلي، وعبدالله بن عباس، وعبدالله بن عمر رضي‌الله‌عنهم أنهم قالوا: السجدة على من تلاها، وعلى من سمعها، وعلى من جلس لها علـى اخـتلاف ألفـاظهم، وعلـى كلمة إيجاب. (إعلاء السنن٢١١٩/٥ دارالفكر) والسجدة واجبة: هذا بيان صفتها، ذهب الشـافعي إلى أن السجدة في هذه المواضع سنة... (فتح القدير ١٣/٢-١٤ دارالكتب العلمية بيروت).

٢ـ وذهب أحمد، ومالك، والأوزاعي، والليث، والشافعي إلى أن سجود التلاوة سنة مؤكدة ولـيس بواجب. (إعلاء السنن ٢١٢٠/٥دار الفكر) فقد قال أصـحابنا: إنهـا واجبـة، وقـال الشـافعي: إنهـا مستحبة، وليست بواجبة. (بدائع الصنائع ٧٢٨/١ ط: دارالكتب العلمية بيروت).

اختلاف ائمهٔ کرام در حکم سجدهٔ تلاوت و دلایل آن را به حوالهٔ «رحمة الله الواسعة» در ذیل ذکر می‌کنیم، ملاحظه بفرمائید:

نزد ائمهٔ ثلاثه سجدهٔ تلاوت سنت است؛ امام طحاوی رحمه الله نیز همین قول را اختیار کرده اند[1] و رأی امام شاه ولی الله دهلوی رحمه الله نیز همین است.

اما نزد امام ابوحنیفه رحمه الله واجب است. دلیل آن‌ها خودِ مفاهیم و مضامین آیات سجده است که مقتضی وجوب اند. و از روایت صحیحی صریحاً ثابت نیست که آنحضرت ﷺ سجده را ترک کرده باشند. پس این مواظبت تامه نیز قرینهٔ وجوب است.

دو دلیل سنت بودن سجدهٔ تلاوت:

دلیل اول: روایت متفق علیه است: حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه می‌فرمایند، من به حضورِ رسول الله ﷺ سوره نجم را خواندم، آنحضرت ﷺ سجدهٔ تلاوت نکردند. این روایت صحیح نیست، امام مالک رضی الله عنه می‌فرمایند که سجده‌های مفصلات منسوخ است. و در این سلسله در ابوداوٗد (حدیث:۱٤۱۳) یک حدیث ضعیف نیز روایت شده است که در سند آن مطر الورّاق و حارث بن عبید اَیادی، دو روای ضعیف اند. و

۱ـ وقد ذهب جماعة من أصحاب النبي ﷺ في سجود التلاوة إلى أنه غير واجب وإلى أن التالي لايضره أن لا يفعله... وهذا هو النظر عندنا، لأنا رأيناهم لايختلفون أن المسافر إذا قرأها وهو على راحلته أومى بها، ولم يكن عليه أن يسجدها على الأرض، فكانت هذه صفة التطوع، لا صفة الفرض، لأن الفرض لايصلي إلا على الأرض، والتطوع يصلي على الراحلة. (شرح معاني الآثار ۳٥٤/۱).

علمای دیگر می‌فرمایند که ممکن است آن وقت جناب نبی اکرم ﷺ با وضو نبودند، نیز علی الفور سجده واجب هم نیست.

دلیل دوم: در بخاری شریف واقعهٔ حضرت عمر رضی الله عنه مذکوره است که باری ایشان در خطبهٔ جمعه آیهٔ سجدهٔ سوره نحل را خواندند، و پائین آمده همراه مردم سجده کردند. در خطبهٔ جمعه آینده نیز همین آیهٔ را تلاوت کردند؛ مردم می‌خواستند که آمادگی سجده را کنند. حضرت عمر رضی الله عنه فرمودند: «این سجده بر ما لازم نیست، اگر بخواهیم ادا نمائیم و اگر نخواهیم ننمائیم». شاه ولی الله صاحب رحمه الله می‌فرمایند که به فرموده حضرت عمر رضی الله عنه هیچ کسی مخالفت نکرد، همگان این را قبول کردند یعنی بر سنت بودن سجده‌ها اجماع صحابه شد.

لیکن علامه عینی رحمه الله در عمدة القاری (۱۱/۷) قول امام مالک رضی الله عنه را نقل کرده اند که این عمل رأی انفرادی حضرت عمر رضی الله عنه بود. در این مسئله هیچ کسی تأیید حضرت عمر رضی الله عنه را نکرده است، ونه بعد از ایشان کسی به این رأی آنها عمل کرد. «ورُوي عن مالك: أنه قال: إن ذلک مما لم يتبع عليه عمر، ولا عمل به أحد بعدَه».

همچنان حضرت عمر رضی الله عنه رأی دیگری هم داشتند که آن را امت نپذیرفته است. مثلا: برای شخص جُنُبی در حضر، با وجود داشتن عذر تیمم را ناجایز می‌دانستند که امت آن را مورد عمل قرار نداد. و شاید بر همین اساس، سکوت همیشه سبب اجماع نمی‌شود. بلکه زمانی که بطور رضا سکوت کرده شود، در آن وقت اجماع پنداشته می‌شود. و دلیل رضا در این واقعه دیده نمی‌شود. چون احترام به آرای انفرادی از جملهٔ مکارم اخلاق

شمرده می‌شود. والله اعلم. (رحمة اللـه الواسـعة شـرح حجـة اللـه البالغـه ٤٧٠/٣).

سجدهٔ تلاوت بر چه شخصی واجب می‌شود و اسباب آن چیست؟

هر شخصیکه آیهٔ سجده را بخواند یا بشنود، بر او سجدهٔ تـلاوت واجـب می‌شود؛ خواه معنی و مفهوم آیهٔ را بفهمد یا نفهمد. همچنین شنونده بخـاطر شنیدن آیهٔ سجده نشسته باشد یا اتفاقًا بشنود، و همچنین شخصی که مقتدی باشد و امام آیهٔ سجده را بخواند، اگرچه مقتدی نشنیده باشد، باوجود این بـه پیروی امام بر مقتدی نیز سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.[1]

خلاصه اینکه وجوب سجدهٔ تلاوت در مجموع سه سبب دارد:

۱ـ تلاوت آیهٔ سجده.

۲ـ شنیدن آیهٔ سجده از شخص مکلف.

۳ـ در نماز جماعت به اقتدای امام.

۱ـ وفي الهداية: والسجدة واجبة في هذه المواضع على التالي والسامع سواء قصـد سـماع القـرآن أولم يقصد لقوله عليه السلام: «السجدة على من سمعها وعلى من تلاها» وهي كلمة إيجاب وهو غير مقيد بالقصد (الهداية ١٧١/١ ط: رحمانيـه) يجـب بسـبب تـلاوة آيـة أي أكثرهـا مـع حـرف السجدة... بشرط سماعها.. (تنويرمع الدر٢/٥٧٥-٥٧٧ زكريا) وفي حلبي الكبير: ويجـب علـى التالي وعلى السامع... وفي المبسوط عن عثمان وعلي وابن مسعود وابن أبي شـيبة رضي الله عنهم عـن ابـن عمر رضي الله عنهما أنه قال: إنما السجدة عل من سمعها وسواء قصد السماع أو لـم يقصـد لإطـلاق الأدلـة. (ص٤٣١ ط: مجتبائي). وذكر في المجتبى أن الموجب للسـجدة أحـد ثلاثـة: الـتلاوة والسـماع والإنتمام الخ.. فإنه لايشترط سماع المؤتم بل ولاحضوره عند تـلاوة الإمـام (رد المحتـار ٥٧٧/٢ زكريا ديوبند).

اهلیت سجدهٔ تلاوت و شرایط آن:

برای واجب شدن سجدهٔ تلاوت، بعد از خواندن یا شنیدن آیهٔ سجده اهلیت شرط است و برای اهلیت آن تمامی شرایطی که در فرضیت نماز شرط است در سجدهٔ تلاوت نیز شرط می‌باشد. یعنی: مسلمان بودن، عاقل بودن، بالغ بودن، پاک بودن از حیض و نفاس؛ لذا اگر غیر مسلمان، دیوانه، نا بالغ، حائضه یا نفساء آیهٔ سجده را بخواند یا بشنود، بر او سجدهٔ تلاوت واجب نمی‌شود.[1]

شرایط صحیح شدن سجدهٔ تلاوت

شرائطی که برای صحت نماز ضروری است همان شرائط، برای صحیح شدن سجدهٔ تلاوت نیز لازم است، یعنی:

۱ـ پاک بودن بدن (یعنی: از حدث اصغر و حدث اکبر).

۲ـ پاک بودن لباس‌ها.

۳ـ پاک بودن مکان.

٤ـ پوشاندن عورت.

١ـ على من كان متعلق يجب أهلالوجوب الصلاة لأنهامن أجزائها الخ..الدر وفي رد المحتار: قال في البحر وغيره فيشترط لوجوبها أهلية لوجوب الصلاة من الإسلام والعقل والبلوغ والطهارة من الحيض والنفاس. (الدرمع رد٢ ص٥٨٠-٥٨١زكريا)

فصل: وأما بيان من تجب عليه فكل من كان أهلا لوجوب الصلاة عليه إما أداء أوقضاء فهو من أهل وجوب السجدة عليه ومن لا فلا، لأن السجدة جزء من أجزاء الصلاة فيشترط لوجوبها أهلية وجوب الصلاة من الإسلام، والعقل والبلوغ، والطهارة من الحيض والنفاس.(بدائع الصنائع ٤٣٩/١ ط:زكريا ديوبند).

٥ـ روبه طرف قبله بودن.

٦ـ نیت سجدهٔ تلاوت.

البته نیت کردن آیهٔ متعین ضروری نیست. همچنین در سجدهٔ تلاوت تکبیر تحریمه نیز نیست.[1]

بدون وضو سجدهٔ تلاوت جایز نیست:

سجدهٔ تلاوت همچون نماز است؛ به همین خاطر مثل نماز، سجدهٔ تلاوت نیز بدون وضو جایز نیست[1] طوری که در فوق ذکر شد.

١ـ فصل: وأما شرائط الجواز: فكل ما هو شرط جواز الصلاة، من طهارة الحدث وهي: الوضوء، والغسل، وطهارة النجس، وهي: طهارة البدن، والثوب، ومكان السجود، والقيام، والقعود فهو شرط جواز السجدة؛ لأنها جزء من أجزاء الصلاة؛ فكانت معتبرة بسجدات الصلاة، ولهذا لايجوز أداؤها بالتيمم إلا أن لا يجد ثمة ماء أو يكون مريضا؛ لأن شرط صيرورة التيمم طهارة حال. وجود الماء خشية الفوت ولم يوجد، لأن وجوبها على التراخي على مابينا فيما تقدم، وكذا لا يجوز أداؤها إلا إلى القبلة حال الاختيار إذا تلاها على الأرض ولايجزيه الإيما كما في سجدات الصلاة. (بدائع.. ٤٤٠/١ زكريا ٧٤٣/١ دار الكتب العلميه بيروت) أيضا: وشرط لصحتها أن تكون شرائط الصلوة موجودة في الساجد الطهارة من الحدث والخبث وستر العورة واستقبال القبلة...إلخ (مراقي الفلاح ص٢٧١) فإذا قرأ آية السجدة... فإنه يسجد بشرائط الصلاة إلا التحريمة سجدة بين تكبيرتين.. (حلبي كبيري٤٩٨/١).

قال في العلائية بشروط الصلوة المتقدمة خلا التحريمة ونية التعيين، وفي الشامية: أي تعيين أنها سجدة آية كذا... (ردالمحتار ٧١٨/١ نسخه قديم؛ الدر المختار ٥٧٩/٢ ط: زكريا ديوبند).

وفي غنية المتملي: ولاتجب على الفور حتى لو سجد لها بعد سنة أو أكثر تقع أداء لا قضاء لعدم التقييد بالوقت ويشترط نية السجود للتلاوة لا التعيين حتى لوكان عليه سجدات متعددة فعليه أن يسجد عددها وليس عليه أن يعين أن هذه السجدة لآية كذا وهذه لآية كذا. (ص٤٣٢ مطبعة مجتبائي دهلي/ درسعادت ص٥٠١).

مسلک جمهور علما همین است؛ البته بعضی از علما سجدهٔ تلاوت بدون وضو را نیز اجازه می‌دهند، در ذیل به همین سلسله مضمون «رحمة الله الواسعه» ذکر می‌شود.

تمامی امت به این امر اتفاق نظر دارند که برای سجدهٔ تلاوت وضو ضروری و لازمی است و بدون وضو سجده کردن درست نیست. اما رأی امام بخاری رحمه الله اینست که برای سجدهٔ تلاوت وضو ضروری نیست و در صحیح خود دو دلیل نیز بیان کرده اند:

اول: اینکه حضرت ابن عمر رضی الله عنه گاهی بدون وضو سجدهٔ تلاوت می‌کردند.

دوم: حدیثی آورده اند که در آن سجده کردن مشرک‌ها ذکر است. حال آنکه مشرکین ناپاک اند. با این دلایل ایشان نظریهٔ خود را ثابت کردند.

شاه ولی الله محدث دهلوی قدس سره حدیث فوق راطوری شرح می‌کنند، که از آن استدلال امام بخاری رحمه الله نیز ختم می‌شود و بر واقعهٔ غرانیق نیز تردید می‌شود. آن حدیث اینست: حضرت ابن مسعود رضی الله عنه بیان می‌فرمایند که قبل از هجرت در یک مجموعهٔ مخلوط، آنحضرت صلی الله علیه وسلم سورهٔ نجم را خواندند و سجده فرمودند، و از مردم هیچ کسی باقی نماند که سجده نکرده باشد. با جناب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمان‌ها، مشرک‌ها، جن‌ها و

۱ـ وأماشرائط الجواز: فکل ماهو شرط جواز الصلاة من طهارة الحدث وهي: الوضوء والغسل وطهارة النجس.. (بدائع الصنائع ۷۴۲/۱ ط: دار الکتب العلمیه) یجب علیه بشرائط الصلاة إلا التحریمة. (غنیة المتملي ص۴۲۹ مطبع المجتبائي دهلي) وفي مراقي الفلاح: وشرطها أي السجدة: الطهارة عن الحدث والخبث، ولایجوز لها التیمم بلا عذر، واستقبال القبلة، وسترالعورة. (مراقي الفلاح بامداد الفتاح، ص۱۸۳ ط:دارالکتب العلمیه)

انسان‌ها نیز سجده کردند. در اینجا یک سوال مطرح می‌شود کـه مشـرک‌هـا چرا سجده کردند؟ زنادقه بخاطر جواب دادن آن قصهٔ غرانیق را ایجاد کردنـد و مفسرین کرام آن را در تفسیرهای خود جای دادند.

علامه عینی رحمه الله در شرح بخاری (۱۰۱/۷) قول قاضـی عیـاض رحمه الله را نقـل کرده که این واقعه از سند صحیح ثابت نیست. علامه بر اسانید این قصـه بـه طور مفصل سخن گفته است.

شاه صاحب می‌فرمایند: نزد من سـبب سـجده کـردن مشـرکین اینسـت، زمانیکه حضور صلی الله علیه وسلم سوره نجم را تلاوت کردند، به سبب بلاغـت، فصـاحت و اسلوب زیبای بیان حالتی طاری شد و حق بـه طـور کامـل واضـح شـد. و مؤقتاً برای هیچ کس جز عاجزی و پیروی راه دیگری باقی نمانـد، بـه همـین خاطر همهٔ همراهان جناب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به سجده فـرو رفتنـد. فقـط یـک تاجر مکه امیه بن خَلَف در سجده شریک نشد؛ او مقداری از خاک را گرفت و به پیشانی خود لمس داد و گفت: برای من همین کافی است. یعنی ابرِ کَرَم بارید لیکن او محروم ماند، زیرا که دل او سخت زنگ آلـود شـده بـود. اللـه متعال بسیار زود در دنیا او را سزا داد و او در میدان بدر کشته شد. بعـد از آن وقتی که مردم به هوش آمدند، انکار کنندگان انکار ورزیدند و بخت کسـانی که یاری کرد، آنها بر ایمـان برقـرار ماندنـد.[1] (رحمـة اللـه الواسـعة۴۷۰/۳، ۴۷۱).

۱ـ نیز یہ شاذ مذہب ہے جو کہ ابن عمر اور شـعبی رحمہما اللہ سـے مـروی ہـے لہـذا اس پـر عمـل کرنـا اورشاہراہ کوچھوڑنا نہ عقل کا تقاضا ہے اورنہ شرع کا، قال العلامة العيني في عمـدة القـاري: لـم يوافق ابن عمر أحد على جواز السجود بغير وضـوء إلا الشـعبي. (عمـدة القـاري ۱۴۳/۷ بـاب ۵ كتاب سجود القرآن ط: دار الكتب العلمية بيروت)؛ بلکہ ابن عمر رضی اللہ عنہما سے اس فعل کـا معـارض

نیت سجدهٔ تلاوت:

برای سجدهٔ تلاوت مطلق نیتِ سجدهٔ تلاوت کفایت می‌کند و مطلق نیت اینست که در دل اراده نماید که من سجدهٔ تلاوت را ادا می‌کنم.[۱]

طریقهٔ سجدهٔ تلاوت:

طریقهٔ سجدهٔ تلاوت اینست که شخص ایستاده و در دل نیتِ سجدهٔ تلاوت کند، بعد از آن بدون اینکه دست‌هایش را بالا کند تکبیر گفته مطابق سنت به سجده برود و در سجده حداقل سه مرتبه «سبحان ربي الأعلى» را بخواند و بعد از آن تکبیر گفته از سجده برخیزد.[۲]

قول موجود ہے جس کو ترجیح دینا مذہب منصور ہے. قال البدر العيني في العمدة ١٤٣/٧: روي بإسناد صحيح عن الليث عن نافع عن ابن عمر رضي الله عنهما قال لا يسجد الرجل إلا وهو طاهر. صحيح سندکے ساتھ ابن عمر رضي الله عنهما سے مروی ہے کہ: آدمی سجدہ نہیں کرسکتا مگر جب وہ پاک ہو. (عمدة القاري١٤٣/٧ باب٥ كتاب سجود القرآن ط: دار الكتب العلمية بيروت).

١ـ ثم إذا أراد السجود ينويها بقلبه ويقول بلسانه أسجد لله تعالى سجدة التلاوة الله اكبر. (عالمگیری ١٣٥/١ الباب الثالث عشرفي سجود التلاوة) أيضا في البحر (البحر الرائق ٢٢٤/٢ دار الكتب العلمية) وأيضا في حاشية الطحطاوي على الدر (حاشية الطحطاوي ٥٤٥/٢ دار الكتب العلمية).

٢ـ وركنها السجود أوبدله كركوع مصل وإيماء مريض وراكب وهي سجدة بين تكبيرتين مسنونتين جهرا وبين قيامين مستحبين بلا رفع يد وتشهد وسلام. (شامي٥٨٠/٢ زكريا ديوبند)؛ (وكيفيته) أي سجود التلاوة (أن يسجد بشرائط الصلاة) إعتبارا بسجدة الصلاة خلافا لابن عمر رضي الله عنهما فإنه يسجد على غير وضوء كما في الثمني. (بين تكبيرتين) واحدة عند الوضع وأخرى عند الرفع، من غير رفع يدين خلافا للشافعي رحمه الله، فإنه يرفع يديه، ويقول إنها عبارة قائمة بنفسها فاعتبر لها ما عتبر في الصلاة من الدخول والخروج، ونحن نقول: إن المأمور به هو السجود فلا يزاد عليها بالرأي،

رکن اصلی سجدهٔ تلاوت:

رکن اساسی سجدهٔ تلاوت، سجده است؛ یعنی گذاشتن پیشانی بر زمین، یا قائم مقام آن، مثلًا: در نماز رکوع، یا برای مریض یا راکب اشارهٔ سجده و قبل از سجدهٔ تلاوت ایستادن، تکبیر گفتن و هنگام سجده خواندن تسبیح فقط سنت یا مستحب است، رکن نیست.[۱]

مسئله: در سجدهٔ تلاوت تنها با گذاشتن پیشانی بر زمین، سجدهٔ تلاوت ادا نمی‌شود، بلکه بلند کردن پیشانی از زمین نیز ضروری است؛ لذا اگر وضوی شخصی در سجده شکست، باید سجدهٔ تلاوت را دوباره ادا کند.[۲]

(ولا تشهد) لأنه لم يشرع إلا في القعود، ولا قعود عليه (ولا سلام) لأنه للتحليل، وهو يقتضي سبق التحريمة، وهي منعدمة. (مجمع الأنهر۱/۲۳٦).

۱ـ وركنها السجود أوبدله كركوع مصل وإيماء مريض وراكب. (شامي۲/۵۸۰ زكريا ديوبند). وركنها وضع الجبهة على الأرض أو ما يقوم مقامه من الركوع أو الإيماء للمرض أو الركوب على الدابة في السفر. (الهندية ۱/۱٤۹، ط: دار الكتب العلمية بيروت). وفي مراقي الفلاح: وركنها: وضع الجبهة على الأرض. (مراقي الفلاح بامداد الفتاح، ص:۱۸۳ ط: دار الكتب العلميه).

۲ـ قوله: (ويفسدها ما يفسدها) أي ما يفسد الصلاة من الحدث العمد والكلام والقهقهة وعليه إعادتها. وقيل هذا قول محمد، لأن العبرة عنده لتمام الركن وهو الرفع، والعبرة عند أبي يوسف للوضع فينبغي أن لا يفسدها. وفي الخانية أنها تفسد على ظاهر الجواب اتفاقا، إلا أنه لا وضوء عليه في القهقهة. (ردالمحتار۲/۵۷۹ زكريا ديوبند). ثم السجدة الصلاتية تتم بالرفع عند محمد وعليه الفتوى كالتلاوية اتفاقاً، مجمع. (الدر المختار مع رد المحتار، كتاب الصلاة، باب صفة الصلاة، ۲/ ۲۱۲، ط: مكتبة زكريا ديوبند). قوله: «كالتلاوية» حتى لو تكلم فيها أو أحدث فيها فعليه اعادتها، ابن ملك، خانية (رد المحتار).

در سجدۀ تلاوت هر دو تکبیر نیز سنت اند، نه رکن:

در حین رفتن به سجدۀ تلاوت گفتن تکبیر «الله أکبر» و بعد از فارغ شدن از سجده، حین ایستادن تکبیر گفتن سنت است، رکن نیست.[۱] لذا اگر شخصی در حین رفتن به سجدۀ تلاوت یا در حین ایستادن برای سجدۀ تلاوت، تکبیر را فراموش کند یا قصدا تکبیر نگوید، بازهم سجدۀ تلاوتش ادا می‌شود.[۲]

گذاشتن پیشانی در سجدۀ تلاوت و چیزی نخواندن:

رکن سجدۀ تلاوت علاوه از نیت، گذاشتن پیشانی بر زمین و بالا کردن از آنست، و در سجده تسبیح و دعا خواندن فقط سنت است؛ لذا اگر شخصی در سجدۀ تلاوت تسبیح و دعا را نخواند، با وجود آن هم سجده او ادا می‌شود.[۳]

۱ـ وهي سجدة بين تكبيرتين مسنونتين جهرا وبين قيامين مستحبين. (شرح التنوير ۲/۵۸۰ ط: زكريا ديوبند).

۲ـ بل التكبيرتان مستحبتان حتى لو تركها صحت ولذا لايرفع يديه لأنه عليه السلام لم يفعله .. (حلبي الكبير، ص۴۳۱ مط: مجتبائي دهلي/ در سعادت ص۵۰۰).

۳ـ قوله: (ويفسدها مايفسدها) أي ما يفسد الصلاة من الحدث العمد والكلام والقهقهة وعليه إعادتها. وقيل هذا قول محمد، لأن العبرة عنده لتمام الركن وهو الرفع، والعبرة عند أبي يوسف للوضع فينبغي أن لا يفسدها. وفي الخانية أنها تفسد على ظاهر الجواب اتفاقا، إلا أنه لا وضوء عليه في القهقهة. (رد المحتار، ۲/۵۷۹، زكريا ديوبند). ثم السجدة الصلاتية تتم بالرفع عند محمد وعليه الفتوى كالتلاوية اتفاقاً، مجمع (الدر المختار مع رد المحتار، كتاب الصلاة، باب صفة الصلاة، ۲/ ۲۱۲، ط: مكتبة زكريا ديوبند)، قوله: «كالتلاوية» حتى لو تكلم فيها أو أحدث فيها فعليه اعادتها، ابن ملك، خانية (رد المحتار). وركنها وضع الجبهة على الأرض أو ما يقوم مقامه من الركوع أو الإيماء للمرض أو الركوب على الدابة في السفر. (الهنديه ۱/۱۴۹، ط: دار الكتب

حکم قیام قبل و بعداز سجدۀ تلاوت:

در سجدۀ تلاوت بهتر اینست که اولاً بایستد و تکبیر «الله اکبر» گفته بـه سجده بِرود، بعد از آن تکبیر گفته با بایستد؛ و اگـر شخصـی بـرای سـجده نشسته تکبیر بگوید و یا در حـین برخواسـتن از سـجده تکبیـر گفتـه ایسـتاد نشود؛ بلکه بنشیند یا هر دو تکبیررا نشسته بگوید، در این صورت نیز سجدۀ تلاوت ادا می‌شود.[1]

دلیل قیامِ قبل از سجدۀ تلاوت و بعد از آن:

قیام قبل و بعـد از سـجدۀ تـلاوت مسـتحب اسـت؛ دربـاره دلیـل آن، از حضرت مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله سوال شد، جوابی را که حضرت ارائـه فرمودند، درج ذیل است:

این مسئله از کدام حدیث ثابت است؟ حدیثی از نظر من نگذشته است، لیکن احکام شرعیه قسمی که از حدیث ثابت می‌شـوند، همچنـان از قیـاس

العلمية بيروت) وفي حلبي كبيري: ويبطلها ما يبطل الصلوة من القهقهة والتكلم والحـدث وهـذا مبني على قول محمد أن السجدة لا تتم بالوضع بل بالرفع وهو الأصح على ماتقـدم خلافـا لأبـي يوسف رحمه الله. (ص۴۳۲ مطبع مجتبائي/ در سعادت ص۵۰۱).

۱ـ وبين قيامين مستحبين، أي قيام قبل السجود ليكون خرورا وهو السقوط مـن القيـام وقيـام بعـد رفع رأسه. (الدر مع الشامي۲/۵۸۰ زكريا ديوبند). وفي مجمع الأنهر: فإذا أراد السجود يسـتحب له أن يقوم فيسجد لأنه مأمور.(مجمع الأنهر۱/ ۲۳۶ ط: فقيه الأمت ديوبند). وفـي البحـر: وممـا يستحب لأدائها أن يقوم فيسجد لأن الخرور سقوط من القيـام والقـرآن ورد بـه، وهـو مـروي عـن عائشة رضي الله عنها: وإن لم يفعل لم يضره ... (البحرالرائق۲/۲۲۳ زكريا ديوبند). ويسـتحب أن يقـوم لهـا فيسجد من القيام لما فيه من زيادة معنى الخرور وفي الظهيرية أنه يستحب القيام بعد الرفـع منهـا أيضا. (حلبي كبيري، ص۴۳۲ مطبع المجتبائي ديوبند).

نیز ثابت می‌شوند در صورتی که نص نباشد، و در آن گویا کـه نـص نیسـت، لیکن آن را قیاساً علی المنصوص ثابت گفته می‌توانیم، یعنی از هیئت آن، آن را مشابه سجود صلوة قرار داده اقرب إلی التعظیم پنداشته شـده اسـت، و در بعضی اجزای همین هیئت (یعنی هیئت مـذکوره کـه در آن ایـن اجـزاء انـد: قیام، تکبیر حین رفتن به سجده، تکبیر حین بلند شدن از سـجده، قیـام ثـانی ۱۲منه). اختلاف نیز اسـت، چنانچـه عـدم تکبیـر مطلقـاً و تکبیـر لمحـض الوضع و لِمحض الرفع و نفی قیام ثانی این همه اقـوال (یعنـی اقـوال بعـض فقهاء ۱۲منه) نیز منقول اند لیکن در تکبیـر، ظـاهر الروایـة و قیـاس مـاخوذ ومعمول است. (امداد الفتاوی ٤٣٨/١، ط: دار العلوم کراچی).

حضرت مولانا ظفر احمـد صـاحب عثمـانی رحمه‌الله نیـز بـر ایـن مسـئله در «اعلاء السنن» بحث تفصیلی کرده اند، که خلاصهٔ ضروری آن اینست: قیام اول از لفظ خرور ثابت نیست؛ زیرا که در آیات مختلفِ سجده، لفظ خـرور آمده است و خرور یعنی در حالت ایستادگی به سجده رفتن را گویند. و امـام شعرانی رحمه‌الله در «کشف الغمة» روایتـی را نقـل کـرده کـه در آن آمـده اسـت، حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها زمانیکه آیهٔ سجده‌ای را تلاوت مـی‌فرمـود، اگـر نشسـته می‌بود، ایستاد شده سجده می‌کردند.[1]

و دلیل دومِ قیام، قیاس بر سجدهٔ نمـاز اسـت؛ زیـرا کـه در سـجدهٔ نمـاز افضل اینست که در میان دو قیام باشد. (برای تفصیل: اعلاء السنن۷/ ۲۴۹، ۲۵۰، مطبوعه: کراچی ملاحظه شود).

۱ـ وفي البحر: ومما يستحب لأدائها أن يقوم فيسجد لأن الخرور سقوط من القيام والقرآن ورد به، وهو مروي عن عائشة رضي‌الله‌عنها وإن لم يفعل لم يضره ... (البحر الرائق۲/۲۲۳ زكريا ديوبند).

حکم بلند کردن دست در تکبیر سجدهٔ تلاوت:

در تکبیر سجدهٔ تلاوت بلند کردن دست ثابت نیست، همچنان در سجدهٔ نماز نیز همراه تکبیر دست بلند کرده نمی‌شود؛ لهذا در سجدهٔ تلاوت زمانی که تکبیر گفته می‌شود، دست‌ها بلند کرده نمی‌شود.[۱]

حکم تشهد و سلام در سجدهٔ تلاوت:

در سجدهٔ تلاوت تشهد و سلام نیست؛ زیرا که این سجدهٔ تلاوت است نه نماز؛ لهذا زمانی که سر از سجده بلند شود، سجدهٔ تلاوت ادا شده، به عمل دیگری ضرورت نیست.[۲]

حکم تسبیحات و دیگر اذکار در سجدهٔ تلاوت:

اگر در نماز فرض سجدهٔ تلاوت شود، در این صورت در سجده تسبیح نماز: «سبحان ربي الأعلی» خوانده می‌شود. و اگر نماز نفل باشد آنگاه همرای تسبیح خواندن دعاهای دیگر نیز درست است. همچنن اگر سجدهٔ تلاوت در خارج نماز ادا شود، پس در سجده همراه تسبیح، خواندن دعاهای مأثور نیز بهتر است.[۳]

۱ـ وهي سجدة بين تكبيرتين ...بلارفع يد. (رد المحتار ٥٨٠/٢ ط: زكريا ديوبند) ولذا لايرفع يديه لأنه عليه الصلاة والسلام لم يفعله.(حلبي كبيري ٥٠٠ط در سعادت كتبخانه جهان نور).

۲ـ وهي سجدة بين تكبيرتين...بلا رفع يد وتشهد وسلام.. (رد المحتار ٥٨٠/٢ ط: زكريا ديوبند) ولاتشهد فيها ولا تسليم لعدم التحريمة. (حلبي كبيري ٥٠٠ط: در سعادت كتبخانه جهان نور).

۳ـ قال في فتح القدير: إن كانت السجدة في الصلاة فيقال فيها ما يقال فيها فإن كانت فريضة قال: «سبحان ربي الأعلى» أو نفلا قال ماشاء مما ورد كسجد وجهي للذي خلقه إلي آخره... وإن كان خارج الصلاة قال كل ما أثرمن ذلك اه. (فتح القدير ٢٤/٢ـ٢٥) وأقره في الحلبة والبحر والنهر

اذکار دیگر سجدهٔ تلاوت:

در مستدرک حاکم از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام شب در سجدهٔ تلاوت این دعا را می‌خواندند: «سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ فَتَبَارَك اللهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِيْنَ».[1] (چهره من سجده کرد به ذاتی که آن را خلق کرده است و به طاقت و قدرت خود آن صورت را سماعت و بصارت عطا فرمود، پس چقدر با برکت است ذات الله متعال، بهترین آفریننده است). این روایت در ترمذی شریف نیز آمده است؛ البته در این روایت فقط «بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ» آمده است، و جمله «فَتَبَارَكَ اللهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِيْنَ» نیست.

در روایت دیگر سنن ترمذی آمده است که حضرت رسالت مآب صلی الله علیه وسلم این دعا را نیز در سجدهٔ تلاوت می‌خواندند: «اَللهُمَّ اكْتُبْ لِيْ بِهَا عِنْدَكَ اَجْرًا وَضَعْ عَنِّى بِهَا وِزْرًا وَاجْعَلْهَا لِيْ عِنْدَكَ ذُخْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ

وغيرها. (رد المحتار ٥٨٠/٢ زكريا ديوبند). ويقول فيها ما يقول في سجود الصلوة هو الأصح لأنه المعهود في جنسها، قال الشيخ كمال الدين بن الهمام وينبغي أن لا يكون ما صحح على عمومه بل إن كانت السجدة في الصلوة يقول فيها مايقول فيها إن كانت فرضا وإن كانت نفلا يقول ماشاء مما ورد كما رواه ابن عباس رضي الله عنهما أنه صلى الله عليه وسلم كان يقول فيها: «اللهم اجعلها لي عندك ذخرا وأعظم لي بها أجرا وضع عني بها وزرا وتقبلها مني كما قبلتها من داود». (سنن الترمذي، أبواب الصلاة، باب ما يقول في سجود القرآن، رقم الحديث: ٥٧٩، و كتاب الدعوات، باب ما يقول في سجود القرآن، رقم الحديث: ٣٤٢٤ص (حلبي كبيري، ص٤٣٢، مجتبائي دهلي).

١ـ المستدرك للحاكم، كتاب الصلاة، رقم الحديث: ٨٠٥، ٣٣٠/١.ط: دار الحرمين).

عَبْدِكَ دَاودَ»[1] (ای الله! برای من بسبب این سجده از جانب خود اجر و ثواب خاص عطا فرما! و ثقل گناههان را از من دور بفرما ! واین سجده را برای من نزد خود ذخیره بگردان! و این را از جانب من قبول بفرما، قسمی که سجدهٔ بنده خود داوٗد را قبول فرموده بودی».

حضرت عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما این دعا را می‌خواند: «اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوَادِيْ، وَبِكَ آمَنَ فُؤَادِيْ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ عِلْمًا يَنْفَعُنِي وَعَمَلًا يَرْفَعُنِي»[2] (ای الله ! جسم من خاص برای تو سجده کرد و قلب من صرف به تو ایمان آورد، ای الله! برای من آنگونه علم عطا فرما که برایم نفع بخش باشد، و عملی را عطا فرما که سبب بلندی مقام من شود».

حضرت قتاده رحمه الله در سجدهٔ تلاوت این دعا را می‌خواند: عن قتادة: أنه كان يقول إذا قراء السجدة: ﴿سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا﴾ (اسراء:١٠٨) «سبحان الله وبحمده» ثلاثًا.[3] (پروردگار ما پاک است و بدون شک وعدهٔ او (زندگی اخروی) وقوع پذیر است».

١ـ سنن الترمذي، أبواب الصلاة، باب ما يقول في سجود القرآن، رقم الحديث: ٥٧٩، وكتاب الدعوات، باب ما يقول في سجود القرآن، رقم الحديث: ٣٤٢٤ ص٧٧٨ـ (رد المحتار ٥٨٠/٢ ط: زكريا ديوبند).

٢ـ عن ابن عمر رضي الله عنهما أنه كان يقول: «اللهم لك الخ...» المصنف لابن ابي شيبة، كتاب الصلاة، باب في سجود القرآن وما يقرأ فيه، رقم الحديث: ٤٤٠٦، ٤١٠/٣، ط: مكتبة الرشد؛ غنية المتملي ص٥٠٢، ط: در سعادت/ مطبع مجتبائي دهلي ص٤٣٣).

٣ـ وعن قتادة رحمه الله أنه كان يقول: ﴿سبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا﴾. واختاره بعض المتأخرين من أصحابنا لأنه تعالى قد مدح قائليه في سجودهم عند تلاوة القرآن عليهم. رواه ابن أبي شيبه في مصنفه (٤٤٠٥)، راجع: (غنية المتملي، ص٥٠٢، ط: درسعادت، مجتبائي دهلي ص٤٣٣).

در صورت وجوب سجدهٔ تلاوت خارج از نماز، باید دعاهـای ذیـل خوانده شود

اگر شخصی خارج از نماز در حال تلاوت باشد و سجدهٔ تلاوت واجـب شود بعد از آن سجدهٔ تلاوت را ادا کند، بعد از سه مرتبه خواندن تسبیحات و دیگر دعاها، و هر آن دعایی که از کتاب و سنت ثابت باشد (به زبان عربـی) می‌تواند بخوانده.[۱]

مجموعهٔ تسبیحات و دعاها:

«سَجَدَ وَجْهِی لِلَّذِيْ خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ بِحَوْلِـهِ وَقُوَّتِـهِ فَتَبَـارَكَ اللـهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِيْنَ».[۲]

«اَللهُمَّ اكْتُبْ لِيْ بِهَا عِنْدَكَ اَجْرًا وَضَعْ عَنِّی بِهَـا وِزْرًا وَاجْعَلْهَـا لِـيْ عِنْـدَكَ ذُخْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ عَبْدِكَ دَاودَ».[۳]

«اَللهُمَّ اغْفِرْ لِيْ بِهَا، اَللهُمَّ حُـطَّ عَنِّـیْ بِهَـا وِزرًا وَاحْـدُثْ لِـیْ بِهَـا شُـكْرًا وَتَقَبَّلْهَا مِنِّیْ كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ عَبْدِكَ دَاوٗدَ سَجْدَتَهُ».[۱]

۱ـ في الأصح قال في فتح القدير: ينبغي أن لا يكون ما صحح على عمومه فإن كانت السجدة فـي الصلاة: فإن كانت فريضة قال: سبحان ربي الأعلى أو نفلا قال ماشاء مما ورد... وإن كـان خـارج الصلاة قال: كل ما أثرمن ذلك اه. وأقره في الحلية والبحـر والنهـر وغيرهـا. (رد المحتـار ۵۸۰/۲ زكريا ديوبند).

۲ـ المستدرك للحـاكم، كتـاب الصـلاة، بـاب التـأمين، رقـم الحـديث:۸۰۵، ۳۳۰/۱، ط: دار الحرمين.

۳ـ سنن الترمذي، أبواب الصلاة باب ما يقول في سجود القـرآن، رقـم الحـديث: ۵۷۹، و كتـاب الدعوات، باب ما يقول في سجود القرآن، رقم الحديث: ۳٤۲٤ ص۷۷۸.

«سَجَدَ وَجْهِیْ مُتَعَفِّرًا فِی التُّرَابِ لِخَالِقِیْ وَحُقَّ لَهُ».[۲]

عن وکیع: قال الأعمش قال: «قرأ عبد الله السجدة، فسجد (قال: ابراهیم): فحدثني من سمعه یقول في سجوده: «لَبَّیْكَ، وَسَعْدَیْكَ، وَالْخَیْرُ فِیْ یَدَیْكَ».[۳]

حکم سجده در اوقات مکروهه:

اگر شخصی آیهٔ سجده را در اوقات مکروه و ممنوعه تلاوت کرده باشد، مثلا: در وقت طلوع آفتاب، زوال آفتاب و یا غروب آفتاب؛ پس در چنین اوقاتی سجدهٔ تلاوت نکند، بلکه سجدهٔ تلاوت را به تأخیر بیندازد؛ زیرا که در اوقات مذکوره ادای سجدهٔ تلاوت خلاف اولی و مکروه تنزیهی است. و اگر بر ذمهٔ کسی از قبل سجدهٔ تلاوت لازم بود، در اوقات مذکوره ادا کردن آن درست نیست.[٤]

١ـ مسند أبي یعلی، مسند سعید الخدري، رقم: ١٠٦٩، ج:٢، ص: ٣٣٠ ط: دار المأمون للتراث دمشق.

٢ـ المصنف لابن أبي شیبة، کتاب الصلاة، باب في سجود القرآن وما یقرأ فیه، رقم الحدیث: ٤٤٠٦، ج:٣. ص:٤١٠. ط: مکتبة الرشد.

٣ـ مصنف ابن أبي شیبه، رقم الحدیث: ٤٤٠٧.

٤ـ ولوتلاها في وقت مباح ثم فسجدها في أوقات مکروهة لم تجز ولوتلاها في أوقات مکروهة فسجد في هذه الأوقات جاز. (هندیه ١٩٥/١ زکریا دیوبند) وفي المبسوط للسرخسي: ولو قرأها عند ارتفاع الضحی فقضاها نصف النهار لم تجزه لأنها وجبت علیه بصفة الکمال والمؤداة عند الزوال ناقصة وإن قرأها نصف النهار فسجدها أجزأها لأنه أداها کما وجبت علیه وإن لم یسجدها حتی تغیرت الشمس عند الغروب ثم أداها فإنه یجزئه وهذا قول أبي یوسف رح وهو قیاس قول أبي حنیفة ومحمد رحمهما الله... (المبسوط للسرخسي ١٣٣/٢ دار الکتب العلمیه بیروت) وفي مجمع الأنهر: وفي الکافي تلا عند طلوع الشمس وسجد عند الزوال والغروب أو راکبا فنزل، ثم رکب

حکم سجدۀ تلاوت بعد از نماز فجر و عصر:

بعد از نماز عصر و بعد از نماز فجر سجدۀ تلاوت بـدون کراهـت جـایز است.[۱]

آنچه سجدۀ تلاوت را فاسد می‌کند:

سجدۀ تلاوت نیز جزئی از نماز است؛ لذا از هـر آنچـه کـه نمـاز فاسـد می‌شود، سجدۀ تلاوت نیز فاسد می‌شود، مثلا: در حین سجدۀ تلاوت وضو شکست، یا همراه کسی گفتگو صورت گرفت یا خندۀ قهقهه نمـود، در همـه این صورت‌ها سجدۀ تلاوت فاسد می‌شود و باید دوبـاره ادا گـردد؛ البتـه در نماز با خندۀ قهقهه وضو نیز می‌شـکند؛ لـیکن در سـجدۀ تـلاوت بـا خنـدۀ قهقهه وضو نمی‌شکند؛ زیرا که شکستن وضو با قهقه در نماز، خلاف قیـاس است.[۲]

وأومأ لها صح، خلافا لزفر. (مجمع الأنهر۱/۲۳۷). (احسن الفتاوی ۲/۱۳٦ ط: ایـچ ایـم سـعید کمپنی).

۱ـ لابأس بأن یصلی فی هذین الوقتین الفوائت ویسـجد للـتلاوة، ویصـلي علـی الجنـائز إلـخ... (هدایة باب المواقیت ۱/۸٦ اشرفي دیوبند) بعد صلاة فجر وصلاة عصر... لایکره قضاء فائتة، ولو وترًا، أو سجدة تلاوة، وصلاة جنازة. (الدر المختار مع رد المحتار مطلب یشـترط العلـم بـدخول الوقت۲/۳۷ زکریا دیوبند ـ کراچی ۱/۳۷۵). (غنیة المستملي المعروف بکبیري، أما الأوقات التي تکره فیها الصلاة فخمسة، قدیم، ص۳۳٦ ـ جدید اشرفي، ص ۲۳۸).

۲ـ قوله: (ویفسدها مایفسدها) أي مایفسد الصلاة من الحدث العمـد والکـلام والقهقهـة وعلیـه إعادتها الخ.. إلا أنه لا وضوء علیه في القهقة. (رد المحتار۲/۵۷۹ ط: ذکریا دیوبند) وفـي حلبـي کبیري: ویبطلها ما یبطل الصلوة من القهقهة والتکلم والحدث وهـذا مبنـي علـی قـول محمـد أن السجدة لا تتم بالوضع بل بالرفع وهو الأصح علی ماتقدم خلافا لأبي یوسفؒ. (ص۴۳۲ مطبع مجتبائي / در سعادت ص۵۰۱).

حکم سجدهٔ تلاوت در محاذات زن:

اگرسجدهٔ تلاوت با جماعت ادا شود و زنی در محاذات مردی سجدهٔ تلاوت کند، در این صورت به سبب محاذات در سجدهٔ تلاوت مرد اثری واقع نمی‌شود،[1] ولی اگر در نماز همراه زن محاذات شود، نماز مرد فاسد می‌شود.

حکم سجدهٔ تلاوت بالای قرآن شریف:

سجدهٔ تلاوت نیز مثل سجدهٔ نماز ادا شود، بعضی زن‌ها بالای قرآن سجده می‌کنند، سجدهٔ آنها ادا نمی‌شود و از ذمه‌شان ساقط نمی‌گردد.[2]

حکم تکرار تلاوت آیهٔ سجده در گوشه‌های مختلف خانه:

در زاویه‌های مختلف یک خانه با تکرار نمودن یک آیهٔ سجده، تنها یک سجده واجب می‌شود، سجده‌های متعدد واجب نمی‌شود.[3]

۱ـ وكذا محاذاة المرأة لاتفسدها كصلاة الجنازة. (رد المحتار ۵۷۹/۲ ط: زكريا ديوبند).

۲ـ وركنها وضع الجبهة على الأرض أو ما يقوم مقامه من الركوع أو الإيماء للمرض أو الركوب على الدابة في السفر. (الهنديه ۱۴۹/۱ ط: دار الكتب العلمية بيروت) وفي مراقي الفلاح: وركنها: وضع الجبهة على الأرض. (مراقي الفلاح بامداد الفتاح، ص: ۱۸۳ ط: دار الكتب العلميه). (اختری بهشتی زیور، حصه دوم، صفحه ۴۲).

۳ـ وكذلك البيت أي لايجب عليه إلا سجدة واحدة. (بدائع ۴۳۳/۱ زكريا) أوحكما وجد التداخل وكفت سجدة واحدة وإلا فلا، فمن ثم قالوا لو مشى خطوة أوخطوتين أو أكل لقمة أو لقمتين أو شرب جرعة أو جرعتين أو انتقل من زاوية البيت أو المسجد إلى زاوية أخرى أو رد سلاما أو شمت عاطسا ثم كررها كفته سجدة واحدة. (حلبي كبيري ص۴۳۴ مطبع مجتبائي دهلي / دار الكتاب ديوبند).

کل مسجد در حکم یک خانه است:

کل مسجد چه بزرگ باشد یا کوچك، در حکم یک اطـاق اسـت، یعنـی: اگر یک آیهٔ سجده چندین‌بار در گوشه‌های مختلف مسجد تلاوت شود، فقط یک سجده واجب می‌شود، نه چندین سجده؛ زیرا که مسجد بطور کامـل در حکم مکان واحد است.[۱]

حکم تعدد و تکرار یک آیهٔ سجده در گوشه‌های مختلف منزل:

اگر منزل بزرگ باشد، به حکم مکان واحد نمی‌باشد؛ لهذا اگر در زوایای مختلف منزل آیهٔ سجده چند بار خوانده شود، بـه اعتبـار هـر زاویـه سـجدهٔ جداگانه‌ای واجب می‌شود، فقط یک سجده کفایت نمی‌کند.[۲]

با منتقل شدن از یک شاخهٔ درخت به شاخه دیگر مجلس تبدیل می‌شود، شاخه‌های مختلف یک درخت، حکم مجلس‌های جداگانه را دارد؛ لهذا اگر یک شخص یک آیهٔ سجده را در یـک شـاخهٔ درخـت خوانـد، بعـد از آن در شاخه دیگرِ همان درخت منتقل شده همان آیه را دوباره خواند؛ همچنـین در

۱ـ بخلاف زوايا مسجد وبيت... (الدر المختار ۵۹۳/۲ زكريا ديوبند) والمجلس واحد وإن انتقل من زاوية البيت أو المسجد إلى زاوية... وإن انتقـل فـي المسـجد الجـامع مـن زاويـة إلـى زاويـة لايتكرر الوجوب وإن انتقل فيه من دار إلى دار ففي كل موضع يصح الاقتداء يجعل كمكان واحد. (هنديه۱۹۴/۱ زكريا ديوبند) وفي بدائع: ولو تلاها في مسجد جماعة أو في المسـجد الجـامع فـي زاوية ثم تلاها في زاوية أخرى لايجب عليه إلا سجدة واحدة لأن المسجد كله جعل بمنزلة مكان واحد في حق الصلاة، ففي حق السجدة أولى، وكذا حكم السماع. (بدائع۴۳۳/۱ زكريـا) وهكـذا في حلبي كبيري (حلبي كبيري ص۴۳۴ مطبع مجتبائي دهلي / دارالكتاب ديوبند).

۲ـ وكذا البيت إلا ذا كانت الدار كبيرة كدار السلطان اه. (رد المحتار۵۹۳/۲ زكريا ديوبند).

شاخه سوم و چهارم، پس هر چند آیهٔ سجده که خوانده شد، به همـان انـدازه سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.[1]

حکم تکرار آیهٔ سجده بالای موتر و موتر سائیکل وغیره:

اگر شخصی داخل قطار (ریل) متحرک، بس، موترهـای خـورد و بـزرگ، موتر سائیکل و طیاره وغیره یک آیهٔ سجده را بار بار بخواند یا بشنود، هر چند باری که خوانده یا شنیده به همان تعداد سجدهٔ تلاوت واجب می‌شـود؛ زیـرا که همهٔ این سواری‌ها، در تحرک و گشتن همچـو شُـتر و اسـپ انـد، یعنـی: حرکـت آنهـا، بجانـب سـواری یـا راننـده منسـوب مـی‌شـود؛ البتـه بـالای سواری‌های مذکور در حین نماز خوانـدن کسـی آیـهٔ سـجده را چنـدین بـار بخواند، در این صورت صرف یک سجده واجب می‌شود، قسمی کـه بـالای شتر، اسپ وغیره با مکرر خواندن یک آیهٔ سجده صرف یـک سـجده واجـب می‌شود.

و قایقی، که بدون دخالت یک انسان محض با هوا گردش مـی‌کنـد، اگـر کسی داخل آن یک آیهٔ سـجده را مکـرراً خـارج از نمـاز بخوانـد، فقـط یـک سجده واجب می‌شـود، چنانچـه در حـین نمـاز فقـط یـک سـجده واجـب

۱ـ وانتقاله من غصن شجرة إلى آخر... فتجب سجدة أو سجدات.. أي بقدر تعدد الـتلاوة. (الـدر مع رد ٥٩٢/٢ زكريا ديوبند) وفي الهنديه: وفي الانتقال من غصن إلـى غصـن فـي أصـح الأقـوال هكذا في المضمرات. (هنديه ١٩٤/١ زكريا ديوبند) وفي مجمع الأنهرو... (والدياسة والإنتقال من غصن) شجرة (إلى) غصن (آخر) سواء كان قريبا، أو بعيدا (تبديل) فلا تكفي سجدة واحدة، لأن المكان تبدل حقيقة. (مجمع الأنهر ٢٣٥/١ ط: فقيه الأمت ديوبند) والإنتقال من غصن إلى غصن ..لايكفيه سجدة واحدة. (حلبي كبيري ص٤٣٤ مط: مجتباني دهلي).

می‌شود؛ زیرا وقتی که آن بـدون دخالـت عمـل انسـان راه مـی‌رود در حکـم کشتی ایستاده است (محمد نعمان سیتاپوری غفرله).

قبل از سوار شدن به موتر یا سواری آیۀ سجده را خوانـد، بعـد از آن سوار شده قبل از حرکت دوباره خواند:

اگر شخصی قبل از سوار شدن به موتر یا سواری آیۀ سجده را خواند، بعد از آن سوار شده و همان آیه را دوباره خواند؛ لیکن موتر حرکت نکرده بود، در این صورت فقط یک سجده واجب می‌شود.[1] همچنین اگـر شخصـی بـالای سواری ایستاد و آیۀ سجده را تلاوت کرد، بعد از آن پایین شده بر زمین همان آیه را تکرار کرد در این صورت فقط یک سجده واجب می‌شود.[2]

۱ـ ولو قرأها ثم ركب على الدابة ثم نزل قل السير لم ينقطع أيضا. (الهنديه ١٤٨/١ ط: زكريا). وفي بدائع الصنائع: ولو قرأها في مكان، ثم قام وركب الدابة على مكانه، ثم أعادها قبل أن يسـير فعليـه سجدة واحدة على الأرض. (بدائع.. ٤٣٥/١ زكريا).

٢ـ وكذا إذا قرأها راكبا ثم نزل قبل أن تسير فقرأها فعليه سجدة واحدة يسجدها علـى الأرض كـذا في الجوهرة النيرة. (هنديه ١٩٤/١ زكريا ديوبند). (الهنديه ١٤٨/١ ط: دار الكتـب العلميـة). وفـي المبسوط: وكذلك إذا قرأ آية السجدة على الدابة ثم نزل ثم ركب فأداها جاز عنـدنا بمنزلـة مـا لـو أداها قبل النزول. (المبسوط ١٣٤/٢ دار الكتب العلميه بيروت). وفي بدائع الصـنائع: ولـو قرأهـا راكبا، ثم نزل، ثم ركب فأعادها وهو على مكانه فعليه سجدة واحدة لمـا بينـا، والأصـل أن النـزول والركوب ليسا بمكانين. (بدائع.. ٤٣٥/١ زكريا).

فایـده: در هـر دو صـورت مـذکور بـالای سـواری سـجدهٔ تـلاوت ادا نمی‌شود؛ لهذا بر زمین سجدهٔ تلاوت ادا کند؛[1] البته اگر بـه سـبب خـوف از درنده وغیره بر سواری بالاشده اشارةً سجدهٔ تلاوت کند، ادا می‌شود.[2]

حکم تکرار آیهٔ سجده حین بافتن رخت/پارچه:

شخصی حین بافتن رخت/پارچه در یک جانب آیهٔ سجده را تلاوت کرد، و دوباره همان آیهٔ سجده را به جانب دیگر رفته تلاوت کرد، در ایـن صـورت مجلس تبدیل می‌شود؛ لهذا بر آن شخص دو سجده واجب می‌شود.[3]

١ـ وماوجب من السجدة على الأرض لايجوز علـى الدابـة ومـا وجـب علـى الدابـة يجـوز علـى الأرض. (هنديه ١٩٥/١ زكريا ديوبند). وفي مجمع الأنهر: ولو تلا علـى الأرض، وسـجد راكبـا لا يجوز، وعند الشافعي يجوز. (مجمع الأنهر ٢٣٧/١).

٢ـ ولوقرأها نازلا ثم أصابه خوف فركب فسجد أجزأه في حالة الخوف ولا يجزيه في حالـة الأمـن كذا في محيط السرخسي. (هنديه ١٩٥/١ط: زكريا ديوبند؛ هنديه ١٤٩/١ ط: دار الكتب العلمية).

٣ـ وإسداء الثوب ذاهبا وآيبا...فتجب سجدة أو سـجدات أي بقـدر تعـدد الـتلاوة. (الـدر مـع رد ٥٩٢/٢ زكريا ديوبند) ويتكرر في تسديد الثوب والدياسة... (هنديه ١٩٤/١ زكريـا ديوبنـد). وفـي مجمع الأنهر: (وتسدية الثوب) أي تسوية سداه يغرز في الأرض حسبات ثـم يجـي ويـذهب مـع الغزل ليسوي السدى (والدياسة والإنتقال من غصن) شجرة (إلى) غصن (آخر) سواء كان قريبا، أو بعيدا (تبديل) فلا تكفي سجدة واحدة، لأن المكان تبدل حقيقة. (مجمع الأنهـر٢٣٥/١ ط: فقيـه الأمت ديوبند) وفي حلبي كبيري: بخلاف تسدية الثوب والدياسة والكراب.. فإنه لا يكفيه سـجدة واحدة .. (كبيري، ص٤٣٤ مجتبائي دهلي / دار الكتاب ديوبند). وفي بدائع: وقـالوا: فـي تسـدية الثوب أنه يتكرر الوجوب. (بدائع الصنائع ٤٣٣/١ ط: ذكريا ديوبند).

حکم تکرار آیهٔ سجده در یک مجلس در ضمن تسبیح و تهلیل و..:

شخصی آیهٔ سجده را تلاوت کرد، بعد از آن به خواندن تسبیحات وغیره مشغول شد، دوباره همان آیهٔ سجده را تلاوت کرد؛ در این صورت فقط یک سجده بر او واجب می‌شود، نه دو سجده.[١]

حکم تکرار آیهٔ سجده در ماه مبارک رمضان هنگام دورِ حفّاظ قرآن کریم با یکدیگر:

در رمضان مبارک حفاظ کرام با همدیگر مقدار جزء تراویح را می‌شنوانند و آنها در این دور حفظ برخی اوقات فقط یک آیهٔ سجده را بار بار از یکدیگر می‌شنوند. پس در این صورت تازمانی که مجلس یا نشست آنها یکی باشد، بر آنها فقط یک سجده واجب می‌شود، و اگر مجلس تبدیل شود، یا در همان مجلس آیهٔ دیگری از سجده خوانده شود، در این صورت دو سجده واجب می‌شود.[٢]

١ـ وإن اشتغل بالتسبيح أو التهليل أو القراءة لاينقطع حكم المجلس. (الهنديه ١٤٨/١ط: زكريا) ولو قرأ آية السجدة فأطال القراءة بعدها أو أطال الجلوس ثم أعادها ليس عليه سجدة أخرى لأن مجلسه لم يتبدل بقراءة القرآن وطول الجلوس، وكذا لو اشتغل بالتسبيح أو بالتهليل، ثم أعادها لا يلزمه أخرى. (بدائع.. ٤٣٥/١ زكريا).

٢ـ حتى إن من تلا آية واحدة مرارا في مجلس واحد تكفيه سجدة واحدة. (بدائع الصنائع٧٣١/١ دار الكتب العلمية) وفي حلبي كبيري: ولو كرر تلاوة آية في مجلس واحد كفته سجدة واحدة سواء كانت بعد جميع التلاوات أوبعد بعضها وهذا استحسان .. (ص٤٣٣ مطبع مجتبائي دهلي). (الهداية مع الدراية١٧١/١ ط: مكتبه رحمانيه لاهور/ اشرفي ديوبند ١٦٣/١).

حکم مکرر خواندن آیهٔ سجده هنگام درس:

اساتید حفظ و روخوانی قرآن کریم در مدارس و مکاتب قرآن را یاد می‌دهند، گاهی یک آیهٔ سجده را مکررا می‌خوانند یا می‌شنوند، در این صورت نیز اگر یک مجلس باشد، فقط یک سجده واجب می‌شود. و اگر مجلس تبدیل شود مطابق آن سجده واجب می‌شود. همچنان اگر آیهٔ سجدهٔ دیگری خوانده یا شنیده شود، دو سجده واجب می‌شود.[1]

۱ـ ولو كررها في مجلسين تكررت الأصل أنه لايتكرر الوجوب إلا بأحد أمور ثلاثة: اختلاف التلاوة أو السماع، أو المجلس.. مالم يكن لمكانين حكم الواحد؛ كالمسجد والبيت والسفينة ولو جارية... (رد المحتار ۵۹۰/۲) وأشار إلى أنه متى اتحدت الآية والمجلس لايتكرر الوجوب وإن اجتمعت التلاوة والسماع ولو من جماعة. (رد المحتار ۵۹۱/۲ زكريا ديوبند). (هداية مع الدراية ۱۷۱/۱ ط: مكتبه رحمانيه لاهور) وفي حلبي كبيري: ولو كرر تلاوة آية في مجلس واحد كفته سجدة واحدة سواء كانت بعد جميع التلاوات أوبعد بعضها وهذا استحسان، ووجهه دلالة الإجماع والضرورة إما الأول فإن التالي السميع لايجب عليه إلا سجدة واحدة بالإجماع مع أن التلاوة سبب على حدة حتى لوتلاها الأصم ولم يسمعها تجب عليه والسمع سبب على حدة، وأما الثاني فإن تكرار القراءة محتاد إليه للتعليم والتعلم فلو تكرر الوجوب لزم الحرج وهو مدفوع بالنص فوجب القول بالتداخل .. (ص۴۳۳ مطبع مجتبائي دهلي) ولو قرأ سجدة ثم سمعها في ذلك المكان من آخرثم من آخر وهم جرا كفته سجدة واحدة سواء كان هو في الصلاة أولا على ظاهر الرواية. (حلبي كبيري ص۴۳۵ مجتبائي دهلي). وفي مجمع الأنهر: (ولو كرر) تلاوة (آية واحدة) أو سمعها من واحد، أو متعدد (في مجلس واحد كفته سجدة واحدة) لأن مبنى السجود على التداخل ما أمكن، وإمكانه على إتحاد المجلس لكونه جامعا للمتفرقات فيما يتكرر للحاجة كما في الإيجاب والقبول وغيره، والقارئ محتاج إلى التكرار للحفظ، والتعليم والإعتبار فإلزام التكرار في السجدة مفض إلى الحرج لا محالة، وهو مدفوع.(مجمع الأنهر، ۱/ ۲۳۴/۲۳۵ ط: فقيه الأمت ديوبند).

بعد از تلاوت آیهٔ سجده در خارج از نماز سجده فورًا واجب نیست:

در حین تلاوت هرگاه که آیهٔ سجده تـلاوت شـود، اداکـردن سـجده فـوراً واجب نیست، البته بهتر است و بـدون سـبب تـاخیر کـردن در ادای سـجده مکروه تنزیهی است.[١] و اگر شخصی در نماز آیهٔ سـجده را تـلاوت کـرد، در این صورت فورًا ادا کردن سجده واجب است، قصدا تأخیر کردن موجبِ گناه است.[٢]

سجدهٔ تلاوت قضا نمی‌شود:

هرگاه سجدهٔ تلاوت واجب شود، بعدا هر وقـت در زنـدگی خـود کـه آن سجده را ادا کند، سجده آن شـخص ادا شـمرده مـی‌شـود؛ زیـرا کـه سـجدهٔ

١ـ وهي على التراخي على المختار ويكره تأخيرها تنزيهـا..إن لـم تكـن صـلوية. (الـدر المختـار ٥٨٣/٢ زكريا ديوبند) وفي الغياثية: وأداؤها ليس على الفور حتى لوأداها في أي وقت كان .. هـذا في غيرالصلاتية. (هنديه ١٩٥/١ زكريا ديوبند) وفي سكب الأنهـر: يجـب سـجود الـتلاوة وجوبـا متراخيا على المختار إن لم تكن صلاتية. (سكب الأنهر ٢٣١/١). (اختری بہشتی زیـور صـفحہ ٤٢ حصہ دوم بحوالہ فتاوی ہندیہ وشرح التنویر، فتاوی دارالعلـوم دیوبنـد مـدلل و مکمـل جلـد٤ ص٢٩٨).

٢ـ قال العلامة حسن بن عمار الشرنبلالي: وصفتها الوجوب على الفور في الصلوة وعلى التراخي إن كانت غيرصلوتية ـ قال الشيخ السيد أحمد الطحطاوي: (تحت قوله على الفور) أي فور التلاوة وظاهر أنه لو أخرها إلى ركعة ثانية أثم.الخ (طحطاوي حاشيه مراقي الفلاح ص٢٦٠ باب سـجود التلاوة) ومثله في (البدائع الصنائع ١٩١/١ باب سجود التلاوة؛ و في البحر ١٢٤/٢).

تلاوت وقت معین و مقید ندارد؛ بلکه هر وقتی که ادا شود، ادا محسوب می‌شود نه که قضا.[۱]

اگر سجدهٔ تلاوت را هیچگاه ادا نکند گنهکار می‌شود:

اگر بر ذمهٔ کسی سجده‌های متعددی باشد، و تا به حال ادا نکرده باشد، باید ادا کند، اگر هیچگاه ادا نکرد گنهگار می‌شود.[۲]

اگر سجدهٔ تلاوت فوری متعذر باشد، پس چه باید کرد؟:

هرگاه خارج از نماز با تلاوت ویا شنیدن قرآن کریم سجدهٔ تلاوت واجب شد، باید فورًا سجده شود و اگر شخصی بنابر عذر آن وقت فوراً سجده را ادا نکرد، در آن وقت خواندن این دعا مستحب است: ﴿سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ﴾[۳] (ما شنديم وحكم تو را قبول كرديم، اى پروردگار ما! گناهان ما را معاف فرما!. بدون شک بازگشت همه به سوی توست).

۱ـ وأداؤها ليس على الفور حتى لو أداها في أي وقت كان يكون مؤديا لا قاضيا. كذا في التاتارخانية (هنديه ۱۹۵/۱ زكريا). ولاتجب على الفور حتى لوسجد لها بعد سنة أو أكثر تقع أداء لا قضاء لعدم التقييد بالوقت. (غنية المستملي، ص۴۳۲، مطبع مجتبائي دهلي).

۲ـ وهي على التراخي على المختار ويكره تنزيها ويكفيه أن يسجد عدد ما عليه بلا تعيين ويكون مؤديا. (الدر المختار ۵۸۳/۲ زكريا ديوبند). (اختری بهشتی زیور حصه دوم صفحه۴۳).

۳ـ في التاتارخانية: يستحب للتالي أو السامع إذا لم يمكنه السجود أن يقول ﴿سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ﴾. (شامي ۵۸۳/۲ زكريا ديوبند). (فتاوى التاتارخانيه ۴۸۱/۲ ط: ذكريا ديوبند).

حکم سجدۀ تلاوت بعد از نماز در پیشگاه مردم:

درصورت موجودیت مردم بعد از نماز ادا کردن سجدۀ تلاوت و عادت کردن به آن مکروه است؛ زیرا احتمال این می‌رود که مبادا عوام الناس آن سجده را سجده مستقل بعد از نماز پنداشته سنت یا واجب بپندارند؛ البته اگر در مقابل مردم نباشد هیچ باکی ندارد.[۱]

اطلاع دادن سجدۀ تلاوت قبل از تکبیر تحریمه در تراویح:

در تراویح اگر اجتماع عامۀ مردم زیاد باشد که از سجده‌های تلاوت واقف نباشند و بدون اطلاع سجدۀ تلاوت کردن امکان هرج و مرج نماز گزاران باشد، در این صورت قبل از تکبیر تحریمه، اطلاع دادن به سجدۀ تلاوت که در رکعت اول است یا دوم، کدام حرجی وجود ندارد؛ البته بدون ضرورت اعلان کردن از کراهت خالی نیست؛ لهذا اگر اجتماع مردم زیاد نباشد و یا در مَجمع اکثرًا اهل علم و حفاظ کرام باشند، یعنی: در صورت عدم اطلاع آیۀ سجده، احتمال سراسیمگی نباشد، تنها بخاطر رواج اعلان کردن مکروه است.[۲]

۱ـ لكنها تكره بعد الصلاة.. الضمير للسجدة مطلقا... لأن الجهلة يعتقدونها سنة أو واجبة وكل مباح يؤدي إليه فمكروه. (الدر مع الشامي ۵۹۸/۲ زكريا ديوبند). (هنديه ۱۹٦/۱ زكريا ديوبند).

۲ـ (فتاوی دارالعلوم دیوبند مدلل ومکمل ۳۰۱/٤؛ فتاوی رحیمیه ۱۹۹/۵ ط: دار الاشاعت کراچی).

حکم شنیدن آیهٔ سجده از طریق میکرافون / بلندگو:

راجح اینست که آواز بلندگو آواز خود متکلم است؛ مانند صدای منعکس شده نیست که شبیه آواز متکلم باشد؛ لهذا بالای شنوندگان آیهٔ سجده توسط بلندگو نیز سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.[1]

حکم شنیدن آیهٔ سجده از رادیو و تلویزیون:

اگر در رادیو و یا تلویزیون آواز قاری در حال پخش زنده باشد و آیهٔ سجده را بخواند، در این صورت بدون شک بر کسانی که آیهٔ سجده را بشنوند، سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.[2]

حکم شنیدن آیهٔ سجده از ضبط، ریکاردَر و کاست:

صدای ثبت شده در کاست، رادیو و ضبط ریکاردر نیز به ظاهر مشابه آواز بازگشت است؛ به همین سبب اکثر مفتیان کرام شنیدن آیهٔ سجده را از ریکاردر و کاست موجب سجدهٔ تلاوت قرار نمی‌دهند؛ لیکن رأی بعضی علمای محقق اینست که با شنیدن از ضبط ریکاردر باید سجدهٔ تلاوت واجب شود؛ زیرا وقتی که آن آواز از آله غیر مختار خارج می‌شود، انتساب آن بجانب آله نمی‌شود، بلکه بجانب تلاوت کننده می‌شود، که به اهلیت آن شک وجود ندارد. بنابر این احتیاط همین است که در صورت شنیدن آیهٔ سجده از تیپ ریکارد نیز باید سجدهٔ تلاوت کرده شود.[3]

۱ـ احسن الفتاوی جلد٤ صفحہ ٦٤.

۲ـ کتاب المسائل جلد اول صفحہ ۵۳۸.

۳ـ فتوی نویسی کے رہنما اصول ١٢٧/١٢٦؛ جواہر الفقہ ٤٥٥/٧ مطبع: دارالعلوم کراچی).

حکم شنیدن آیهٔ سجده از پرنده‌ها:

اگر از طوطی، مینا و دیگر پرنده‌هایی آموزش داده شده آیهٔ سـجده شـنیده شود، آن را تلاوت گفته نمی‌شود؛ زیـرا کـه تعلـق تـلاوت بـا قصـد و شـعور است، لهذا برای وجوب سجدهٔ تـلاوت ضـروری اسـت کـه تـلاوت کننـده مکلف و اهل باشد، و همه پرندگان نه مکلف انـد و نـه ذی شـعور، و نـه در آنجا قصد تلاوت وجود دارد، لهذا باشنیدن آیهٔ سجده از این چنـین پرنـدگان سجدهٔ تلاوت واجب نمی‌شود.[1]

حکم انعکاس آیهٔ سجده:

اگر شخصی صدای بازگشـت، انعکـاس صـدا (آواز ی کـه بـا کـوه‌هـا و عمارت‌ها انعکاس می‌یابد) آیـهٔ سـجده را بشـنود،، سـجدهٔ تـلاوت واجـب نمی‌شود.[2]

شنیدن آیهٔ سجده از شخصی که خواب است:

اگر شخصی در حالت خواب آیهٔ سجده را خواند، بر شخص شـنونده آیـا سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود یاخیر؟ در این بـاره دو قـول اسـت، یـک قـول

۱ـ قال العلامة ابن نجيم رحمه الله: ولو سمع آية السجدة من حيوان صرحوا بعدم وجوبها على المختـار لعدم أهليلة القارى. (الأشـباه والنظـائر ۱/ ۱۸۱ ؛ الفـن الأول و القاعـدة الثانيـة ط: المكتبـة الفيصـل ديوبند). ولو سمعها من الطائر والصدَى لاتجب لأنه محاكاة ولـيس بقـراءة. (حلبـي كبيـري ص۴۳۱ مطبع: مجتبائي دهلي). (فتاوى حقانيه۳/ ۳٤٦؛ جوابرالفقه ٤٥٥/۷ ط: مكتبه دار العلوم كراچى).

۲ـ ولا تجب بسماعه من الصدي (هو ما يجيبك مثل صوتك فـي الجبـال والصـحاري ونحوهمـا كما في الصحاح) والطير (الدر المختار ۵۸۳/۲ زكريا ديوبنـد) ولـو سـمعهامن الطـائر والصـدَي لاتجب لأنه محاكاة وليس بقراءة.(حلبي كبيري، ص٤٣١، مطبع: مجتبائي دهلي).

اینست که سجدهٔ تلاوت واجب نمی‌شود.[1] قول دوم اینست که سجدهٔ تلاوت از سماع هر تلاوتی واجب می‌شود که از شخص مکلف شنیده شود، خواه آن شخص بیدار باشد و یا خواب؛ لذا از شخصی که خواب باشد آیهٔ سجده شنیده شود، بر شنونده سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.[2]

۱ـ وكذا ما في الجوهرة حيث قال: ولو سمعها من نائم أو مغمى عليه أو مجنون، ففيه روايتان، أصحهما لا يجب اه... (رد المحتار ۵۸۲/۲ ط: زكريا ديوبند). (الجوهرة النيرة ۲۰۸/۱ مطبع دار الكتب العلمية بيروت) ولو سمعها من نائم لا، لأن التلاوة صدرت من غير معرفة، ولا تمييز، .. وفي الفتاوى إذا سمعها من النائم الأصح الوجوب أيضا، هذا مخالف لما في المحيط فلابد من التوفيق بينهما بأن يحمل على اختلاف الروايتين. (مجمع الأنهر ۲۳۲/۱ مطبع دار الكتب العلمية). (واختلف التصحيح في وجوبها) على السامع (بالسماع من نائم أو مجنون) ذكر شيخ الإسلام أنه لايجب لعدم صحة التلاوة بفقد التمييز وفي التاتارخانية سمعها من نائم قيل تجب والصحيح أنها لاتجب وفي الخانية الصحيح هو الوجوب وفي الخلاصة سمعها من طير لاتجب وهو المختار ومن نائم الصحيح أنها تجب ومثله قاضيخان. (مراقي الفلاح بإمداد الفتاح شرح نور الإيضاح .. ص۱۸۵ م دارالكتب العلمية بيروت).

۲ـ لما قال العلامة ابن نجيم رحمه الله: تلا آية السجدة وهو نائم فسمعه رجل تلزمه السجدة. (البحر الرائق۱۶۱/۱ باب سجود التلاوة). (خلاصة الفتاوى ۱۸۴/۱ الفصل السابع عشر فی وجوب السجدة التلاوة). (ومثله فی التاتارخانية ۷۷۳/۱) وفي الهنديه: ومن النائم الصحيح أنهاتجب.. (هنديه ۱۹۲/۱ زكريا). (فتاوى حقانيه ۳۴۲/۳) ولوسمع من النانم، قال شمس الأئمة الحلواني: تجب، وقيل: لا تجب؛ لأن السبب هو التلاوة عن تمييز، ولم يوجد. وفيهامشه: وفي فتاوى قاضي خان على هامش (الهندية۱۵۶/۱): وإن سمعها من نائم اختلفوا فيه، والصحيح هوالوجوب. انتهى. ومثله في البحر الرائق (۱۲۰/۲). (الفتاوى السراجية ص۹۲ دار الكتب العلمية).

حکم تلاوت آیهٔ سجده در حالت خواب:

اگر شخصی در حالت خواب آیهٔ سجده را بخواند و بعد از بیدار شدن برایش گفته شود که آیهٔ سجده را تلاوت کرده‌ای، بر وی سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود یا خیر؟ در این باره در فقه دو روایت است: نظر به یک روایت واجب است و به اعتبار روایت دیگر واجب نمی‌شود.[1] (به همین لحاظ احتیاطاً سجده کرده شود).

حکم خواندن و شنیدن آیهٔ سجده توسط حائضه، نفساء، کافر، نابالغ ومجنون:

برای واجب شدن سجدهٔ تلاوت اهلیت شرط می‌باشد (چنانچه قبلاً نیز ذکر شد)؛ لهذا اگر شخص نا اهل آیهٔ سجده را خواند و یاشنید، بر او سجدهٔ تلاوت واجب نمی‌شود، مثل: کافر، بچه و دختر نابالغ اگرچه مراهق باشند، دیوانه، زن حائضه یا نفساء.[2]

۱ـ على من كان أهلا لوجوب الصلاة أداء أو قضاء كالجنب والسكران والنائم أي إذا أخبرأنه قرأها في حالة النوم تجب عليه وهو الأصح. تاتارخانية. (الدرمع رد، ۵۸۱/۲ زكريا ديوبند) وفي الهنديه: النائم إذا أخبر أنه قرأ آية السجدة في حال النوم تجب عليه وفي النصاب هو الأصح كذا في التاتارخانية. (هنديه ۱۹۲/۱ زكريا) وإذا أخبر أنه قرأها في نومه تجب عليه وهو الأصح، وفي الدراية لا يلزمه هو الصحيح. (مراقي الفلاح بإمداد الفتاح شرح نورالإيضاح .. ص۱۸۵ م دارالكتب العلمية بيروت).

۲ـ (على من كان أهلا لوجوب الصلاة أداء أوقضاء)، (فلا تجب على كافر وصبي ومجنون وحائض ونفساء: قرؤوا أوسمعوا) لأنهم ليسوا أهلا لها (وتجب بتلاوتهم) يعني المذكورين (خلا المجنون المطبق) فلا تجب بتلاوته لعدم أهليته. ولو قصرجنونه فكان يوما وليلة أو أقل تلزمه: تلا أوسمع وإن أكثر لاتلزمه بل تلزم من سمعه..(الدرمع رد ۵۸۱/۲- ۵۸۲ زكريا ديوبند). (تقريرات

حکم شنیدن آیۀ سجده از کافر، بچه و دختر نابالغ، دیوانه، حائضه و نفساء:

اگر شخصی از شخص نا مکلف آیۀ سجده را شنید و تلاوت کننده مکلف نیست، در این صورت بر شنونده سجدۀ تلاوت واجب می‌شود، مثل: شخصی از کافر، دیوانه، بچه یا دختر نا بالغ مراهق و یا از زن حائضه یا نفساء آیۀ سجده را شنید، در این صورت سجدۀ تلاوت واجب می‌شود؛

رافعی، ١٠٥/١ ط: زكريا ديوبند؛ احسن الفتاوىٰ ٦٠/٤). وفي إمداد الفتاح: أن الحائض والنفساء لاتجب عليهما بسماعهما ولا بتلاوتهما لأن السجدة ركن الصلاة وليستا بأهل لها. (إمداد الفتاح، ص٥٠٠ ط: اتحاد ديوبند) وفي بدائع: حتى لاتجب على الكافر، والصبي، والمجنون والحائض، والنفساء، قرؤوا أوسمعوا لأن هؤلاء ليسوا من أهل وجوب الصلاة عليهم.(بدائع ٤٤٠/١ زكريا ديوبند). وفي العلائية في شرح قوله أداءا أوقضاء كالأصم إذا تلا والجنب والسكران والنائم وفي الشامية عن الفتح تحت قوله (خلا المجنون) لأن السبب سماع تلاوة صحيحة وصحتها بالتمييز ولم يوجد وهذا التعليل يفيد التفصيل في الصبي فليكن هو المعتبر إن كان مميزا وجب بالسماع منه وإلا فلا اه واستحسنه في الحلية. (رد المحتار ٥٨١/٢ زكريا). وفي الهنديه: والأصل في وجوب السجدة: أن كل من كان من أهل وجوب الصلاة إما أداء أو قضاء كان أهلا لوجوب سجدة التلاوة ومن لا فلا. كذا في الخلاصة حتى لوكان التالي كافرا أومجنونا أوصبيا أوحائضا أونفساء لم يلزمهم وكذا السامع كذا في الزاهدي. ولو سمع منهم مسلم عاقل بالغ تجب عليه لسماعه. (١٩٢/١ زكريا). وفي البحر: حتى لاتجب على كافر وصبي ومجنون وحائض ونفساء قرؤوا أوسمعوا، وتجب على المحدث والجنب، وكذا تجب على السامع بتلاوة أهليته إلا المجنون لعدم أهليته لانعدام التمييز كالسماع الصدى.كذا فی البدائع.(البحرالرائق ٢١١/٢، ط: دالكتب العلميه بيروت). ويجب السجود علي من سمع وإن لم يقصد السماع إلا الحائض (قوله: الحائض والنفساء: فلا تجب عليهما بتلاوتهما وسماعهما شيئا وتجب بالسماع منهما ومن الجنب وبسماعهما من كافروصبي مميز.١٢). (حاشيه نور الإيضاح ص١١٢ مكتبه رحمانيه لاهور).

البته اگر بچه یا دختر نابالغ غیرمراهق هم باشند، نزد بعضی از متأخرین در صورت شنیدن آیهٔ سجده ازآنها سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.[1]

جنون سه درجه دارد:

۱ـ سلسلهٔ جنون در بین یک شب و روز محدود باشد، در این صورت باتلاوت کردن آیهٔ سجده، بر خود تلاوت کننده و بر شنونده سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.

۱ـ وفي إمداد الفتاح: أن الحائض والنفساء لاتجب عليهما بسماعهما ولا بتلاوتهما لأن السجدة ركن الصلاة وليستا بأهل لها، وتجب بالسماع منهما... لأنهم منهيون عن القراءة لا محجورون كذا في التبيين .... وكذا تجب بسماعه من كافر وصغير مميز. (إمداد الفتاح، ص٥٠٠ ط: اتحاد ديوبند). وفي بدائع: وكذا تجب على السامع بتلاوة هؤلاء إلا المجنون لأن التلاوة منهم صحيحة كتلاوة المؤمن والبالغ وغير الحائض والمتطهر. (بدائع الصنائع ٤٤٠/١ زكريا ديوبند) وكذا إذا سمع من المجنون لأن ذلك ليس بتلاوة صحيحة لعدم أهليته لانعدام التمييز. (بدائع ٤٤٠/١ زكريا). وتجب على من سمعها من حائض أونفساء أوكافر أوصبي أومجنون. (غنية المتملي ص ٤٣١ مطبع مجتبائي دهلي). ويجب السجود على من سمع وإن لم يقصد السماع إلا الحائض (قوله: الحائض والنفساء: فلا تجب عليهما بتلاوتهما وسماعهما شيئا وتجب بالسماع منهما ومن الجنب وبسماعهما من كافر وصبي مميز.١٢). (حاشيه نور الإيضاح ص١١٢ مكتبه رحمانيه لاهور). وفي المبسوط: بخلاف المجنون إذاقرأها أوسمعها في حال جنونه لأنه غير مخاطب قالوا وهذا إذا طال جنونه فأما إذا قصر فكان يوما وليلة أو أقل ينبغي أن تلزمه السجدة استحسانا (المبسوط ١٣٣/٢دار الكتب العليمه). (جوابرالفقه ٤٥٤/٧-٤٥٥ ط: مكتب دارالعلوم كراچی، احسن الفتاوی۶۰/۴). (على من كان أهلا لوجوب الصلاة أداء أوقضاء). (فلا تجب على كافر وصبي ومجنون وحائض ونفساء: قرؤوا أوسمعوا) لأنهم ليسوا أهلا لها (وتجب بتلاوتهم)يعني المذكورين (خلا المجنون المطبق) فلاتجب بتلاوته لعدم أهليته. ولو قصرجنونه فكان يوما وليلة أو أقل تلزمه: تلا أو سمع وإن أكثر لاتلزمه بل تلزم من سمعه.. (الدرمع رد ٥٨١/٢-٥٨٢ زكريا ديوبند).

۲ـ اگر سلسلهٔ جنون بیشتر از یک شب و روز دوام یابد؛ لیکن بعدًا افاقه نیز شود، در این صورت بر تلاوت کننده سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود، لیکن بر شنونده سجدهٔ تلاوت واجب نمی‌شود.

۳ـ اگر سلسلهٔ جنون استمراری است که هیچ افاقه نمی‌شود، در این صورت بر تلاوت کننده و شنونده واجب نمی‌شود. (کتاب المسائل ۵۳۷/۱).

حکم خواندن و یا شنیدن آیهٔ سجده برای شخص جنب:

بر شخصی غسل فرض شده بود، و او در حالت ناپاکی آیهٔ سجده را تلاوت کرد و یا شنید، بر او سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود، باید بعد از پاک شدن سجدهٔ تلاوت را ادا کند.[1]

خواندن آیهٔ سجده در حالت نشه:

اگر شخصی شراب و یا چیز ناجایز دیگری استعمال کرد و بسبب آن نشه شد، و در همان حالت آیهٔ سجده را تلاوت کرد، بر او سجدهٔ تلاوت واجب

۱ـ علی من کان أهلا لوجوب الصلاة أداء أو قضاء) کالجنب... (تنویر مع الدر ۵۸۱/۲ زکریا دیوبند) ولوقرأ المحدث أو الجنب أو سمعها تجب علیهما. (هندیه ۱۹۲/۱ زکریا دیوبند) وفي البحر: وتجب علی المحدث والجنب، (البحر الرائق ۲۱۱/۲، ط: دالکتب العلمیه بیروت). وفي إمداد الفتاح: وتجب علی الجنب لأنهم منهیون عن القراءة لامحجورون. (إمداد الفتاح، ص۵۰۰ ط: اتحاد دیوبند). وفي بدائع: وتجب علی المحدث والجنب لأنهما من أهل وجوب الصلاة علیهما. (بدائع ٤٤٠/۱ زکریا دیوبند) وفي المبسوط السرخسي: والجنب إذاسمع آیة السجدة کان علیه أن یسجدها بعد الاغتسال. (المبسوط للسرخسي ۱۳۲/۲ ط: دار الکتب العلمیه).

است.[1] لیکن اگر به سبب استعمال چیز جایز اتفاقاً حالت نشه‌گی پیدا شد، یا در حالت مجبوری و اضطرار به سبب استعمال شیء نشه آور بی‌هوشی طاری شد، در این حالت‌ها با تلاوت آیهٔ سجده بر او سجده واجب نمی‌شود.[2]

حکم مریضی که قدرت سجده را ندارد:

اگر شخصی در حالت مریضی آیهٔ سجده را بشنود و یا بخواند، و استطاعت سجده کردن را نداشته باشد، در این صورت قسمی که سجدهٔ نماز را با اشاره ادا می‌کند، همچنان سجدهٔ تلاوت را نیز با اشاره انجام بدهد.[3]

۱ـ علی من کان أهلا لوجوب الصلاة أداء أو قضاء) کالجنب والسکران لأنه اعتبرعقله قائماحکما زجرا له ولهذا تلزمه العبادات کما في المحیط وفي الهندیه: ولو قرأها سکران تجب علیه وعلی من سمعها کذا في محیط السرخسي. (هندیه ۱۹۲/۱زکریا دیوبند). وفي المبسوط للسرخسي: ولو أن سکرانا قرأسجدة أوسمعها فعلیه أن یسجدها لأن السکران مخاطب تلزمه الصلاة بادراك الوقت فکذلك تلزمه السجدة. (المبسوط للسرخسي ۱۳۳/۲ دار الکتب العلمیه).

۲ـ ومفاده أنه لوسکر من مباح کما لو أساغ به لقمة أو أکره علیه لم تجب علیه إذا تلاها أو سمعها إذا کان بحال لایمیزمایقول ومایسمع حتی أنه لایتذکره بعد الصحو. حلیة. (الدر مع رد ۵۸۱/۲ زکریا).

۳ـ ورکنها السجود أو بدله کرکوع مصل وإیماء مریض وراکب. (شامي۵۸۰/۲ زکریا دیوبند) ورکنها وضع الجبهة علی الأرض أو ما یقوم مقامه من الرکوع أوالإیماء للمرض أوالرکوب علی الدابة في السفر. (الهندیه ۱۴۹/۱ ط: دار الکتب العلمیة بیروت. ص۱۹۵ زکریا).

حکم تکمیل آیهٔ سجده توسط چندین شخص:

شخصی یک کلمهٔ آیهٔ سجده را از یک شخص شنید، کلمه دوم را از شخص دیگری شنید، کلمه سوم را از شخص سوم شنید، به این ترتیب آیهٔ سجده را از چند نفر شنید و آیهٔ سجده را مکمل کرد، در این صورت بر تلاوت کننده هم سجده واجب نمی‌شود و بر شنونده نیز واجب نمی‌شود؛ زیرا که برای واجب شدن سجده، خواندن مکمل یا اکثر آیهٔ سجده باکلمهٔ سجده ضروری است که فقط یک شخص تلاوت کند.[1]

صورت‌های تکرار وجوب سجدهٔ تلاوت:

برای تعدد وجوب سجدهٔ تلاوت، موجودیت یکی از سه سبب ذیل ضروری است:

۱ـ متفاوت بودن آیات سجده: یعنی اگر در یک مجلس آیات متعدد سجده، تلاوت شود، برای هر آیهٔ جدا جدا سجده واجب می‌شود، چون نباید گفت که یک مجلس است، لذا فقط یک سجده واجب می‌شود، زیرا که هر آیهٔ سجده، جداگانه سبب وجوب سجده است.

۱ـ ولو سمع آية سجدة من قوم من كل واحد منهم حرفا لم يسجد لأنه لم يسمعها من تال خانية. فقد أفاد أن اتحاد التالي شرط. (الدر المختار ۵۹۶/۲ زكريا ديوبند)، ونص في الإمداد في باب سجود التلاوة عن التجنيس والخانية أنه لايجب به السجود، ولايجزئ عن القراءة في الصلاة، لأنه لم يقرأ القرآن ولايفسد لأنه الحروف التي في القرآن اه. وظاهر الرسم المذكور أن المراد قراءة مسميات الحروف لا أسماؤها، مثل سين باء حاء ألف نون، وهل حكمها كذلك؟لم أره. وفي التنوير أو سمع آية سجدة من كل واحد حرفا لم يسجد فبهذا علم إن اتحاد التالي شرط. (مجمع الأنهر:۲۳۷/۱).

۲ـ شنیدن آیات متعدد در یک مجلس: یعنی اگر شخصی در یک مجلس نشسته از اشخاص دیگر آیهٔهای دیگری را بشنود، بر هر آیـهٔ سـجده، سـجدهٔ جداگانه واجب می‌شود.

۳ـ تبدیل شدن مجلس تلاوت کننده یا شنونده: یعنی یک آیهٔ سجده را در یک مجلس تلاوت کرد و یا شنید، سـپس مجلـس راتبـدیل کـرد، بعـد از آن اگرچه همان آیهٔ قبلی را تکرار کرد، دوباره سجده واجب می‌شـود، و تبـدیلی مجلس دونوع است:

الف: حقیقی: مثلاً از یک جای برخاسته دو، سه، چهار قدم گشـتن یـا از مسجد یا اطاق بیرون شدن.

ب: حکمی: مثلا در یک مجلس نشسته در چنان کاری مشغول شدن کـه در عرف علیحده پنداشته می‌شود، مثـل: مصـروف تـلاوت بـود کـه در بـین تلاوت، دسترخوان را هموار کرده به صرف غذا مصروف شـد، وغیـره.. پـس اگر بعد از این افعال دوباره همان آیه را تلاوت کند، در این صورت نیز بطـور مکرر سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.[1]

۱ـ ولوكررها في مجلسين تكررت (درمختار) الأصل أنه لايتكرر الوجوب إلا بأحد الأمور الثلاثة: اختلاف التلاوة أوالسماع أوالمجلس، أما الأولان: فالمراد بهما اختلاف المتلو والمسـموع، حتـى لو تلا سجدات القرآن كلها أو سمعها في مجلس أو مجالس وجبت كلها أما الأخير فهـو قسـمان: حقيقي بالانتقال منه إلى آخر بأكثر من خطوتين الخ...وحكمـي، وذلـك بماشـرة عمـل يعـد فـي العرف قطعا لما قبله، كما لو تلا ثم أكـل كثيـرا أونـام الـخ...(رد المحتـار ۲/۵۹۰-۵۹۱ زكريـاد يوبند). (كتاب المسائل ۱/۵٤۲-۵٤۳). وفي حلبي كبيري: واعلـم أن كـلا مـن تبـدل المجلـس واتحاده حقيقي وحكمي، فالتبدل الحقيقي كان ينتقل من مكان الأول فـي نحـو الصـحراء بثلـث خطوات أوأكثر، والتبدل الحكمي كان يشرع في عمل آخر بأن أكل ثـلاث لقمـات أوشـرب ثلـث جرعات أوتكلم ثلث كلمات من غيرأن يقـوم مـن مكانـه والاتحـاد الحقيقـي ظـاهر، والحكمـي

در حین تکرار آیهٔ سجده مجلس سامع تبدیل شد:

جای تلاوت کننده تبدیل نشد، در یک جا نشسته یک آیهٔ را بار بار تلاوت کرد، لیکن شنونده جای خود را تبدیل بکند، بار اول در یک جای شنیده بود، و بار دوم در مکان دیگری، و بار سوم در مکان دیگری، در این صورت بالای تلاوت کننده یک سجده واجب می‌شود، و بالای شنونده چندین سجده واجب می‌شود، چندباری که شنیده است به همان تعداد سجده بکند.[1] (اختری بهشتی زیور، حصه دوم، صفحه٤٥).

هوالكائن بين أجزاء مايطلق عليه مكان واحد عرف كالمسجد والبيت والحانوت وكذا مشي أقل من ثلث خطوات في نحو الصحراء إذا عرفت هذا فإن وجد الاتحاد عند تكرار آية السجدة حقيقة وحكما أوحكما وجد التداخل وكفت سجدة واحدة وإلا فلا، فمن ثم قالوا لو مشى خطوة أوخطوتين أوآكل لقمة أولقمتين أوشرب جرعة أوجرعتين أوانتقل من زاوية البيت أوالمسجد إلى زاوية أخرى أو رد سلاما أوشمت عاطسا ثم كررها كفته سجدة واحدة بخلاف تسدية الثوب والدياسة... (حلبي كبيري ص٤٣٤ مطبع مجتبائي دهلي/ دارالكتاب ديوبند). (كتاب المسائل ۵۴۲/۱-۵۴۳).

۱ـ ولوتبدل مجلس السامع دون التالي يتكرر الوجوب عليه. ولو تبدل مجلس التالي دون السامع يتكرر الوجوب عليه لا على السامع على قول أكثر المشائخ وبه نأخذ كذا في العتابية. (هنديه ١٩٤/١ زكريا ديوبند) وكذلك إذا كان التالي على مكانه ذلك والسامع يذهب، ويجيئ ويسمع تلك الآية سجد السامع لكل مرة سجدة، وليس على التالي إلا سجدة واحدة لتجدد السبب في حق السامع دون التالي على مامر. (بدائع ٤٣٢/١ ط: زكريا). وفي ملتقى ومجمع..: (ولو تبدل مجلس السامع دون الإمام تكرر الوجوب عليه أي السامع وإن اتحد مجلس التالي) بإتفاق المشائخ، لأن السبب في حقه السماع على ما قيل، ومجلسه متعدد.(مجمع الأنهر ٢٣٥/١-٢٣٦). وفي غنية المتملي: ولو تبدل مجلس السامع دون التالي تكرر الوجوب على السامع إجماعا. (ص٤٣٤ مجتبائي دهلي). (اختری بہشتی زیور، دوسرا حصہ صفحہ٤٥).

درحین تکرار آیهٔ سجده جای تلاوت کننده بار بار تبدیل شد:

جای شنونده تبدیل نشد؛ بلکه تلاوت کننده جای خود را تبدیل کرد، در صورت تکرار آیهٔ سجده بر تلاوت کننده چندین سجده واجب می‌شود و بر شنونده فقط یک سجده واجب می‌شود.[۱]

در یک جای نشسته چندین آیهٔ سجده را تلاوت کردن:

اگر در یک جایی نشسته چندین آیهٔ سجده را تلاوت کند، پس چند آیه‌ای که تلاوت کرده به همان تعداد سجده کردن واجب است.[۲]

۱ـ ولو تبدل مجلس التالي دون السامع يتكرر الوجوب عليه لا على السامع على قول أكثر المشائخ وبه نأخذ كذا في العتابية. (هنديه ۱۹٤/۱ زكريا ديوبند) وفي حلبي كبيري: وكذا الحكم في تبدل المجلس عند اتحاد الآية تجب لكل تلاوة سجدة لأن التداخل في السبب. (حلبي كبيري ص۴۳۳ مطبع مجتبائي دهلي/دار الكتاب ديوبند). ولوتبدل مجلس التالي دون السامع تكرر على السامع أيضا عند البعض لأن التلاوة هي السبب في حقه أيضا لكن بشرط السماع وعند البعض لايتكرر لأن السبب في حقه السماع وصحح في الكافي الأول وفي الهداية وفتاوى قاضي خان الثاني قال في الينابيع وعليه الفتوى قال الفقيه (ونسخة أخرى الفقير) أبوالليث وبه نأخذ.. (ص٤٣٤ مطبع مجتبائي دهلي/دار الكتاب ديوبند). وفي مجمع وسكب الأنهر: (وإن تبدل مجلس التالي واتحد مجلسه) أي السامع (لا) يتكرر الوجوب على السامع على الأصح، وفي السراجية، وعليه الفتوى، لكن هذا عليّ أن السبب في حق السامع هو السماع لا التلاوة.(مجمع مع سكب:۲۳٦/۱). وفي بدائع: ولوتلاها في موضع ومعه رجل يسمعها، ثم ذهب التالي عنه، ثم انصرف إليه فأعادها والسامع على مكانه سجد التالي لكل مرة لتجدد السبب في حقه وهو التلاوة عند اختلاف المجلس.(بدائع ٤۳۲/۱ ط: زكريا). (اختری بہشتی زیور، دوسراحصہ صفحہ٤٥).

۲ـ فالمراد بهما اختلاف المتلو والمسموع، حتى لو تلا سجدات القرآن كلها أوسمعها في مجلس أو مجالس وجبت كلها. (رد المحتار۵۹۰/۲).

یک آیهٔ سجده را از چند نفر شنید و خودش نیز خواند حکمش چیست؟

اگر یک آیهٔ سجده را در یک مجلس از چندین شخص شنید و خودش نیز تلاوت کرد، در این صورت یک سجده کفایت می‌کند.[1]

آیا مکان سجده با نشست و برخاست تبدیل می‌شود؟

شخصی در یک جا نشسته یک آیهٔ سجده را تلاوت کرد، سپس از جایش برخاست ولیکن قدم نزد، در مکانی که نشسته بود، در همانجا ایستاده همان آیهٔ را تکرار کرد، یا ایستاد و دوباره نشست، و سپس همان آیهٔ سجده را تلاوت کرد، در این صورت فقط یک سجده واجب می‌شود.[2]

۱ـ وفي البزازية: سمعها من آخر ومن آخر أيضا وقرأها كفت سجدة واحدة في الأصح لاتحاد الآية والمكان. (رد المحتار۲/۵۹۱ زكريا ديوبند).

۲ـ بخلاف زوايا مسجد... وفعل قليل كأكل لقمتين وقيام (في محله) ورد سلام. (الدر المختار ۵۹٤/۲ زكريا). وفي مجمع الأنهر: ثم المجلس لا يختلف بمجرد القيام، ولا بخطوة أو خطوتين، ولا بالإنتقال من زاوية إلى زاوية، إلا أن يكون كبيرا، كالمسجد الحرام.(مجمع الأنهر۱/۲۳۵). وفي بدائع: وإن قرأها وهو جالس ثم قام فقرأها وهو قائم إلا أنه في مكانه ذلك يكفيه سجدة واحدة لأن المجلس لم يتبدل حقيقة وحكما، أما الحقيقة فلأنه لم يبرح مكانه، وأما الحكم فلأنه الموجود قيام وهو عمل قليل كأكل لقمة أو شرب شربة. وكذلك لو قرأها وهو قائم فقعد ثم أعادها يكفيه سجدة واحدة لما قلنا. (بدائع۱/٤۳۵ زكريا).

حکم تکرار آیهٔ سجده در مکان قبلی:

در یک جا آیهٔ سجده را تلاوت کرد و ایستاد و بخاطر انجام کاری رفت، و سپس برگشت دوباره در همان مکان همان آیه را تلاوت کرد، در این صورت دو سجده واجب می‌شود.[۱]

آیا تنها بسبب ترجمه آیهٔ سجده، سجدهٔ تلاوت نیز لازم می‌شود؟

برای شخصی که آیهٔ سجده را ترجمه لفظی بکند سجده واجب است، و بر شنونده نیز واجب می‌شود، به شرطی که به او معلوم باشد که ترجمهٔ قرآن است و مطلب آن را نیز بفهمد. این حکم در صورتی است که آیهٔ سجده لفظ به لفظ ترجمه شود، اگر به‌جای ترجمه تفسیر شود، در این صورت بر هر دو یعنی گوینده و شنونده سجده واجب نیست.[۲]

۱ـ ولو تلاها في مكان، وذهب عنه ثم انصرف إليه فأعادها فعليه أخرى؛ لأنها عند اختلاف المجلس حصلت بحق التلاوة؛ فتجدد السبب. (بدائع الصنايع ۱ /۷۳۳ ط: دار الكتب العلميه) وفي مجمع الأنهر: (وإن بدلها) أي آية السجدة (أو المجلس لا) أي لا تكفيه سجدة واحدة. (مجمع الأنهر ۱/۲۳۵).

۲ـ (ولو) تلاها (بالفارسية) المراد بها غير العربية فتجب على السامع إذا أخبربها اتفاقا فهم، أو لم يفهم لكونها قرآنا من وجه. (حاشية الطحطاوى على مراقى الفلاح، ص۴۸۰ ط: المكتبة الفخرية ديوبند). (أحسن الفتاوى٤/٦٢) وفي بدائع: ويستوي الجواب في حق التالي بين ما إذا تلا السجدة بالعربية أوبالفارسية في قول أبي حنيفةﷺ حتى قال أبوحنيفة: يلزمه بالإجماع فهم أو لم يفهم؛ لأن السبب قد وجد فيثبت حكمه ولا يقف على العلم اعتبارا بسائر الأسباب، وإن سمعها ممن يقرأ بالفارسية فكذلك عند أبي حنيفة؛ بناء على أصله: أن القراءة بالفارسية جائزة. وقال أبويوسف في الأمالي (وعندهما) إن كان السامع يعلم أنه يقرأ القرآن فعليه السجدة وإلا فلا (هذا ليس بسديد؛ لأنه إن جعل الفارسية قرآناينبغي أن يجب سواء فهم أولم يفهم كما لوسمعها ممن يقرأ بالعربية، وإن لم يجعله قرآنا ينبغي أن لا يجب وإن فهم). (بدائع الصنايع ۱/۷۳۰ دار الكتب

حکم خواندن ترجمه بعد از تلاوت آیهٔ سجده:

یک شخص آیهٔ سجده را خوانده بعد از آن ترجمهٔ همـان آیـه را بخوانـد، فقط یک سجده لازم می‌شود.[1]

حکم تلاوت آیهٔ سجده در مجالس خواص:

اگر در محفل قرائت فقط اجتماع خواص باشد و این هم معلوم باشد کـه اینها همه با وضو اند و یا با اهتمـام سـجدهٔ تـلاوت را ادا مـی‌کننـد، در ایـن صورت، سوره‌ای که در آن آیهٔ سجده باشـد تـلاوت کـرده مـی‌توانـد، وگرنـه بهتراست آن سوره خوانده نشود.[2]

العلمية). وفي حلبي كبيري: ولو تليت بالفارسية تلزم على من سمعها ولم يفهمها إذا أخبربها عند أبي حنيفة رحمه الله خلافا لهما. (ص٤٣٢ مجتبائي). و لوبالفارسية إذا أخبـر(در مختـار) وعنـدهما إن علم السامع أنه يقرأ القرآن لزمته وإلا فلا. (بحر) وفي الفيض: وبه يفتى. وفي النهر: عـن السـراج أن الإمام رجع إلى قولهما وعليه الاعتماد، اه. والمراد من قوله: إن علم السامع، أن يفهم معنى الآية كمافي شرح المجمع حيث قال: وجبت عليه سواء فهـم معنـى الآيـة أولاعنـده. وقـالا: إن فهمهـا وجبت، وإلا فلا، لأنه إذا فهم كان سـامعا للقـرآن مـن وجـه دون وجـه اه. ملخصـا (رد المحتـار ٥٧٧/٢؛ تقريرات رافعـي ١٠٥/١ زكريـا ديوبنـد). وفـي المبسـوط للسرخسـي: ولـو قرأهـا رجـل بالفارسية وسمعها قوم لايفقهون الفارسية وهم في غير الصلاة فعليه وعليهم أن يسـجدوها وهـذا قياس قول أبي حنيفة رحمه الله. (المبسوط للسرخسي ١٣٣/٢ بيروت).

١ـ فتاویٰ دارالعلوم ديوبند مدلل ومكمل ٢٩٦/٤ بحواله رد المختار ج ٢).

٢ـ القارئ إذا كان عنده قوم إن كان متأهبين للسجود ويقع في قلبه أنه لايشق علـيهم أداء السـجدة ينبغي أن يقرأ جهرا. (هنديه١٩٥/١ زكريا ديوبنـد) ولـو قـرأ آيـة السـجدة وعنـده نـاس فـإن كـانوا متوضئين كتأهبين للسجدة قرأها جهرا وإن كانوا غيرمتـأهبين ينبغـي أن يخفـض قراءتهـا لأنـه لـو جهربها لصار موجبا عليهم شيئا ربما يتكاسلون عن أدائه فيقعـون فـي المعصـية. اه (بحـر الرائـق ٢٢٥/٢ ط: دار الكتب العلميه بيروت) وفي حلبي كبيري: ويستحب التالي اخفاؤها إذا لـم يكـن

حکم ادای سجده‌های تلاوت پس از ختم کل قرآن کریم:

اگر خارج از نماز تمام قرآن کریم با ترتیب تـلاوت شـود، اداکـردن تمـام سجده‌ها بعد از تکمیل قرآن کریم نیز جایز است؛ البته بهتر اینست کـه بعـد از خواندن آیه فورًا سجده کند. و اگر آیۀ سجده در نماز خوانده شود، در ایـن صورت تأخیر کردن درست نیست.[۱]

اگر بر شخصی سجده‌های متعـددی واجـب باشـد ولـی تعـدادش معلوم نباشد، چگونه سجدۀ تلاوت را بجا آورد؟

شخصی در جریان سـال منـزل‌هـای قـرآن کـریم را تـلاوت کـرد؛ لکـن سجده‌های تلاوت را ادا نکرد، یا تمام سال قرآن را گوش می‌داد، ولی سـجدۀ تلاوت را ادا نمی‌کـرد، در ایـن صـورت حـدس زده سـجده‌هـای تـلاوت را اداکند. روزانه تعداد ممکنۀ سجده‌ها را بجا بیاورد.[۲] (فتاویٰ دار العلوم دیوبند مکمل و مدلل ٣٠١/٤ بحواله رد المحتار ج ٢).

السامع متهيأ للسجود وإن كان متهيأ يستحب جهرهـا. (ص٤٣٢ مـط: مجتبـائي دهلـي). (خيـر الفتاوىٰ ٢/٦٦٠).

١ـ فلو قرأ آيات السجدة التي في القرآن كلها في مجلس واحد يلزمه أربعة عشر سجدة .. (حلبـي كبيري، ص٤٣٣) وهي على التراخي على المختار ويكره تأخيرها تنزيها الخ إن لم تكن صـلوية. (الدر مع رد ٥٨٣/٢ زكريا ديوبند) وفي مراقي الفلاح: وصفتها: الوجوب على الفور فـي الصـلاة، وعلى التراخي إن كانت غيـر صـلاتية. (مراقـي الفـلاح بامـداد الفتـاح، ص:١٨٣ ط: دار الكتـب العلم). (فتاوى دارالعلوم ديوبند مدلل ومكمل ٢٩٩/٤ بحواله رد المحتار).

٢ـ وهي على التراخي على المختار ويكره تاخيرها تنزيها إلخ إن لم تكن صلوية... حتى لو أداهـا بعد مدة كان مؤديا اتفاقا لا قاضيا الخ لو تراخي كان أداء مـع أن المـرجح أنـه علـى الفـور ويـأثم بتأخيره. (الدر مع رد المحتار ٥٨٣/٢ زكريا ديوبند). وفي غنية المتملي: ولاتجب على الفور حتى

(در فتاوی دار العلوم دیوبند در باره بیان مسئله فوق لفظ «به نیت قضا» آمده است؛ باید دانست که این تسامح است؛ زیرا که مثل فریضه حج، سجدۀ تلاوت نیز مقید بالوقت نیست، هرگاه که ادا شود، ادا محسوب می‌گردد نه قضا، «إذا أداه كان مؤديا اتفاقاً لا قاضياً» كذا فی رد المحتار عن النهر ۱۲ محمد نعمان سیتاپوری غفرله).

آیا تلاوت کننده از جانب شنونده سجدۀ تلاوت را ادا کرده می‌تواند؟

سجدۀ تلاوت خاصتاً یک عبادت بدنی است، در این عبادت نیابت اعتبار ندارد؛ لهذا اگر شنونده‌ها سجدۀ تلاوت نکنند، تلاوت کننده از جانب آنها به طور نائب و قائم مقام ادا کرده نمی‌تواند، فقط سجدۀ خود را می‌تواند ادا کند.[1]

لو سجد لها بعد سنة أو أكثر تقع أداء لا قضاء لعدم التقييد بالوقت ويشترط نية السجود للتلاوة لا التعيين حتى لوكان عليه سجدات متعددة فعليه أن يسجد عددها وليس عليه أن يعين أن هذه السجدة لآية كذا وهذه لآية كذا. (ص٤٣٢ مطبع مجتبائي دهلي/ درسعادت ص٥٠١).

۱ـ وهي عبادة بدنية محضة، فلا نيابة فيها أصلا.(كتاب الصلاة تنوير الأبصار ٩/٢) أن الصلاة عبادة بدنية لا تعلق لها بالمال وتجب بدونه، فلا تجزئ فيها النيابة. (الفتاوي الهندية ١٠٨/٧ مطبع دار الفكر بيروت). وفي الهداية: والسجدة واجبة في هذه المواضع على التالي والسامع سواء قصد سماع القرآن أولم يقصد لقوله ﷺ: «السجدة على من سمعها وعلى من تلاها» وهي كلمة إيجاب وهو غير مقيد بالقصد. (الهداية ١٧١/١ ط: رحمانيه) وفي البدائع: فسبب وجوبها أحد شيئين: التلاوة أو السماع كل واحد منهما على حاله موجب فيجب على التالي الأصم والسامع الذي لم يتل(بدائع الصنائع ٧٣٠/١ ط: دار الكتب العلميه) وفي الدر: فالسبب التلاوة وإن لم يوجد السماع كتلاوة الأصم والسماع شرط في حق غير التالي. (الدر المختار ٥٧٧/٢

آیۀ سجده را به طور سری در دل بخواند چه حکم دارد؟

برای وجوب سجدۀ تلاوت، خواندن آیۀ سجده بازبان ضروری است؛ لهذا اگر کسی فقط در دل آیۀ سجده را بخواند، سجدۀ تلاوت واجب نمی‌شود.[۱]

حکم نوشتن آیۀ سجده با قلم یا کمپیوتر:

اگر شخصی با قلم یاکمپیوتر وغیره آیۀ سجده را تحریر کند و با زبان نخواند در این صورت سجدۀ تلاوت واجب نمی‌شود.[۲]

حکم خواندن آیۀ سجده به طور هجا:

اگر کلمات آیۀ سجده مرکب خوانده نشود؛ بلکه هر حرفِ هر کلمه جداگانه خوانده شود، چونکه این تلاوت قرآن کریم نیست؛ به همین لحاظ سجدۀ تلاوت واجب نمی‌شود، نه بر خواننده و نه بر شنونده.[۱]

زکریا دیوبند). وفي مجمع الأنهر: يجب على من تلا وعلى من سمع ولو غير قاصد وعلى المؤتم بتلاوة إمامه. (مجمع الأنهر ۱۲۳/۱). (فتاویٰ دارالعلوم دیوبند مکمل و مدلل ۳۰۱/٤).

۱ـ وكذا لا تجب بالكتابة أو النظر من غير تلفظ لأنه لم يقرأ ولم يسمع. (حلبي كبيري ص٤٣١ مجتبائي دهلي) وقال في الدر المختار بسبب تلاوة... احترز عما لو كتبها أو تهجاها فلا سجود عليه. (فتاویٰ دارالعلوم دیوبند مدلل ومکمل ٢٩٨/٤ بحواله رد المحتار ٥٧٥/٢ زکریا دیوبند).

۲ـ قال في الدر المختار بسبب تلاوة ... احترز عما لو كتبها أو تهجاها فلا سجود عليه. ولاتجب بالكتابة. (رد المحتار ٥٧٥/٢-٥٨٣ زکریا دیوبند). وكذا لاتجب بالكتابة. (حلبي كبيري ص٤٣١ مطبع مجتبائي دهلي).

چه مقدار آیهٔ سجده، سبب وجوب سجدهٔ تلاوت می‌شود؟

برای وجوب سجدهٔ تلاوت طبق قول صحیح و مُفتٰی به، خواندن مکمل یا اکثر آیهٔ سجده ضروری نیست؛ بلکه همراه حرف سجده خواند یک کلمه قبل و یا بعد از آن کافی است، و مطلب حرف سجده کلمه‌ای است که در آن سجده ذکر باشد، مثل: سوره رعد، در آیهٔ: ۱۵ لفظ ﴿يَسْجُدُ﴾. و بطور عام در قرآن کریم بالای حرف سجده همرای خط درشت خاطر نشان می‌باشد. در «السراج الوهاج» و «الجوهرة النيرة» وغیره همین قول صحیح قرار داده شده است، و صاحب «نور الایضاح»[2] نیز همین قول را با جزم و یقین ذکر فرموده است، و حضرت مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله نیز در «امداد الفتاوی» همین قول را اصح قرار داده اند.[3]

۱ـ بسبب تلاوة احترز عما لو كتبها أوتهجاها فلا سجود عليه... ولا تجب بالتهجي أشباه (رد المحتار ۲/۵۷۵ ـ۵۸۳ زكريا) ولو تهجى بها لاتجب عليه ولا على من سمعه لأنه تعداد الحروف وليس بقراءة، وكذا لاتجزئ به في جواز الصلاة. (حلبي كبيري ص۴۳۱، مطبع مجتبائي دهلي).

۲ـ وقراءة حرف السجدة مع كلمة قبله أوبعده من آيتها كالآية فى الصحيح. (نور الإيضاح ص۱۱۲ مكتبه رحمانيه لاهور) وفي الجوهرة: وهل تجب السجدة بشرط قراءة جميع الآية أم بعضها، الصحيح أنه إذا قرأ حرف السجدة وقبله كلمة وبعده كلمة وجب السجود وإلا فلا، وقيل لايجب إلا أن يقرأ أكثرآية السجدة، ولو قرأ آية السجدة كلها إلا الحرف الذي في آخرها لايجب عليه السجود. (ص۱۴۱ الجوهرة..أبوبكربن علي) قوله: مع حرف السجدة: المراد بالحرف: الكلمة التي فيها حروف السجدة فلو تلا أكثرمن غير كلمة السجدة لاتحب. (حاشية الطحطاوي على الدر۲/۵۴۰ ط: دار الكتب العلمية بيروت).

۳ـ امداد الفتاوی جدید مطول حاشیه ۲/۴۷۹).

حکم آیه‌ای که پس از آیهٔ سجده، کلمهٔ سجده نوشته شده است:

اگر شخصی حرف سجده و یک کلمهٔ قبل یا بعدش را خوانده سجده نماید، سپس آیهٔ را مکمل کند، طبق قول مفتی به سجدهٔ تلاوت ادا می‌شود؛ البته بهتر اینست که بعد از مکمل شدن مضمون سجده، سجده شود تا که با یقینِ کامل سجدهٔ تلاوت ادا شود؛ زیرا که نزد بعضی از علما در وجوب سجده مضمون سجده در نظر گرفته می‌شود. و در عموم نسخه‌های قرآن کریم در جاهایی که مضمون سجده تکمیل می‌شود، نشانی هم گذاشته می‌شود و در ابتدای کتاب جاهای سجده خاطر نشان شده است.[۱]

حکم خواندن کلمات سجده در ضمن اشعار و غیره:

اگر شخصی در وعظ و نصیحت یا در گفتگوی عمومی وغیره چنان شعری را خواند، که در آن قسمتی از آیهٔ سجده همرای حرف سجده موجود بود، در این صورت بر هر دو یعنی خواننده و شنونده سجده واجب می‌شود.[۲] مثل اینکه بگوید: واسجد واقترب یزدان ما/ قوت جان شد سجدهٔ ابدان ما. (امداد الفتاوی جدید مطول حاشیه ۲/٤٧٩).

۱ـ والظاهر: أن هذا الاختلاف مبني على أن السبب تلاوة آية تامة كما هو ظاهر إطلاق المتون، وأن المراد بالآية مايشمل الآية والآيتين إذاكانت الثانية متعلقة بالآية التي ذكر فيها حرف السجدة... وأنه لايجب السجود في سورة حم السجدة إلا عند انتهاء الآية الثانية إحتياطا، كما صرح به في الهداية وغيرها، لأن الوجوب لايكون إلا بعد وجود سببه، فلو سجدها بعد الآية الأولى لايكفي لأنه يكون قبل سببه ... (رد المحتار ٢/٥٧٦ زكريا ديوبند).

۲ـ والصحيح أنه إذا قرأ حرف السجدة وقبله كلمة أوبعده كلمة وجب السجود، وإلا فلا. (رد المحتار ٢/٥٧٥ زكريا ديوبند) وقراءة حرف السجدة مع كلمة قبله أوبعده من آيتها كالآية في الصحيح. (نور الإيضاح ص١١٢ مكتبه رحمانيه لاهور) وفي الجوهرة: وهل تجب السجدة بشرط

حکم سجدۀ تلاوت در نماز:

در نماز اگر امام یا منفرد آیۀ سجده را خواند، باید فی الفور سجده کند؛ البته اگر دو سه آیه را تلاوت کرده سجده کند باز هم گنجایش دارد. اگر بیشتر از این تأخیر کند اگرچه سجده ادا می‌شود؛ لیکن گناه می‌شود، و سجده سهو نیز واجب می‌شود؛ البته اگر ختم سوره باشد، مثل: سجدۀ سوره بنی اسرائیل و سوره انشقاق، در این دو آیۀ سجده بیشتر از سه آیه یعنی تاختم سوره، تأخیر نیز گنجایش دارد.[1]

قراءة جميع الآية أم بعضها، الصحيح أنه إذا قرأ حرف السجدة وقبله كلمة وبعده كلمة وجب السجود وإلا فلا.(ص١٤١ الجوهرة.. أبوبكر بن علي).

١ـ فإن كانت صلوتية فعلى الفور، ثم تفسير الفور: عدم طول المدة بين التلاوة والسجدة بقراءة أكثرمن آيتين أوثلاث على ماسيأتي.. ويأثم بتأخيرها لأنها وجبت بما هو من أفعال الصلاة.. ويقضيها مادام في حرمة الصلاة ولو بعد السلام. فتح (الدر مع رد المحتار ٥٨٤/٢ زكريا) وفي مجمع الأنهر: أن وجوب السجدة في الصلاة على الفور لأنه لا يجوز أن تقضي فأساء بتركها... وأما إن قرأ بعدها آيتين، أو ثلاث آيات ثم ركع وسجد الصلاة جاز وسقطت سجدة التلاوة عنه، لأن هذا القدر لا يقطع الفور. (مجمع الأنهر ٢٣٤/١ مكتبه فقيه الأمت) والثانى أن لا يتخلل بين التلاوة والركوع ثلاث آيات إلا إذا كانت الآيات الثلاث من آخرالسورة كبنى اسرائيل وإذ السماء انشقت الخ.. (البحر الرائق ٢١٧/٢ط: زكريا ديوبند) وفي الشامي: فإن محمدا نص على أنه إذا بقي بعد السجدة آيات من آخر السورة: أي كسورة الإنشقاق وسورة بني إسرائيل إن شاء ختم السورة وركع لها، وإن شاء سجدلها ثم قام فأكمل السورة ثم ركع اه. ومثله في الفتح. (شامى ٥٨٧/٢ زكريا ديوبند). (حلبي كبيري ص٤٣٦ مطبع مجتبائي دهلي).

در هر نمازی که آیهٔ سجده خوانده شد، باید در همـان نمـاز سـجدهٔ تلاوت ادا گردد:

اگر در نماز آیهٔ سجده خوانده شـد، سـجده نیـز بایـد در همـان نمـاز ادا گردد، اگر شخصی در نماز آیهٔ سجده را تلاوت کرد ولی سجده نکرد، تـا کـه سلام گشتاند، و گفتگو وغیره نیز کرد، در این صورت این سجده در خارج از نماز ادا نمی‌شود، باید توبه و استغفار بکند.[1]

در نماز آیهٔ سجده را خواند، ولی فورًا سجده نکرد، چه حکم دارد؟:

اگر شخصی در نماز آیهٔ سجده را خواند و فورًا سجدهٔ تلاوت نکرد؛ بلکه بعد از چهار یا پنج آیه به یادش آمد، و یا در سجده یا قعده وغیره بیادش آمد، در این صورت فورًا باید سجدهٔ تـلاوت کنـد، و بنـا بـر تـاخیر در آخـر نمـاز سجده سهو نیز بکند. و اگر بعد از سلام گشتاندن بیـادش آمـد، مـادامی کـه سینه‌اش از قبله برنگشته و عمل منافی نماز هم انجام نداده، سـجدهٔ تـلاوت

۱ـ والسجدة التي وجبت في الصلاة لاتؤدي خارج الصلاة، كذا في السراجية وهكذا في الكـافي. ويكون آثما بتركها هكذا في البحر الرائق.(هنديه۱/۱۹٤ـ۱۹٥زكريا ديوبند)؛ وفي شرح التنوير: ولو تلاها في الصلاة سجدها فيها لاخارجها لمامر. وفي البدائع: وإذا لم يسـجد أثـم فتلزمـه التوبـة. (تنوير مع الدر۲/٥۸٥ زكريا ديوبند) وإذا لم يسجد أثم فتلزمه التوبة.. أفاد أنه لايقضيها. قال فـي شرح المنية: وكل سجدة وجبت في الصلاة ولم تؤد فيها سقطت: أي لم يبق السجود لها مشـروعا لفوات محله. اه (رد المحتـار ۲/٥۸٥ ط: زكريـا ديوبنـد)؛ وفـي مجمـع: (ولا تقضـي) السـجدة (الصلوية خارجها) لأن قرأة القرآن في الصلاة أفضل فلم يجز أداؤها خارج الصلاة لأن الكامل لا يتأدى بالناقص. (مجمع الأنهر۱/۲۳٤)؛ وكل سجدة وجب في الصلوة ولم تؤدفيها سقطت أي لم يبق السجود لها مشروعا لفوات محله إذ لو سجد خارج الصلاة يكون مؤديا لها أنقص مما وجبت وما وجب كاملا لايتأدى ناقصا ولو أداها في صلوة أخـري فكـذلك لكونهـا أجنبيـة منهـا..(حلبي كبيري ص۲۳۱/٤۳۲ مط: مجتبائي دهلي/ درسعادت ٥۰۱).

کرده می‌تواند؛ البته در این صورت تشهد وغیره را دوباره باید بخوانـد. و اگـر بعد از سلام گشتاندن، سینه‌اش از قبله برگشت، یا عملی منافی نماز را انجام داد، در این صورت برای ادا کردن این سجده راهـی جـز از توبـه و اسـتغفار وجود ندارد.[1]

۱ـ فعلى الفور لصيرورتهاجزءا منهما ويأثم بتأخيرها ويقضيها مادام في حرمـة الصـلوة ولـو بعـد السلام. وفي الشامي (قوله فعلى الفور) أي فإن كانت صلوتية فعلى الفور ثـم تفسـير الفـور عـدم طويل المدة بين التلاوة والسجدة بقراءة أكثرمن آيتين أو ثلاث على ماسيأتي حليـة. (قولـه ويـأثم بتأخيرها) لأنها وجبت بما هو عن أفعال الصلوة وهو القرائة وصارت مـن أجزائهـا فوجـب أداؤهـا مضيقا كما في البدائع ولذا كانت المختار وجوب سجود السهو لو تذكرها بعد محلها كما قـدمناه في بابه عند قوله بترك واجب صارت كما لوأخرت السجدة الصلبية عن محلها فإنها تكـون قضـاء ومثله مالو أخرالقراءة إلى الأخريين على القول بوجوبها في الأوليين وهو المعتمد. أمـاعلى القـول بعدمه فيهما فهي أداء في الأخريين كما حققناه في واجبات الصلوة فافهم. (درمختـارمع الشـامي ٢/ ٥٨٤ زكريا ديوبند)؛ وفي الغياثية: وأداؤها ليس على الفور، حتى لو أداهـا فـي أي وقـت كـان، يكون مؤديا لاقاضيا، كذا في التاتارخانية. هذا فـي غيـر الصـلاتية، أمـا الصـلاتية إذا أخرهـاحتى طالت القراءة تصير قضاءً ويـأثم، هكـذا فـي البحـر الرائـق. (هنديـه١/١٩٥زكريـا ديوبنـد) وفـي الولوالجية: المصلي إذا تلا آية السجدة ونسي أن يسجد لها ثم ذكرها وسجد و وجب عليه سـجود السهو لأنه تارك للوصل وهو واجب وقيل لاسهو عليه والأول الأصح كذا في التاتارخانية. (هنديـه ١/١٨٦ باب سجود السهو). (فتاوى رحيميه ٥/٢٠٠)؛ والسجدة التي وجبت في الصـلاة لاتـؤدي خارج الصلاة، كذافي السراجية وهكذا في الكافي. ويكون آثما بتركهـا هكـذا فـي البحـر الرائـق. (هنديه ١/١٩٤ـ١٩٥ زكريا ديوبند)؛ وفـي شـرح التنـوير: ولـو تلاهـا فـي الصـلاة سـجدها فيهـا لاخارجها لمامر. وفي البدائع: وإذا لم يسجد أثم فتلزمـه التوبـة. (تنويرمـع الـدر، ٥٨٥/٢ زكريـا ديوبند) وإذا لم يسجد أثم فتلزمه التوبة.. أفاد أنه لايقضيها. قال فـي شـرح المنيـة: وكـل سـجدة وجبت في الصلاة ولم تؤد فيها سـقطت: أي لـم يبـق السـجود لهامشـروعا لفـوات محلـه.اه (رد المحتار ٥٨٥/٢ ط: زكريا ديوبند).

سجدۀ تلاوت چگونه در رکوع و سجدۀ نماز ادا می‌شود؟:

آیۀ سجده را خوانده اگر فورًا رکوع کرده شود و در رکوع نیت سجدۀ تلاوت کند، در این صورت در رکوع سجدۀ تلاوت ادا می‌شود. و اگر در رکوع نیت نکند پس بعد از رکوع سجده‌ای که می‌کند در همان سجده، سجدۀ تلاوت نیز ادا می‌شود، خواه نیت کند یا نکند.[۱]

امام آیۀ سجده را در نماز تلاوت کرد، اما نیت سجده را در رکوع نکرد پس چه باید کرد؟:

اگر آیۀ سجده را خواند و بعد از آن فوراً (یعنی قبل از فصل کردن بیشتر از سه آیه رکوع و سجده کرد و در رکوع امام و مقتدی‌ها هیچ کدام شان نیت سجده را نکردند، در این صورت سجدۀ امام و مقتدی‌ها در سجدۀ نماز ضم شده ادا می‌گردد.[۲]

۱ـ قال في مراقي الفلاح ويجزئ عنها ركوع الصلاة إن نواها وينبغي ذلك للإمام حال كثرة القوم ويجزئ فيها سجودها أيضا وإن لم ينوها إذا لم ينقطع فورا التلاوة وانقطاعه بأن يقرأ أكثر من آيتين وقال الحلواني مالم يقرأ أكثر من ثلث آيات قال الكمال وهو الرواية اه. حاشية الطحطاوى على مراقى الفلاح) وتؤدي بالركوع في الصلوة وبركوع الصلوة إذا نواها وبسجود الصلوة مطلقاً، وقيل يشترط نيتها أيضا ويشترط في ذلك كله أن لا ينقطع الفور، بل يكون الركوع والسجود عقيب تلاوتها أو بعد آية أو آيتين فإن قرأ بعدها أربع آيات انقطع الفور بلا خلاف وإن قرأ ثلث آيات قيل ينقطع وإليه مال شيخ الإسلام خواهرزاده وقيل لا و إليه مال شمس الائمة الحلوائي وهو الأصح رواية فإن محمد ذكر في كتاب الصلوة قلت أرأيت الرجل يقرأ أي آية السجدة وهو في الصلوة والسجدة في آخر السورة الآيات بقيت من السورة بعد آية السجدة...(حلبي كبيري ص٤٣٥ مجتبائي دهلي)؛ (امداد الاحکام ٦٨٩/١ بحوالہ حاشیۃ الطحطاوی علی مراقی الفلاح).

۲ـ وتؤدي بسجودها كذلك أي على الفور وإن لم ينو بالإجماع . (الدر المختار ٥٨٧/٢ زكريا).
وفي حلبي كبيري: وسجدة التلاوة تتأدي بسجدة الصلوة وإن لم ينوها لأنا نقول ذلك إذا لم يقرأ

حکم نیتِ سجده در رکوع:

بعد از دیدن کتب فقه و تحریرات حضرات فقها و اکابرِ اهل فتاوی، به این نتیجه می‌رسیم که اگر امام در رکوع نیت سجدهٔ تلاوت کند، ومقتدی‌ها نیت نکنند، در خصوص این مسأله اختلاف است؛ رای اکثر فقها و اهل فتاوی اینست که بعد از سلام دادن امام، مقتدی سجدهٔ آیهٔ سجده را ادا کرده و قعده کنند و سلام بگردانند، وگرنه نماز مقتدی‌ها فاسد می‌شود. اکثر فقها واهل فتاوی همین را نوشته اند، قسمیکه در امداد الفتاوی زکریا ١/٥٥٤، فتاوی محمودیه دابهیل ٧/ ٤٦٦ وغیره، و از عبارت‌های شامی، کتاب الصلاة، باب سجود التلاوت، ط: کراچی ١١/٢، عالمگیری، کتاب الصلاة، الباب الثالث عشر فی سجود التلاوة زکریا ١٣٣/١، البحرالرائق، کتاب الصلاة، باب سجود التلاوة، زکریا ٢/ ٢١٨ کوئته ٢/ ١٢٣، رقم:٣٠٥٥؛ وطحطاوی، کتاب الصلاة، باب سجدة التلاوة دار الکتاب دیوبند٤٨٧ وغیره واضح می‌شود.

رأی دوم: اینست که نیتِ امام برای نیت مقتدی نیز کفایت می‌کند، و همین رأی را صاحب أحسن الفتاوی راجح قرار داده اند؛ لیکن علامه شامی‌رحمه‌الله این قول را خلاف صحیح گفته‌اند، برای امت در اختیار کردن همین قول آسانی است، لیکن تائید این قول کمتر است؛ لذا باید امام در رکوع نیت سجدهٔ تلاوت را نکرده در سجده نیت کند؛ زیرا که در صورت

بعدها ثلث آيات أو أكثر على مايأتي، أما إذا قرأ فلا تتأدي بسجدة الصلوة فتتصور. (ص٤٣٢ مطبع مجتبائي دهلي).

نیت کردن در سجده، اگر مقتدی نیت بکند یا نکند در هر دو صورت سجده مقتدی ادا می‌شود، و در نماز هیچ کسی فسادی هم لازم نمی‌آید.[۱]

مستفاد: (امداد الفتاوی مطبع: زکریا ۵۵۵/۱)؛ (فتاوی محمودیه جدید دابهیل ۴۶۶/۷)؛ (احسن الفتاوی ۵۹/۴)؛ (فتاوی دار العلوم دیوبند ۴۱۴/۴).

مقتدی آیهٔ سجده را خوانده به امام تذکر داد و امام تذکر را گرفت یک سجده واجب می‌شود یا دو؟:

امام صاحب آیهٔ سجده را فراموش کرد و مقتدی آیهٔ سجده را خوانده برایش تذکر داد و امام آن آیهٔ را خواند، در این صورت یک سجده کفایت می‌کند، بسبب خواندن مقتدی دو سجده واجب نمی‌شود؛ زیرا که با خواندن مقتدی بر امام و مقتدی‌ها سجده واجب نمی‌شود، همچنان مجلس نیز یکی است.[۲]

۱ـ (فتاوی قاسمیه ۶۶۱/۷) قال في العلانية ولو نواها في ركوعه أي عقب التلاوة، ولم ينوها المؤتم لم تجزه ويسجد إذا سلم الإمام ويعيد القعدة ولو تركها فسجدت صلوته كذا في القنية وينبغي حمله على الجهرية نعم لو ركع وسجد لها فورا ناب بلا نية، وفي الشامية وفي القهستاني واختلفوا في أن نية الإمام كافية كما في الكافي فلو لم ينو المقتدي لا ينوب على رأي فيسجد بعد سلام الإمام ويعيد القعدة الأخيرة كما في المنية اه. وأيضا فيها تحت (قوله وينبغي حمله على الجهرية) والأولى أن يحمل على القول بأن نية الإمام لاتنوب عن نية المؤتم والمتبادرمن كلام القهستاني السابق أنه خلاف الأصح حيث قال على رأي فتأمل. (رد المحتار ۵۸۷/۲-۵۸۸زكريا) (حلبي كبيري ص۴۳۵ مجتبائي).

۲ـ وإذا تلا الإمام آية السجدة، سجدها وسجد المأموم... وإن تلا المأموم لم يلزم الإمام ولا المؤتم السجود لا في الصلاة، ولا بعد الفراغ منها، كذا في السراج الوهاج. (هنديه ۱/ ۱۹۳ زكريا

اگر مقتدی به آواز بلند آیهٔ سجده را بخواند چه حکم دارد؟

اگر مقتدی به آواز بلند آیـهٔ سـجده را خوانـد، بـر مقتـدی، امـام و دیگـر مقتدی‌های سجدهٔ تلاوت واجب نمی‌شود، نه در داخل نماز و نـه در خـارج از نماز؛ البته اگر شخص دیگری آیهٔ سجده را شنید، یعنی شخصی که در این جماعت شامل نبود، خواه در نماز باشد یا بیرون از نماز، در این صـورت بـر او سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود؛ البته اگـر شـنونده در نمـاز باشـد، سـجده نکند؛ بلکه از نماز فارغ شده سجده بکند.[1]

دیوبند، دار الکتب العلمیه بیروت ١٤٧/١)، ولو تلاها المؤتم لا تجب علیـه ولا علـى مـن سـمعه ممن هو معه في تلك الصلوة.. (غنية المتملي ص٤٣١ط: مجتبائي)، (فتاوى رحيميه٥/١٩٩ ط: دار الاشاعت کراچی).

١ـ ولو تلاهـا المـؤتم لـم يسـجد المصـلي أصـلا لا فـي الصـلاة ولا بعـدها. (قولـه لـم يسـجد المصلي)... ولا من المؤتم الخ.. ولأن المصلي يشمل المصلي غير صلاته، كإمـام غيـر إمامـه و مقتد به ومنفرد، مع أنهم كغير المصلي أصلا من قسم الخارج كما أفاده ح: أي فـإنهم يسـجدونها بعد الفراغ من صلاتهم كما سيأتي ذلك في قول المتن، ولو سمع المصلي من غيره لم يسجد فيها بل بعدها. (شرح التنوير ٥٧٨/٢ زكريا) وفي شرح التنوير: ولاتجب على من سمعها مـن المـؤتم لوكان السامع في صلاته أي صلاة المؤتم، بخلاف الخارج.. أي عن صلاة المؤتم التالي إماما كان أومؤتما أومنفردا أو غيرمصل أصلا ... شرح التنـوير ٥٨٣/٢ زكريـا ديوبنـد). ولـو تلاهـا المـؤتم لاتجب عليه ولا على من سمعه ممن هـو معـه فـي تلـك الصـلوة.. (غنيـة المتملـي ص٤٣١ ط: مجتبائي) وتجب على من سمعها منه ممن ليس في صلوته اجماعا لعدم الحجر بالنظر إليهم لأنه بمنزلة من ليس في الصلوة في حقهم.. (ص٤٣١ مطبع: مجتبائي دهلي)، وإن تلا المأموم لم يلزم الإمام ولا المؤتم السجود لا في الصلاة، ولا بعد الفراغ منها، كـذا فـي السـراج الوهـاج. (هنديـه ١٩٣/١ زكريا ديوبند، دار الكتب العلميه بيروت ١٤٧/١)؛ وفي ملتقـى: ولا يجـب بـتلاوة المـؤتم أصلا إلا على سامع ليس معه في الصلاة ولو سمعها المصلي ممن ليس معه في الصلاة لا يسجد في الصلاة ويسجد بعدها، فإن سجد فيها لا تجوز ولا تبطل الصلاة. (ملتقـى الأبحـر ٢٣٣/١ ط: فقيه الأمت ديوبند) ومثله في بدائع الصنائع: (بدائع ... ٤٤٢/١ ذكريا).

حکم شخصی که خارج از نماز آیۀ سجده را از امام شنید:

امام در نماز آیۀ سجده را تلاوت کرد و شخص دیگری تلاوت را شنید، پس بر آن شخص سجدۀ تلاوت واجب می‌شود، و اگر آن شخص در همان رکعت شامل شد، و امام تا هنوز سجده نکرده بود، پس همراه امام سجده می‌کند. و اگر در همان رکعت بعد از سجدۀ تلاوت شامل شد؛ بر او سجدۀ جداگانه لازم نیست، تنها با شامل شدن در همان رکعت حکمًا سجدۀ آن شخص نیز ادا می‌شود.

و اگر همراه امام در نماز شامل نشد، و یا در رکعت دوم شامل شد؛ در این صورت باید خارج از نماز سجدۀ تلاوت کند.[1]

۱ـ ومن سمعها من إمام ولو باقتدانه به فانتم به قبل أن يسجد الإمام لها سجد معه، ولو انتم بعده لا يسجد أصلا، كذا أطلق في الكنز تبعا للأصل.. أي أطلق قوله: ولو انتم بعده أي بعد سجود الإمام فشمل ما إذاقتدي به في الركعة التي تلا فيها أوبعده. وإن لم يقتد به أصلا سجدها وكذا لواقتدى به في ركعة أخرى على ما اختاره البزدوي وغيره، وهو ظاهر الهداية...أي يسجدها ولكن بعد الفراغ من الصلاة..(الدرمع رد ۵۸۵/۲ زكريا) وفي ملتقى الأبحر: ولو سمعها من إمام فاقتدى به قبل أن يسجد سجد معه، وإن اقتدى بعد ما سجد فإن في تلك الركعة لا يسجد أصلا (وإن في غيرها) سجدها خارج الصلاة فتحقق السبب وهو السماع.(ملتقى الأبحر۱/۲۳۳_۲۳٤ط: فقيه الأمت ديوبند)؛ وفي غنية المتملي: ومن سمعهامن مصلى واقتدى به قبل أن يسجد المصلي لها سجد المصلي معه وإن اقتدى بعد ما سجد لها فإن كان اقتداوءه في الركعة التي تلاها فيها سقطت عنه، إن أدرك معه الركوع لأنها إثر القراءة التي قد تحملها الإمام عنه في تلك الركعة ولو لم يدرك معه تلك الركعة أو لم يقتد لا تسقط فلا بدمن سجوده لها لعدم المسقط. (غنية المتملي ص۴۳۲ مجتبائي دهلي/ درسعادت ص۵۰۱).

حکم نمازگزاری که آیهٔ سجده را شنید:

اگر نمازگزاری از شخصی که در نماز نبود آیـهٔ سـجده را شـنید، پـس بـر نمازگزار سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود؛ البته بعـد از فراغـت از نمـاز سـجده بکند. و اگر در همان نماز سجده کرد، برایش کفایت نمی‌کنـد، بایـد بعـد از نماز دوباره سجده کند؛ البته نمازش فاسد نمی‌شود.[1]

امام باید در نمازهای سرّی آیهٔ سجده را نخواند:

اگر اجتماع مردم زیاد باشد، نباید امام در نماز سرّی آیهٔ سجده را بخواند؛ زیرا امام هنگامی کـه آیـهٔ سـجده را مـی‌خوانـد تکبیـر سـجدهٔ تـلاوت را ادا می‌کند، بعضی از مقتدی‌ها بـه سـجده مـی‌رونـد و بعضـی دیگـر بـه رکـوع می‌روند و بیشتر مردم به تشویش می‌شوند. و اگر گاهی اتفاقًـا بخوانـد، پـس بعد از آیهٔ سجده فورًا رکوع کند و در رکوع نیت سجدهٔ تلاوت را کند؛ بلکه در سجده نیت کند، در این صـورت سـجدهٔ تـلاوت امـام و مقتـدی‌هـا نیـز ادا می‌شود و در بین مردم هرج و مرجی برپا نمی‌شود. و اگر تعداد مـردم بسـیار

۱ـ فی العالمگیریة ولو سمع المصلي من أجنبی یسجد بعد الفراغ ولوسجد في الصلوة لا یجزیـه ولا تفسد صلوته كذا في التهذیب هو الصحیح كذا فی الخلاصة. (هندیه ۱۹۳/۱ط: زکریا دیوبند) وفي شرح التنویر: ولو سمع المصلي السجدة من غیره لم یسجد فیها لأنها غیر صلاتیة بل یسـجد بعدها لسماعها من غیرمحجور. (شرح التنویر ۵۸۹/۲ زکریا). وفي مجمع الأنهـر: (ولـو سـمعها المصلي ممن لیس معه في الصلاة لا یسجد في الصلاة) لأنها لیست بصلاتیة، لأن سـماعه هـذه القراءة لیس من أفعال الصلاة (ویسجد بعـدها) لتحقـق سـببها وهـو السـماع لـتلاوة صـحیحة. (مجمع الأنهر ۲۳۳/۱ط: فقیه الأمت دیوبند).

کم باشند، یعنی: درصورت خواندن آیهٔ سجده احتمال پریشانی هیچ کسی نباشد، پس در نماز سرّی نیز خواندن آیهٔ سجده حرجی ندارد.[1]

۱ـ ویکره للإمام أن یقرأها في مخافتة، ونحو جمعة وعید، إلا أن تکون بحیث تؤدي برکوع الصلاة أوسجودها. قوله (ویکره) لأنه إن ترك السجود لها فقد ترك واجبا، وإن سجد یشتبه علی المقتدین. شرح المنیة (قوله إلا أن تکون) بأن کانت في آخرالسورة أو قریبا منه أوفي الوسط ورکع لها فورا کمامر بیانه. قال ح: لکن ینبغي أن لاینویها في الرکوع لمافیه من المحذور المتقدم عن القنیة: أي أنه یلزم المؤتم إذا لم ینوها فیه أیضا أن یأتي بها بعد سلام الإمام ویعید القعدة. (رد المحتار ۵۹۸/۲ زکریا دیوبند) ولو سجد لها فظن القوم أنه رکع، فمن رکع رفضه وسجدلها، ومن رکع وسجد سجدة أجزأته عنها، ومن رکع وسجد سجدتین فسدت صلاته لأنه أفرد برکعة تامة. (شرح التنویر ۵۸۸/۲ زکریا دیوبند)؛ وفي سکب الأنهر: (فروع) یکره الإمام أن یقرأها في مخافته، ونحو جمعة وعید إلا أن تکون في آخر السورة بحیث تؤدي برکوع الصلاة أوسجودها وینبغي حینئذ أن لا ینویها في الرکوع لتؤدي بالسجود، وتؤدي برکوع لها في الصلاة فورا ناویا قیاساً وبه یفتی، وبرکوع صلاة بالنیة وبسجودها، وإن لم ینو بشرط الفور وحده ثلاث آیات ولو نواها في الرکوع....وفي النوادر لو قرأ الإمام السجدة فسجد فظن القوم إنه رکع فمن رکع، ولم یسجد یرفض رکوعه ویسجد للتلاوة، ومن رکع وسجد سجدة فصلاته تامة، وسجدته مجزئة عن التلاوة، ومن رکع وسجد سجدتین فصلاته فاسدة لأنه إنفرد برکعة تامة ذکره الشمني. (سکب الأنهر: ۲۳۷/۱ مکتبه فقیه الأمت)؛ وفي غنیة المتملي: ویکره للإمام أن یقرأ آیة السجدة في صلوة یخافت فیها وکذا في نحوالجمعة والعید لأنه إن ترك السجود لها فقد ترك واجبا وإن سجد یشتبه علی المقتدین إلا أن تکون السجدة في آخر السورة أوقریبا منه بحیث تؤدي برکوع الصلوة أوسجودهما.. (سجود التلاوة، حلبي کبیري ص۴۳۷ مطبع مجتبائي دهلي)؛ وفي الهندیة: إذا قرأ الإمام آیة السجدة وبعض القوم في الرحبة، فکبر الإمام للسجدة وحسب من کان في الرحبة أنه کبر للرکوع فرکعوا، ثم قام الإمام من السجدة فکبر، فظن القوم أنه رفع رأسه من الرکوع، فکبروا ورفعوا رؤوسهم إن لم یزدوا علی ذلك لم تفسد صلاتهم. (هندیه ۱۹۴/۲زکریا دیوبند).

حکم تلاوت آیۀ سجده در نماز جمعه و عیدین:

در نماز جمعه و عیدین عمومًا اجتماع مردم زیاد می‌باشد و در آن جمعی از اقشار مختلف مردم می‌باشند، یعنی خوانده و نا خوانده؛ بدین لحاظ امام نباید در جمعه و عیدین آیۀ سجده را بخواند. و اگر اتفاقًا خواند و در صورت سجدۀ تلاوت، احتمال فساد نماز مردم باشد، پس امام نباید سجدۀ تلاوت بکند، در این صورت سجدۀ تلاوت ساقط می‌شود.[1]

حکم خواندن آیۀ سجده در نمازهای حرمین شریفین:

در نمازهای حرمین شریفین (زادهما الله شرفًا وعظمة) در طول سال جمع غفیری از عرب و عجم موجود می‌باشند، و در آن هر نوع مردم یعنی اهل علم و غیر اهل علم می‌باشند؛ به همین خاطر ائمۀ حرمین شریفن باید در نمازهای سرّی و جهری آیۀ سجده را تلاوت نکنند؛ بخاطر اینکه مشاهده اینست که در صورت سجدۀ تلاوت بسیاری از مردم نمازشان را فاسد می‌کنند. و اگر ارادۀ خواندن باشد، پس قبل از نماز با تعیین رکعت به زبان‌های عربی، اردو و فارسی وغیره مردم را مطلع کنند. (محمد نعمان سیتاپوری غفر له).

۱ـ ویکره للإمام أن یقرأها في مخافتة، ونحو جمعة وعید، إلا أن تکون بحیث تؤدي برکوع الصلاة أوسجودها. (الدر المختار ۵۹۸/۲ زکریا) وفي سکب الأنهر: ویکره للإمام أن یقرأها في مخافتة نحو جمعة وعید(۲۳۷/۱)؛ ویکره للإمام أن یقرأ آیة السجدة في صلوة یخافت فیها وکذا في نحو الجمعة والعید لأنه إن ترك السجود لها فقد ترك واجبا وإن سجد یشتبه علی المقتدین إلا أن تکون السجدة في آخر السورة أو قریبا منه بحیث تؤدي برکوع الصلوة أوسجودهما.. (سجود التلاوة، حلبي کبیري ص۴۳۷ مطبع مجتبائي دهلي).

حکم سجده کردن قبل از آیهٔ سجده:

سجدهٔ تلاوت بعد از تلاوت و یا سماع آیهٔ سجده واجب می‌شود، نه قبل از آن؛ لهذا اگر شخصی سهوًا قبل از آیهٔ سجده، سجدهٔ تلاوت کند، این سجده زائد و اضافی پنداشته می‌شود؛ زیرا که تاحال آیهٔ سجده خوانده نشده. و به سبب آن تأخیر نیز شد؛ لهذا سجدهٔ سهو لازم می‌شود. (امداد الاحکام ٦٨٩/١، فتاوی رحیمیه ٢٠٥/٥).

و اگر سجدهٔ سهو نکرد وبعد از سلام، مرتکب عمل منافی نماز نیز شد، پس قبل از ختم وقت، اعاده کردن نماز واجب است، و بعد از وقت مستحب است. و بعد از آن اگر آیهٔ سجده خوانده شود، سجدهٔ تلاوت واجب می‌شود.

آیهٔ سجده را خوانده در همانجا نماز را شروع کرد و در نماز نیز همان آیهٔ سجده را خواند:

شخصی آیهٔ سجده را خواند و سجده نکرد؛ سپس در همانجا به نماز نیت کرد و همان آیه را در نماز خواند و در نماز سجدهٔ تلاوت کرد؛ پس همین سجده برای هر دو کفایت می‌کند؛ زیرا مجلس هر دو متحد است؛ البته اگر مجلس تغییر کرد، در این صورت دو سجده واجب می‌شود.[1]

١ـ وإن تلاها في غير الصلاة فسجد ثم دخل الصلاة فتلاها فيها سجد أخرى ولو لم يسجد أولا كفته واحدة لأن الصلاتية أقوى من غيرها فتستتبع غيرها وإن اختلف المجلس .. وفي الشامي قوله (وإن اختلف المجلس) كذا في النهر عن البدائع ومثله في الدرر، وشرط في البحر اتحاده. قال الرملي في حواشيه: ومثله في غاية البيان والنهاية والزيلعي، والظاهر أن فيه اختلافا، وينبغي ترجيح ما في البحر اه. (شرح التنوير مع رد ٥٩٠/٢ زكريا ديوبند) ولو قرأها فسجد ثم افتتح

آیهٔ سجده را خارج از نماز خوانده سجده کرد، دوباره در نماز همان آیهٔ را تکرار کرد:

شخصی خارج از نماز آیهٔ سجده را خواند و سجدهٔ تلاوت نیز کرد، سپس در همانجا نماز را شروع کرد و در نماز نیز همان آیهٔ سجده را تکرار کرد، در این صورت سجده‌ای که در خارج از نماز انجام داده برای سجدهٔ تلاوت نماز کفایت نمی‌کند؛ بلکه باید سجدهٔ تلاوت نماز را داخل نماز انجام بدهد.[1]

حکم تکرار آیهٔ سجده در نماز:

شخصی در نماز آیهٔ سجده را تلاوت کرد و سجده نیز کرد، سپس در همان نماز همان آیهٔ سجده را دوباره بخواند، در این صورت سجدهٔ اول برایش کفایت می‌کند، ضرورت به دوباره سجده کردن ندارد.[2]

الصلاة مكانه ثم قرأها ثانيًا فعليه سجدة أخرى وإن كان لم يسجد للأولى عليه سجدة واحدة. (هندية ۱۴۹/۱ مطبع دار الكتب العلمية بيروت).

۱ـ ولو قرأ آية سجدة خارج الصلوة ولم يسجدها ثم شرع في الصلوة من غير أن يتبدل المجلس وقرأها فيها وسجدلها كفته هذه السجدة عن التلاوتين وإن سجد للأولى لم تكفه تلك السجدة عن التلاوتين وهذه المسئلة من جزئيات التداخل لاتحاد المجلس لعدم اعتبار اختلاف المجلس بالصلوة لأن الشروع فيها عمل قليل...(حلبي كبيري ص٤٣٤-٤٣٥ مجتبائي دهلي)؛ (شرح التنوير ۵۹۰/۲ ط: زكريا ديوبند) ولو قرأها فسجد ثم افتتح الصلاة مكانه ثم قرأها ثانيًا فعليه سجدة أخرى (هندية ۱۴۹/۱ مطبع دارالكتب العلمية بيروت).

۲ـ ولو قرأ آية سجدة خارج الصلوة ولم يسجدها ثم شرع في الصلوة من غير أن يتبدل المجلس وقرأها فيها وسجد لها كفته هذه السجدة عن التلاوتين وإن سجد للأولى لم تكفه تلك السجدة عن التلاوتين وهذه المسئلة من جزئيات التداخل لاتحاد المجلس لعدم اعتبار اختلاف المجلس بالصلوة لأن الشروع فيها عمل قليل...(حلبي كبيري ص٤٣٤-٤٣٥ مجتبائي دهلي)؛ (شرح

خواندن مکرر آیۀ سجده در نماز:

اگر در نماز بار بار آیۀ سجده خوانده شود، در این صورت فقط یک سجده کفایت می‌کند؛ زیرا که مجلس یکی است.[۱]

حکم تکرار آیۀ سجده بعد از ادای سجده:

شخصی آیۀ سجده را خواند و سجده کرد سپس در همانجا همان آیه را دوباره، سه باره تلاوت کرد، پس در این صورت سجدۀ اول برای تلاوت‌های بعدی کفایت می‌کند، یعنی: ضرورت به سجدۀ جداگانه ندارد.[۲]

حکم ترک کردن آیۀهای سجده در نماز یا خارج از نماز، هنگام تلاوت چیست؟:

اگر شخصی در نماز یا بیرون از نماز، قرآن کریم را تلاوت کند، و زمانیکه به آیۀ سجده برسد، آیۀ سجده را ترک کرده ما بعد آن را تلاوت کند؛

التنوير ۵۹۰/۲ ط: زكرياديوبند) ولو قرأها فسجد ثم افتتح الصلاة مكانه ثم قرأها ثانيًا فعليه سجدة أخرى (هندية ۱٤۹/۱مطبع دارالكتب العلمية بيروت).

۱ـ المصلي إذا قرأ آية السجدة في الأولى ثم أعادها في الركعة الثانية والثالثة وسجد للأولى ليس عليه أن يسجدها وهو الأصح كذا في الخلاصة. (هنديه ۱۹۵/۱زكرياديوبند) وفي الشامي: قوله: لأن الصلاة تجمع الأماكن ... ومفاده التسوية بين كون التكرار في ركعة أو أكثر وهو قول أبي يوسف وهو الأصح. (شامي ۵۹٤/۲ زكريا)؛ وفي مجمع الأنهر: ولو كرر المصلي في ركعة كفت سجدة قياسا وإستحسانا لاتحاد المجلس، ولو في ركعتين فلك عند أبي يوسف. (مجمع الأنهر ۲۳۵/۱ ط: فقيه الأمت ديوبند).

۲ـ ولو قرأها فسجد ثم قرأ القرآن بعد ذلك طويلًا ثم أعاد تلك السجدة لاتجب عليه أخرى. (هنديه۱٤۸/۱مطبع دار الكتب العلمية بيروت).

تا اینکه بر وی سجدهٔ تلاوت واجب نشود، این فعل مکـروه اسـت؛ زیـرا کـه این عمل یک نوع فرار از سجده است، که از شأن یک مؤمن نیست.[۱]

حکم تخصیص آیات سجده در نمازها:

اگر شخصی در نماز فقط آیهٔ سجده را تلاوت کند، و آن آیه برابر سـه آیـهٔ کوچک باشد، در این صورت هیچ مشکلی ندارد؛ البته همراه آیهٔ سجده یـک یا دو آیهٔ ما قبل وما بعد را خواندن بهتراست. و اگر شخصـی خـارج از نمـاز فقط آیهٔ سجده را بخواند، نیز برایش جایز است؛ البته همرای آیهٔ سجده یـک یا دو آیهٔ ما قبل وما بعد را خواندن بهتر است.[۲]

۱ـ ويكره أن يقرأ سورة فى صـلوة أوغيرهـا ويتـرك آيـة السـجدة لأنـه يشـبه الفـرار عـن السـجدة والاستنكاف عنها وذا ليس من أخلاق المؤمنين. اه (كبيرى ص٤٣٧ مطبع مجتبـائي دهلـي) وفـي شرح التنوير: وكره ترك آية سجدة وقراءة باقي السورة لأن فيه قطع نظم القرآن وتغيير تأليفه، واتبـاع النظم والتأليف مأموربه. بدائع ومفاده أن الكراهة تحريمية. (الدر ٥٩٥/٢)؛ وفي مجمـع الأنهـر: (وكره أن يقرأ سورة ويدع آية السجدة) لأنه يشبه الإستنكاف عنها، وذا ليس من أخـلاق المـؤمنين. (مجمع الأنهر ٢٣٦/١).

۲ـ لايكره عكسه.. قال في البدائع: لو قرأ آية السجدة من بين السورة لم يضره ذلك لأنها من القرآن وقراءة ماهو من القرآن طاعة كقراءة سورة من بين السور.. ولكن ندب ضم آية أو آيتين إليها قبلها أو بعدها لدفع وهم التفضل... قلت: وبين وجهه في الذخيرة حيث قال: قـالوا ويجـب أن يكـره فـي حالة الصلاة، لأن الاقتصار علـى آيـة واحـدة فـي الصـلاة مكـروه اه. ومقتضـاه أن الكراهـة فيهـا تحريمية لترك الواجب وهو قراءة ثلاث آيات لا للعلة الآتية في الشرح. (الدر مع رد ٥٩٦/٢ زكريا ديوبند)؛ (بدائع الصنائع٤٥٠/١ كتاب الصلاة، مط: زكريا ديوبند)؛ وفي كبيـري: ولايكـره عكـس ذلك بأن يقرأ آية السجدة من السورة سائرها لأنه مبادرة إلى السـجدة وقـرأة آيـة مـن بـين الآيـات كقراءة سورة من بين السور وذلك جائز فكذا هذا وقيل من قرأ آي السجدة كلها في مجلس وسجد لكل منها. ويستحب أن يقرأ مع السجدة من السورة آيات وفي فتاوى قاضيخان إن قرأ معهـا آيـة أو آيتين فهو أحب وكذا في الذخيرة ليكون دفعا لوهم تفضيل آية السجدة على غيرها مع أن الكل من

منفرد در نماز از شخصی آیهٔ سجده را شنید، سپس خودش در نماز همان آیهٔ سجده را خواند و سجده کرد:

منفرد در نماز از شخصی آیهٔ سجده را شنید، بعد از آن خودش نیز همان آیهٔ را در نماز تلاوت کرد، و سجدهٔ تلاوت کرد، پس این سجده برای هر دو (سماع، تلاوت) کفایت می‌کند و نماز واجب الاعاده و مکروه نمی‌شود؛ زیرا که بسبب اتحاد مجلس در بین هر دو سجده تداخل صورت گرفت.[۱]

حیث هو كلام الله في رتبة واحدة. (غنية المتملي ص٤٣٧ مطبع مجتبائي دهلي/ دار الكتاب ديوبند)؛ و في مجمع الأنهر: (لا عكسه) وهو أن يقرأ آية السجدة، ويدع ما سواها لأنه مبادر إليها حتى قيل! من قرأ آية السجدة كلها في مجلس سجد لكلٍ كفاه الله تعالى ما أهمه.... (وندب أن يضم إليها آية أو آيتين قبلها) وإنما قيد لما قبلها لموافقة عبارة محمد فإنه قال: أحب إلي أن يقرأ قبلها آية أو آيتين وفي الخانية إن قرأ معها آية أو آيتين، فهو أحب هذا أشمل معه عبارة محمد لتناولها لما قبلها، وما بعدها. مجمع الأنهر: ٢٣٦. لئلا يؤدي إلى إيهام تفضيل آية. مجمع الأنهر...أو بعدها دفعا لتوهم التفضيل ذا لكل من حيث إنه كلام الله في رتبة، وإن كان لبعضها زيادة باشتمالها على صفات الحق جل وعلا. (سكب الأنهر،٢٣٦/١ ط: فقيه الأمت ديوبند).

۱ـ وفي شرح التنوير: ولوسمع المصلي السجدة من غيره لم يسجد فيها لأنها غيرصلاتية بل يسجد بعدها لسماعهامن غير محجور. (شرح التنوير٥٨٩/٢ زكريا)؛ (احسن الفتاوى ٥٧/٤). ولو قرأ آية سجدة خارج الصلوة ولم يسجدها ثم شرع في الصلوة من غير أن يتبدل المجلس وقرأها فيها وسجد لها كفته هذه السجدة عن التلاوتين وإن سجد للأولى لم تكفه تلك السجدة عن التلاوتين وهذه المسئلة من جزئيات التداخل لاتحاد المجلس لعدم اعتبار اختلاف المجلس بالصلوة لأن الشروع فيها عمل قليل...(حلبي كبيري ص٤٣٤-٤٣٥ مجتبائي دهلي)، (شرح التنوير ٥٩٠/٢ ط: زكريا ديوبند).

اگر قبل از سجدۀ تلاوت نماز فاسد شود، چه باید کرد؟:

شخصی در نماز آیۀ سجده را خواند؛ لیکن قبل از سجدۀ تلاوت نمازش فاسد شد، پس گویا که این آیۀ سجده در نماز تلاوت نشده، بلکه این آیۀ سجده در خارج از نماز تلاوت شده؛ لهذا اگر این شخص در همانجا نیت کرده نماز بخواند، و در آن همین آیۀ سجده را دوباره خوانده سجدۀ تلاوت کند، پس سجده این شخص برای هر دو کفایت می‌کند؛ زیرا که مجلس هر دو متحد است. و اگر به وضو وغیره ضرورت پیش شود، در این صورت باید سجدۀ جداگانه بکند.[1]

اگر بعد از سجدۀ تلاوت نماز فاسد شود، دوباره سجده واجب نیست:

شخصی در نماز آیۀ سجده را خواند و سجدۀ تلاوت نیز کرد، بعد از آن نمازش فاسد شد، چونکه بعد از آیۀ سجده، سجدۀ تلاوت کرده است، لذا بخاطر فاسد شدن نمازش دوباره به سجدۀ تلاوت کردن ضرورت نیست.[2]

۱ـ ولو تلاها في الصلاة سجدها فيها لاخارجها.. إلا إذا فسدت الصلاة بغير الحيض فلوبه تسقط عنها السجدة، فيسجدها خارجها لأنها لما فسدت لم يبق إلا مجرد التلاوة فلم تكن صلوتية ولوبعد ما سجدها لم يعدها ذكره في القنية.. (الدر المختار ۵۸٦/۲ زكريا).

۲ـ والسجدة التي وجبت في الصلاة لاتؤدي خارج الصلاة، كذا في السراجية.. ويكون آثما بتركها، هكذا في البحر الرائق هذا إذا لم يفسد قبل السجود، فإن أفسدها قضاها خارجها ولو بعد ماسجدها، لايعيدها، كذافي القنية.(هنديه ۱۹٤/۱-۱۹۵زكريا ديوبند).

اگر زن در نماز قبل از سجدهٔ تلاوت حیض دید در این صورت حکمش چیست؟:

زن در حال نماز خواندن بود و در نماز آیهٔ سجده را خواند؛ لیکن سجدهٔ تلاوت نکرده بود که حیضش شروع شد، در این صورت از ذمهٔ او، این سجده ساقط می‌شود.[1]

«الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات وله الحمد أولاً و آخرا»

شب پنجشنبه هفتم جمادی الثانی ۱٤٤۰ه ق

۱ـ قوله: (وتسقط بالحيض) تبع في ذلك صاحب النهر حيث قال: وصرحوا بأنها لو أخرتها حتى حاضت سقطت، وكذا لو ارتدت بعد تلاوتها، كذا في الخانية اه. والذي في الخانية: المرأة إذا قرأت آية السجدة في صلاتها فلم تسجد حتى حاضت سقطت عنها السجدة اه. ومثله ما سيذكره الشارح عن الخلاصة؛ فعلم أن المراد السجدة الصلاتية، وهي الآتية من ضمن قول المتن (إلا إذا فسدت بغير الحيض الخ) فلا محل لذكرها هنا؛ نعم في التجنيس مايدل على سقوطها بالحيض مطلقا، فإنه قال: إذا قرأت آية السجدة ولم تسجد لها حتى حاضت سقطت، لأن الحيض ينافي وجوبها ابتداء فكذا بقاء، وهو نظير المسلم إذا قرأها ثم ارتد سقطت عنه حتى إذا أسلم لاتجب عليه، لأن الكفر ينافيه ابتداء فكذا بقاء اه. فتأمل. (الدر مع رد المحتار ۵۸۳/۲ــ۵۸٤ زكريا ديوبند). ولوتلاها في الصلاة سجدها فيها لا خارجها.. إلا إذا فسدت الصلاة بغير الحيض فلوبه تسقط عنها السجدة، ذكره في الخلاصة.. ظاهره أن غير الصلاتية لاتسقط بالحيض... (الدر المختار ۵۸٦/۲ زكريا)؛ وفي حاشية الطحطاوي: (إلا إذا فسدت الصلاة بغير الحيض) فلوبه تسقط عنها السجدة،... أي: قبل سجودها، والإ فساد كالفساد: قوله: (فلوبه تسقط) لأن الحيض أسقط الفرض فتبعه الواجب. (حاشية الطحطاوي على الدر المختار ۵۵۲/۲ دار الكتب العلمية بيروت).

مراجع و مصادر

کتب عربي:

١ـ ابن عابدين، محمد أمين. رد المحتار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار. ديوبند ـ هند: مطبع زكريا.

٢ـ ابن علاء، امام فريد الدين. (١٤٣١ه- ٢٠١٠م). الفتاوي التاتارخانية. ديوبند- هند: مكتبه زكريا ديوبند.

٣ـ ابن نجيم، شيخ زين الدين بن إبراهيم بن محمد. (١٤١٩ه- ١٩٩٩م). الأشباه والنظائر. بيروت: دار الكتب العلميه/ مطبع فيصل ديوبند

٤ـ ابن الهمام، كمال الدين بن محمد بن عبد الواحد. (١٤٢٤ه/ ٢٠٠٣م). شرح فتح القدير. بيروت: دار الكتب العلمية.

٥ـ أبويعلي، أحمد بن علي بن المثني التميمي. (١٤١٠ه/١٩٨٩م). مسند أبي يعلي الموصلي. دمشق: مطبع دارالمأمون للتراث.

٦ـ أبي شيبه، الحافظ أبوبكر عبد الله بن محمد بن إبراهيم. (١٤٢٥ه/ ٢٠٠٤م). المصنف. رياض: مكتبة الرشد ناشرون.

٧ـ اتقاني، قوام الدين أمير كاتب الاتقاني. (٢٠١٦م). غاية البيان نادرة الزمان في آخر الآوان، مخطوطه. المكتبة الوقفية.

٨ـ اوشى حنفى، سراج الدين أبو محمد على بن عثمان. الفتاوى السراجية. بيروت: دار الكتب العلميه.

٩ـ بخاري، حافظ أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. (١٤٢٣ه/٢٠٠٢م) صحيح بخاري شريف. بيروت: دار ابن كثر.

١٠ـ بخاري، طاهر بن أحمد بن عبد الله الرشيد. (د. ت). خلاصة الفتاوى.

١١ـ ترمذي، أبوعيسي محمد. (٢٠١٧م). الجامع الصحيح وهو سنن الترمذي. بيروت: دار الكتب العلميه.

١٢ـ تهانوي، ظفر أحمد العثماني. (١٤١٨ه). إعلاء السنن. باكستان- كراتشي: إدارة القرآن والعلوم الإسلامية.

١٣ـ حاكم، الإمام الحافظ أبو عبد الله الحاكم النيشابوري. (١٤١٧ه/ ١٩٩٧م). المستدرك على الصحيحين. مصر والسودان: مطبع دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع.

١٤ـ حلبي، إبراهيم. (١٣٢٥ه). حلبي كبيري مطبع مجتبائي دهلي/ در سعادت، جهان نور/ دار الكتاب ديوبند.

١٥ـ رافعي، مفتي ديار مصر عبد القادر. تقريرات الرافعي على ردالمحتار. ديوبند- هند: مطبع زكريا ديوبند.

١٦ـ زبيدي، أبوبكر علي بن محمد الحداد. (٢٠٠٦م). الجوهرة النيرة شرح مختصر القدوري. بيروت: دار الكتب العلمية بيروت/أبوبكر علي.

١٧ـ زيلعي، فخرالدين عثمان بن علـي. (د. ت). تبيين الحقـايق شـرح كنـز الدقائق. ملتان- باكستان: مطبع امدادية ملتان.

١٨ــ سرخســي، شــمس الــدين. (١٤٠٩هـ- ١٩٨٩م). كتــاب المبســوط للسرخسي. بيروت- لبنان: دار المعرفة.

١٩ـ شـرنبلالي، شـيخ حسـن بـن عمـار بـن علـي. (د. ت). نـور الإيضـاح بالإصباح. لاهور: مكتبه رحمانية لاهور

٢٠ـ شرنبلالي، شيخ حسن بن عمار بـن علـي. (١٤٢٤هـ-٢٠٠٤م). مراقـي الفلاح بإمداد الفتاح. بيروت: دار الكتب العلمية.

٢١ـ شرنبلالي، شيخ حسن بن عمار بن علي. (د. ت). إمداد الفتاح شرح نور الإيضاح. ديوبند- هند: مكتبه اتحاد ديوبند.

٢٢ـ شيخ نظام، وجماعـة مـن علمـاء الهنـد الأعـلام. (١٤٢١هـ- ٢٠٠٠م). الفتاوي الهنديه. بيروت: دار الكتب العلميه/ مطبع زكريا ديوبند.

٢٣ـ شيخي زاده، عبد الرحمن بـن محمـد بـن سـليمان الكليبـولي. مجمـع الأنهر في شرح ملتقي الأبحر. بيروت: دار الكتب العلميه/ مطبع فقيه الأمـت ديوبند.

٢٤ـ طحاوي، أبوجعفر أحمدبن محمد سلامة بـن عبـد الملـك. (٢٠١١م). شرح معاني الآثار. بيروت: دار عالم الكتب.

٢٥ـ طحطاوي، أحمد بن محمـد بـن إسـماعيل. (١٤٣٨ه٢٠١٧م). حاشـية الطحطاوي علي الدرالمختار. بيروت: دار الكتب العلمية.

٢٦ـ طحطاوي، أحمد بن محمد بن إسـماعيل. (١٤١٨هـ- ١٩٩٧م). حاشـية الطحطاوي علي مراقي الفلاح. بيـروت: دار الكتـب العلميـه/ مطبـع فخريـه ديوبند.

٢٧ـ عيني، بدرالدين أبي محمد محمود بن أحمد. (١٤٢١هـ/٢٠٠١م). عمـدة القاري شرح صحيح البخاري. بيروت: دار الكتب العلميه.

٢٨ـ كاساني، علاء الدين أبي بكر بـن مسـعود. (١٤٢٤هـ- ٢٠٠٣م). بـدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. بيروت: دار الكتب العلميه/ زكريا ديوبند.

٢٩ـ مرغيناني، برهان الدين أبو الحسن علي بن ابي بكر الفرغـاني. (د. ت). الهداية مع الدراية. لاهور: مطبع رحمانيه.

٣٠ـ نسفي، أبو البركات عبد الله بن أحمـد بـن محمـود. (١٤١٨هـ/١٩٩٧م). البحر الرائق شرح كنز الدقائق. بيروت: دار الكتب العلمية.

٣١ـ نيمـوي، العلامـة محمـد بـن علـي. (١٤٣٢هـ/ ٢٠١١م). آثـار السـنن. باكستان-كراتشي: مكتبة البشري.

کتب اردو:

٣٢ـ پالنپوری، مفتي سعيد أحمد. (١٤٢٢هـ- ٢٠٠١م). رحمة اللـه الواسـعة شرح حجة الله البالغة. ديوبند- هند: مكتبه حجاز.

٣٣ـ تهانوي، حكيم الامـت مولانـا اشـرف علـي تهـانوي. (د. ت). امـداد الفتاوی جدید مطول حاشیه. ديوبند-هند: زكريا بكڈپو ديوبند.

٣٤ـ تهـانوي، حكـيم الأمـت مولانـا اشـرف علـي. اختـري بهشـتي زيـور. سهارنپور- هند.

٣٥ـ جالندهري، مولانا خيرمحمد. (د. ت). خيرالفتاوی. ملتـان- باكسـتان: مكتبه امداديه.

٣٦ـ حضرت مولانا عبد الحق صاحب. (١٤٣٠ه/ ٢٠٠٩م). فتاوي حقانيه. نوشهره-باكستان: جامعه دارالعلوم حقانيه.

٣٧ـ عثماني، حضرت مولانا مفتي محمد شفيع. (٢٠١٠م). جواهرالفقه. كراچی- پاكستان: دارالعلوم كراچی.

٣٨ـ فتاوي دارالعلوم ديوبند مدلل ومكمل. مكتبه دارالعلوم ديوبند، دار الاشاعت پاكستان.

٣٩ـ قاسمي، مولانا مفتي شبير احمد. (١٤٣٧ه). فتاوي قاسميه. ديوبند- هند: مكتبه اشريفيه ديوبند.

٤٠ـ گنگوہی، مفتي محمود حسن. (د. ت). فتاوی محموديه جديد ڈابهيل/ جامعه فاروقيه كراچی.

٤١ـ لاجپوری، مفتی سيد عبد الرحيم. (٢٠٠٩م). فتاوي رحيميه. كراچی- پاكستان: دارالاشاعت.

٤٢ـ مفتي اعظم مفتي رشيد احمد. (١٤٢٥ه). أحسن الفتاوي. كراچی- پاكستان: ايچ ايم سعيدكمپنی

٤٣ـ منصورپوری، مفتی محمد سلمان. (١٤٣٤ه- ٢٠١٣م). كتاب المسائل ـ دهلي-هند: مطبع فريد بك ڈپو.

٤٤ـ منصورپوری، مفتی محمد سلمان. (١٤١٩ه). فتوی نويسی كے رہنما أصول. ديوبند- هند: كتب خانه نعميه ديوبند.